

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

بهرام رحمانی
۰۱ جنوری ۲۰۱۹

جهان در سال ۲۰۱۹

هر وعده که دادند به ما باد هوا بود هر نکته که گفتند غلط بود و ریا بود
چوپانی این گله به گرگان بسپردند این شیوه و این قاعده ها رسم کجا بود؟
رندان به چپاول سر این سفره نشستند این ها همه از غفلت و بی حالی ما بود!
خوردند و شکستند و دریدند و تکاندند هر چیز در این خانه بی برگ و نوا بود.
گفتند چننیم و چنانیم دریغا... این ها همه لالائی خواباندن ما بود!
ای کاش در دیزی ما باز نمی ماند یا کاش که درگر به کمی شرم و حیا بود

ایرج میرزا



با تبریک سال نو و با امید این که سال ۲۰۲۰، سال سقوط حکومت های سرمایه داری به ویژه حکومت اسلامی ایران باشد!

مقدمه

سالی که گذشت وقایع تلخ و شیرین زیادی داشت. در این سال نیز شکاف های طبقاتی بین مزدبگیران و سرمایه داران، عمق و وسعت بیش تری یافت. در سالی که گذشت، سرکوب، سانسور، فقر، بیکاری، تخریب محیط زیست و تورم و گرانی در سراسر جهان تشدید شد و در اعتراض به این معضلات و بحران های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، خیزش های مردمی با اعتصاب و اعتراض و راهپیمائی های گسترده و مداوم سازمان دهی و برگزار شد. این اعتراض ها در برخی کشورها هم چنان ادامه دارد.

در ماه های اخیر و حتی این روزها، همه جا خبر از اعتراض مردم و کشتار مردم است. از چیلی تا عراق، لبنان و فرانسه تا ایران. در اخبار و گزارشات، همواره حتی خبر از رقم بالای کشته شدگان داده می شود.

در ایران، خامنه ای رهبر حکومت اسلامی و روحانی زئیس جمهوری رسماً و علناً فرمان کشتار معترضان به افزایش قیمت بنزین را صادر کردند. معترضان را «اشرار» و عامل «خارجی» نامیدند. حتی جناح ها و مقامات مختلف حکومت اسلامی، انگار در کشتار معترضان به رقابت برخاستند حتی یک خانم فرماندار یکی از شهرهای اطراف تهران، در گفت و گو با رسانه های حکومت با «افتخار» اعلام کرد که من فرمان شلیک به معترضان را صادر کردم. وزیر کشور در مقابل سؤال نمایندگان مجلس شورای اسلامی، که پرسیده بودند چرا مستقیماً به سر مردم شلیک کرده و کشته اید گفت: نه تنها به سر آن ها، بلکه به پای شان هم زده ایم.

خبرگزاری رویترز در گزارشی آمار کشته شدگان در اعتراضات ایران را ۱۵۰۰ نفر اعلام کرده و به نقل از سه منبع نزدیک به رهبر جمهوری اسلامی نوشت که خامنه ای به مقامات دولتی و امنیتی دستور داده بود برای متوقف کردن اعتراضات «هر کاری لازم است» انجام دهند.

در کشورهای لبنان و عراق که ماه هاست مردم در اعتراض به تبعیض، فقر، بیکاری و فساد دولتی به خیابان ها آمده اند یک شعار ثابت معترضین علیه حکومت اسلامی ایران و نیروهای وابسته به آن است. در لبنان حزب الله و در عراق حشد الشعبی، شبه نظامیان شیعه مذهب هستند که مستقیماً از خامنه ای و قاسمی فرمانده سپاه قدس حکومت اسلامی فرمان بری می کنند همانند سپاه پاسداران، دست به کشتار معترضین زده اند. این نیروهای ترور و جنگ طلب و آدم کش، گلوله های خود را مستقیماً به قلب و سر انسان ها شلیک کرده اند و...

مأموران تا دندان مسلح لباس شخصی و نظامی حکومت اسلامی، در طول یک هفته، ۱۵۰۰ معترض را کشتند؛ صدها تن را زخمی کردند و حدود ده هزار نفر را نیز دستگیر کردند که حتی خانواده های آن ها نیز خبر ندارند دستگیر شدگان را در کجاها زندانی هستند و چه بلایی سر آن ها آورده اند همه نگرانند.

اعتراض در کشورهای مختلف جهان هم چون اعتراضات الجزایر، بولیوی، چیلی، کلمبیا، اکوادور، مصر، بریتانیا، فرانسه، المان، گینه، هایتی، هندوراس، هنگ کنگ، هند، اندونزی، ایران، عراق، لبنان، هلند، اسپانیا، سودان، انگلستان، زیمبابوه و...، عمدتاً اعتراض به حکومت های سرمایه داری و فساد دولتی و بیکاری و فقر و فشار است. اعتراض هایی که بیش تر به انقلاب هائی شبیه اند که می توانند حکومت ها را سرنگون و کل کشور را به تعطیلی بکشند.

برای مثال در ایران، اعلام افزایش حداقل ۵۰ درصدی قیمت سوخت جرقه اعتراضات را زد. در المان، هلند، و فرانسه، کشاورزان در اعتراض به قوانین محیط زیستی بزرگراه ها را بستند. خشم مردمی که از ماه ژوئن هنگ کنگ را به لرزه درآورده است با طرح قوانینی برای استرداد مجرمین به چین راه افتاد. در چیلی، افزایش کرایه حمل و نقل

عمومی، در اندونزی یک لایحه کیفری ظالمانه، و در لبنان اعلام مالیات های جدید بر همه چیز، از گازوئیل گرفته تا تماس های واتس آپ.

از تدابیر تحمیل شده از سوی صندوق بین المللی پول که موجب افزایش ۶۰ درصدی تورم و فقیر شدن میلیون ها انسان، فقط طی سه سال گذشته شده است.

اخیرا جاری، دومینیک اِده رمان نویس در مورد خیزش مردمی فعلی لبنان نوشت که «تو گوئی صدها هزار انسان یکه و تنها، پس از یک خواب زمستانی طولانی، درست در یک زمان فهمیده اند که تنها نیستند.»

سران و مقامات خود این کشورها از همه بیش تر غافل گیر شدند.

از دانش آموزشی که برای محیط زیست مبارزه می کنند و زنانی که آزاردهندگان جنسی را افشا می کنند گرفته تا شهروندانی که خواهان دموکراسی هستند و حتی جهادی های مبلغ و مشوق خشونت، همه در یک نکته اشتراک داشتند و آن اتکای هر چه بیش تر به شبکه های اجتماعی بود.

۲.۴ میلیارد رقم بسیار بزرگ و تصورناپذیری است، ولی این تعداد افرادی است که هر ماه به طور مرتب از فیس بوک، بزرگ ترین شبکه اجتماعی جهان، استفاده می کنند. در سال ۲۰۱۱ این رقم کمی بیش تر از ۵۰۰ میلیون بود. فناوری های دیجیتال به شکل بی سابقه ای شیوه زندگی مردم را تغییر می دهد.

این عرصه در احاطه کامل شرکت های امریکائی مثل فیس بوک، گوگل، توئیتر، آمازون، اپل و واتساپ است. آن ها میلیاردها دالر درآمد دارند، با این حال عملکردشان به دور از جنجال نبوده است.

در عین حال، این شرکت ها به اطلاعات شخصی ما دسترسی دارند و برای حریم خصوصی مردم یک تهدید جدی هستند. آن ها امکان آزادی بیان را فراهم می کنند ولی در عین حال احتمال مورد آزار قرار گرفتن و حتی خطرهای جدی تر در شبکه های اجتماعی واقعی است.

آن ها زمینه را برای بهره مند شدن تعداد هر چه بیش تری از مردم از انواع و اقسام مطالب و مضامین در شبکه اینترنت فراهم می کنند، ولی به برخی از خالقان این آثار و یا رسانه های تولید کننده اخبار و گزارشات و تحلیل ها و ترجمه ها و تصاویر و غیره پولی پرداخت نمی کنند.

اما جای تعجب دارد که در اخبار تلویزیون های بزرگ جهان، کم تر اشاره ای به این همه خیزش مردمی می شود که همه هم زمان در جای جای جهان در حال وقوع هستند؟

در پی «حمله» معترضان، سفارت امریکا در بغداد تخلیه شد. دو روز پس از حمله نیروهای امریکائی به مواضع کتائب حزب الله، خبرگزاری ها امروز سه شنبه دهم دی ماه - سی و یکم دسامبر، از حمله معترضان عراقی به سفارت این کشور در بغداد، پایتخت، خبر دادند

در پی انتشار این خبر، خبرگزاری رویترز به نقل از مقامات عراقی نوشت که سفیر امریکا و دیگر کارکنان این سفارتخانه برای حفظ جان شان «تخلیه شده اند.»

رویترز که خبر خود را به نقل از دو مقام وزارت خارجه عراق منتشر کرده است، می گوید که هم اکنون تنها کارکنان امنیتی سفارتخانه در آن حضور دارند.

خبرگزاری فرانسه دلیل «حمله» معترضان به سفارت امریکا را «خشام آن ها» از حملات هوائی این کشور به نیروهای عراقی عنوان کرده است.

امریکا روز یکشنبه هفته جاری در واکنش به حمله به یک پایگاه نظامی در کرکوک و کشته شدن یک امریکائی، به پایگاه های کتائب حزب الله، یک گروه شبه نظامی مورد حمایت حکومت اسلامی ایران در عراق، حمله کرد.

به این ترتیب، این احتمال وجود دارد که متأسفانه در سال جدید مردم خاورمیانه، با یک جنگ خانمانسوز دیگری رو به رو شوند!
هدف این مطلب، نگاهی به برخی وقایع مهم جهان در سال ۲۰۱۹ است.

کودکان و جنگ

نمایشگاهی از کیف های یونیسف که بیانگر وضعیت وخیم مرگ و میر کودکان در مناطق تحت مناقشه در سال ۲۰۱۸ است، در محوطه سازمان ملل در نیویورک رونمایی شد. این نمایشگاه شامل ۳۷۵۸ کوله پشتی است که به صورت ردیف های نمادین یک گورستان چیده شده اند و هر کدام بیانگر کودکی هستند که در مناقشات جان خود را از دست داده است.

این مجموعه که تا روز دهم سپتامبر برپا خواهد بود، در روزهایی که در برخی نقاط جهان کودکان آماده بازگشت به مدرسه می شوند و هم چنین چند روز پیش از نشست مجمع عمومی سازمان ملل، پیامی برای رهبران جهان در بردارد. کیف ها پس از پایان نمایش، سفر خود را برای حمایت از آموزش کودکان ادامه خواهند داد.



هنریتا فور، مدیر کل یونیسف، با اشاره به این که «کوله پشتی های یونیسف همیشه نماد امید و امکان کودکی هستند» گفت: «طی دو هفته آتی، رهبران جهان در مجمع عمومی سازمان ملل گردهم می آیند تا سی امین سالگرد پیمان نامه حقوق کودک را گرامی دارند. این نمایشگاه به آن ها خطرات پیش رو را یادآوری خواهد کرد.»

بر اساس «گزارش سالیانه دبیرکل درباره کودکان و مناقشات مسلحانه در سال ۲۰۱۹» بیش از ۱۲ هزار کودک در سال گذشته میلادی در مناطق تحت مناقشه کشته شده یا به صورت دائم دچار معلولیت شده اند. این رقم بالاترین میزانی است که از زمان شروع نظارت و گزارش دهی سازمان ملل درباره این موضوع ثبت شده است. این آمار تنها نشان دهنده موارد تائید شده هستند و رقم واقعی احتمالاً بسیار بالاتر است. یونیسف تخمین می زند که در یک چهارم این رویدادها کودکان کشته می شوند.

کودکان در مناقشات کنونی در افغانستان، جمهوری آفریقای مرکزی، سومالی، سودان جنوبی، سوریه، یمن و بسیاری مناطق دیگر بیشترین هزینه جنگ را پرداخت می کنند. تداوم استفاده گسترده از تسلیحات انفجاری به مانند بمباران هوایی، مین های زمینی، خمپاره، مواد منفجره دست ساز، حملات موشکی، مهمات خوشه ای و گلوله باران توپخانه ای بیشترین تلفات را به کودکان در مناطق تحت مناقشه وارد کرده اند.

فور در ادامه سخنانش می گوید: «در حالی که بسیاری از کودکان در هفته جاری به مدارس بازمی گردند، ما افکار عمومی را متوجه هزاران کودکی می کنیم که در مناطق مناقشه کشته شده اند. مرگ تراژیک این کودکان در خانه ها، کلاس ها و جوامع آن ها در سراسر جهان احساس خواهند شد. دستاوردهای چشم گیری که در سی سال گذشته برای کودکان به دست آمده آشکارا نشان می دهند که اگر اراده سیاسی برای اولیت قائل شدن به کودکان را داشته باشیم به نتایج بسیاری دست خواهیم یافت.»



عکس سال یونیسف (صندوق کودکان سازمان ملل متحد)
سه فاجعه در یک قاب: فقر، کار کودکان و آلودگی محیط زیست

کودکان کار در ایران و جهان

۱۲ ژوئن برابر با ۲۲ خرداد را روز جهانی مبارزه با کار کودکان نامیده اند. به همین مناسبت، یونیسف، صندوق کودکان ملل متحد، روز سه شنبه ۱۱ ژوئن ۲۰۱۹، گزارشی در این باره ارائه کرد که نشان می دهد هنوز هم در سراسر جهان ۱۵۲ میلیون دختر و پسر (تقریباً از هر ده کودک، یک کودک) مجبورند برای چرخ اقتصادی خانواده کار کنند. بر پایه این گزارش، تقریباً نیمی از این کودکان (۷۳ میلیون نفر) در شرایط خطرناک کار می کنند یا استثمار می شوند.

بر پایه گزارش های یونیسف، بیش تر این کودکان، یعنی تقریباً نیمی از آن ها (۷۳ میلیون نفر) در آفریقا و ۶۲ میلیون در آسیا زندگی می کنند و بیش از ۷۰ درصد این کودکان در بخش کشاورزی مشغول به کار هستند. یونیسف دولت ها، جامعه مدنی و صاحبان صنایع را فراخوانده است که با ریشه های کار کودکان مانند فقر شدید، نبود امکان تحصیل و آموزش و تبعیض علیه دختران با شدتی بیش تر مبارزه کنند.

یونیسف در گزارش خود، به این نکته اشاره می کند که شمار کودکان کار هرچند کاهش یافته اما روند این کاهش در سال های گذشته، کند شده است. شمار کودکان کار از ۲۴۶ میلیون در سال ۲۰۰۰ به ۱۵۲ میلیون در سال ۲۰۱۶ رسیده است.

صندوق کودکان سازمان ملل، با انتقاد از کندی روند کاهش می گوید، اگر کاهش شمار کودکان کار با همین سرعت ادامه یابد، در سال ۲۰۲۵ هم چنان ۱۲۱ میلیون کودکان کار خواهیم داشت. سازمان ملل متحد متعهد شده است که تا سال ۲۰۲۵ به معضل کار کودکان پایان دهد.

سازمان بین‌المللی کار سن ۱۵ سال را به عنوان حداقل سن کار تعیین کرده است. اما استانداردهای بین‌المللی اغلب با قوانین ملی هم خوان نیستند.

اما آمار کودکان کار در ایران، همواره رو به افزایش است. کارشناسان در ایران دو علت عمده افزایش کار کودکان در ایران را «فقر» و «بدسرپرستی» می‌دانند. وضعیت نامناسب اقتصادی و عاطفی در خانواده، اعتیاد و مهاجرت، بسیاری از کودکان را «بدسرپرست» کرده است. «حاشیه‌نشینی» در ایران، از دیگر موضوعاتی است که در بحث کودکان کار به میان می‌آید.

آماري که در سایت های داخلی ایران منتشر شده است، نشان می‌دهند که یک پنجم جمعیت ایران حاشیه‌نشین هستند و آسیب‌های اجتماعی ناشی از حاشیه‌نشینی در حال گسترش است. درصد زیادی از این محل‌ها، محل زندگی کودکان کار است.

هرچند فقر به عنوان بزرگ‌ترین علت، مرز و جغرافیا نمی‌شناسد. بسیاری از پدر و مادرها در آفریقا، به دلیل شرایط بد اقتصادی، آموزش را اولویت نخست برای کودکانشان نمی‌دانند و این کودکان گاه در شرایطی خطرناک مجبور به کار هستند؛ کاری که سلامتی، امنیت و رشد جسمی، فکری و اخلاقی آن‌ها را به خطر می‌اندازد. در آفریقای سیاه، شمار کودکان کار از همه جای دیگر جهان بیش‌تر است؛ از هر پنج کودک یکی و در مجموع ۷۲ میلیون کودک. بیش از نیمی از این کودکان، کم‌تر از ۱۱ سال سن دارند. برای این‌که بتوان به عمق فاجعه پی‌برد باید این عدد را با شمار کودکان اروپا مقایسه کرد؛ در اروپا ۸۰ میلیون کودک زندگی می‌کنند.

یونیسف از اشکال مختلف کار کودکان به خصوص در آفریقا سخن می‌گوید؛ کارهای سخت بدنی، خطرناک یا استثماري، کارهای اجباری و تن‌فروشی.

بیش‌تر کودکان کار آفریقا در بخش دامداری و کشاورزی مشغول به کار هستند.

سازمان ملل متحد متعهد شده است که تا سال ۲۰۲۵ به پدیده کار کودکان پایان دهد. اما کارشناسان از کندی روند مبارزه با کار کودکان انتقاد می‌کنند و معتقدند تنها قانون‌گذاری کافی نیست.

نینجا شاربانو از صندوق کودکان سازمان ملل، معتقد است برای مبارزه با کار کودکان و ریشه‌کن کردن این معضل با چهار رویکرد باید فعالیت کرد. او تصویب قوانینی مؤثر و کارآمد برای ممنوعیت کار کودکان و اجرای این قوانین را گام نخست می‌داند.

بهبود شرایط اقتصادی و آموزشی کل خانواده برای بی‌نیازی به کار کودکان و برخورداری از امکان تحصیل و آموزش رایگان، عرصه دیگری است که به اعتقاد این کارشناس یونیسف باید به آن توجه ویژه کرد. شاربانو از ضرورت دگراندیشی اجتماعی سخن می‌گوید به این معنی که به کار کودکان باید به عنوان یک مشکل آن‌هم مشکلی که برای رشد کودک خطرناک است نگاه کرد.

یک نهاد در آلمان با نام «نان برای جهان» و اتحادیه آموزش و دانش، درخواستی آنلاین برای پایان دادن به استثمار کودکان راه‌اندازی کرده است. آن‌ها این موضوع را که شهروندان آلمان ندانسته و ناخواسته با خرید تولیدات شرکت‌ها و کارخانه‌هایی که کودکان را استثمار می‌کنند، در این بهره‌کشی سهیم‌اند، یک «رسوایی» نامیده‌اند.

برآیند تلاش‌های جهانی برای مبارزه با کار کودکان نشان می‌دهد که علت اصلی به کار گماردن کودکان، فقر است و بی‌بهرگی از آموزش؛ دو علت اساسی که مرزی نمی‌شناسند. هرچند راه‌های مبارزه با این علت‌ها و اراده سیاسی برای ریشه‌کن کردن آن‌ها، از جغرافیایی به جغرافیای دیگر تغییر می‌کند.



تعداد کودکان کار در ایران، به شکل قاب توجهی افزایش یافته است. هرچند که آمار دقیقی در مورد کودکان کار در ایران وجود ندارد، اما شبکه یاری کودکان شمار آنان را تا ۳ میلیون نفر تخمین می‌زند و به نظر می‌رسد که در سال‌های گذشته این آمار افزایشی قابل ملاحظه داشته است.

نتایج بررسی‌های سازمان بهداشتی نشان می‌دهد ۳۳.۸ درصد از این کودکان بین یک تا چهار ساعت، ۵۲.۱ درصد از آن‌ها بین چهار تا هشت ساعت و ۱۳ درصد از آن‌ها بیش از ۸ ساعت در خیابان مشغول به کار هستند. این بررسی‌ها هم چنین حاکی از این است که حدود ۷۳ درصد از این کودکان در خیابان سابقه خشونت دارند. در ایران طی چهار دهه سال گذشته، نزدیک به ۳۰ طرح مختلف برای ساماندهی کودکان کار و خیابان انجام شده که تقریباً تمام آنان با شکست مواجه شده است.

در سال ۱۳۷۷، نخستین برنامه با عنوان «تجهیز و راه اندازی مراکز جمع‌آوری، شناسائی و هدایت متکدیان و کودکان خیابانی» با توفیق سازمان بهداشتی، شهرداری تهران، نیروی انتظامی و معاونت امور اجتماعی استانداری تهران آغاز شد که در ۶ استان کشور به اجرا درآمد. پس از آن در سال ۱۳۷۸، طرح دیگری با عنوان «مراکز شناسائی، تشخیص و جایگزینی کودکان خیابانی» توسط سازمان بهداشتی تهیه شد.

در سال ۱۳۸۱، طرحی به نام «ساماندهی ۲۰ هزار کودک خیابانی» راه اندازی شد که بر اساس آن سازمان بهداشتی و نیروی انتظامی موظف بودند در کل کشور اقدام به جمع‌آوری کودکان خیابانی کنند و پس از بررسی‌های اولیه آنان به مراکز مختلف مانند کانون اصلاح تربیت، کمیته امداد، شهرداری‌ها و .. ارجاع دهند.

پس از آن چند برنامه با عناوین «مهمانسرای کودکان خیابانی» و «حمایت از کودکان کار خیابانی» نیز به اجرا درآمد که در دومی قرار بود آموزش به کارفرمایان و جامعه برای مشارکت در برنامه ریزی برای کودکان کار مورد نظر قرار گیرد.

بالاخره در سال ۱۳۸۴ «آئین نامه ساماندهی کودکان خیابانی» با همکاری وزارت رفاه و سازمان بهداشتی تهیه شد که براساس آن رویکرد جمع‌آوری کودکان، حذف و جذب توسط مددکار اجتماعی در خیابان جایگزین آن شد. طبق این آئین نامه مراکز کودکان خیابانی به چهار سطح تقسیم بندی می‌شدند: مراکز سرپائی (ثابت و سیار) اقامت کوتاه مدت (تا ۲۱ روز)، اقامت میان مدت (حداکثر تا یک سال) و اقامت بلند مدت برای کودکان خیابانی بی سرپرست یا بدسرپرست تا پایان ۱۸ سالگی.

این آئین نامه مقرر کرده بود که ۱۱ دستگاه از جمله وزارت آموزش و پرورش، وزارت بهداشت، سازمان بیمه خدمات درمانی، سازمان تامین اجتماعی، صدا و سیما، شهرداری‌ها، کمیته امداد، وزارت کار، وزارت رفاه، وزارت

دادگستری و نیروی انتظامی، هر یک مکلف به انجام وظایفی هستند که هماهنگی آنان را کارگروه اجتماعی استان ها بر عهده خواهد داشت.

این آئین نامه که به «حمایت های اجتماعی از کودکان کار و خیابان» تغییر نام داد، با وجود رفع ایرادات قبلی، به بهانه نظرخواهی از دستگاه های ذی ربط با گذشت چهارده سال هنوز به تصویب نرسیده است.

بسیاری از کنشگران حوزه کودک معتقدند تصویب و اجرائی شدن این آئین نامه و همکاری همه دستگاه های نام برده در این آئین نامه می تواند به موضوع ساماندهی کودکان کار و خیابان کمک کند.

برخی از فعالان حقوق کودک می گویند حذف کودکان کار از خیابان بدون این که تلاشی برای تغییر مناسبات اجتماعی و اقتصادی کودکان و خانواده هایشان انجام گیرد، می تواند آنان را وارد بازارهای غیررسمی و لایه های زیرین زمین کند که به دلیل نبود نظارت، کودکان را در معرض آسیب های بیش تری قرار می دهد.

در سال های گذشته البته با وجود ادعاهای شهرداری ها و تلاش شان برای جمع آوری کودکان کار، بسیاری از کودکان در زیر مجموعه های شهرداری و شرکت های جمع آوری پسماند مشغول به کار شده اند. کودکان زباله گردی که به شکلی قانونی در سطح شهر در سطل های زباله روزشان را به شب می رسانند.

ماده ۳۲ پیمان جهانی حقوق کودک می گوید کودکان باید در برابر هر کاری که رشد و سلامتی آن ها را تهدید می کند حمایت شوند و دولت ها نیز باید حداقل سن کار و شرایط کار کودکان را مشخص کنند.



در ترکیه، کشور همسایه ایران حداقل حقوق ماهیانه چه قدر است؟

کمیسیون وزارت کار ترکیه، میزان حداقل حقوق ماهیانه کارگران برای سال آینده میلادی را ۲ هزار و ۳۲۴ لیره (معادل ۳۹۱ دلار آمریکا) تعیین کرد.

زهرا زمرد سلجوق، وزیر کار و امور اجتماعی ترکیه، با اعلام این که تورم سالیانه ۱۲ درصد پیش بینی شده است گفت با افزایش میزان حقوق ها به میزان ۱۵ درصد به قول مان وفادار ماندیم که خواهیم گذاشت کارگران ما در اثر تورم خرد شوند.

کمیسیونی که حداقل حقوق ماهیانه در ترکیه را اعلام می کند متشکل از ۱۵ نماینده متعلق به کارگران، کارفرمایان و دولت است. اتحادیه های کارگری پیش تر تقاضای حقوق ماهیانه حداقل ۲ هزار ۵۷۸ لیر (معادل ۴۳۴ دلار) داشتند.

در مقایسه با ترکیه، حداقل دستمزد کارگران در ایران در سال ۹۸ شمسی یک میلیون و ۵۱۷ هزار تومان (معادل ۱۱۴ دالر) تعیین شده است، عددی که نشان می‌دهد حداقل حقوق کارگر در ایران، یک سوم حداقل حقوق کارگر در ترکیه است.

ترکیه در سال گذشته، با بحران‌های اقتصادی رو به رو بود و در اثر تنش با امریکا، ارزش لیر این کشور به دفعات دچار سقوط در برابر دالر امریکا شد.

شکاف جنسیتی در جهان

زنان برای دریافت دستمزد برابر با مردان باید مدتی را منتظر بمانند، تقریباً تا سال ۲۲۷۷ یعنی ۲۵۷ سال دیگر. به گزارش یورو نیوز، طبق گزارش جهانی شکاف جنسیتی که توسط مجمع جهانی اقتصاد تهیه می‌شود، کشورهای ایسلند، نروژ، فنلاند، سوئد و نیکاراگوئه کم‌ترین شکاف جنسیتی را دارند.

این گزارش با در نظر گرفتن چهار معیار اقتصاد، سیاست، آموزش و بهداشت تهیه شده است. مجمع جهانی اقتصاد سال گذشته اعلام کرده بود که زنان ۲۰۲ سال دیگر به برابری دستمزد با مردان می‌رسند اما این سازمان در جدیدترین برآورد خود تحقق برابری دستمزد بین زنان و مردان را تا ۲۵۷ سال دیگر تخمین زده است.

اما در بخش توانمندسازی سیاسی در سطح جهان، شکاف جنسیتی کاهش یافته است و پیش بینی می‌شود تا ۹۵ سال دیگر این شکاف جنسیتی به طور کامل پر شود. در حوزه آموزشی این شکاف کم‌تر است به طوری که ۱۲ سال زمان برای برطرف شدن این شکاف زمان نیاز است.

در مجموع مجمع جهانی اقتصاد، پیش بینی کرده است تا ۹۹.۵ سال دیگر شکاف جنسیتی می‌تواند از بین برود. طبق این گزارش، سهم زنان در پست‌های وزارتی تنها ۲۱ درصد است و زنان تنها ۲۵ درصد کرسی‌های پارلمان را در دنیا در اختیار دارند.

ایسلند برای یازدهمین سال پیاپی به عنوان بهترین کشور در برابری جنسیتی رتبه بندی شده است. از سوی دیگر سوریه، پاکستان، عراق و یمن در این فهرست، پائین‌ترین رتبه‌ها را دارند.

امریکا نسبت به سال گذشته در حوزه برابری جنسیتی دو رتبه سقوط کرد و به رتبه ۵۳ در این فهرست رسید.

از سوی دیگر، ایران نیز جزو ۱۰ کشور انتهایی این فهرست است و در میان ۱۵۳ کشور در رتبه ۱۴۸ قرار گرفته است. ایران در بین ۱۹ کشور در خاورمیانه و شمال آفریقا رتبه شانزدهم را دارد. امارات عربی متحده نیز در بین کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا رتبه دوم را در اختیار دارد با این حال رتبه جهانی این کشور ۱۲۰ است.

در حالی ایران در آخرین گزارش شکاف جنسیتی در رتبه ۱۴۸ قرار گرفته که این کشور در نخستین ارزیابی مجمع جهانی اقتصاد در سال ۲۰۰۶ رتبه ۱۰۸ را در اختیار داشت. طبق جدیدترین گزارش این مجمع، ایران در بخش فرصت‌ها و مشارکت اقتصادی رتبه ۱۴۷ را در اختیار دارد. این کشور در حوزه آموزشی از نظر برابری جنسیتی رتبه ۱۱۸ را دارد. در حوزه بهداشت رتبه ایران ۱۳۰ و در حوزه توانمندسازی سیاسی ۱۴۵ است.

از جمله شاخص‌های توانمندسازی سیاسی، درصد زنان فعال در مجلس است که در ایران ۵.۹ درصد برآورد شده است.

فروش زنان فقیر پاکستانی

بیش از ۶۰۰ دختر و زن فقیر پاکستانی در عرض دو سال به عنوان عروس به مردان چینی فروخته شده اند. این اطلاعات را یک گروه تحقیقاتی پاکستانی گردآوری کرده و در اختیار خبرگزاری AP قرار داده است. گروه تحقیقی خبرگزاری AP، در ابتدای سال میلادی گذشته متوجه شد که اقلیت مسیحی پاکستانی هدف جدید شبکه قاچاق انسان است. این اقلیت یکی از فقیرترین اقلیت ها در پاکستان است. حلقه قاچاق متشکل از واسطه های چینی و پاکستانی و کشیشان مسیحی کلیساهای کوچک اونجلیکن است که رشوه می گیرند تا پیروان شان را مجبور کنند دختران شان بفروشند. بسیاری از این زنان و دختران محصور و مجبور به فحشا در چین می شوند. اغلب آن ها در تماس با خانه التماس می کنند که برگردند.



گروه تحقیقاتی، اسامی این ۶۲۹ زن و دختر را از اطلاعات سیستم مدیریت فراگیر مرزهای پاکستان استخراج کرده اند. این اطلاعات شامل اسامی زنان، اسامی شوهران چینی شان و زمان ازدواج بوده است. همه این زنان به جز تعداد اندکی در سال ۲۰۱۸ تا آوریل ۲۰۱۹ از کشور خارج شده اند.

هنوز معلوم نیست که بعد از گردآوری این فهرست چند زن دیگر قاچاق شده اند اما یکی مقام محلی به محققان گفته این «تجارت سودآور» هنوز ادامه دارد. به گفته او - که برای مخفی ماندن هویت اش مجبور شده صدها کیلومتر دورتر از محل اقامتش گفتگو کند- «واسطه های چینی و پاکی بین ۴ تا ۱۰ میلیون روپیه (۶۵ تا ۶۵ هزار دالر) از داماد می گیرند اما فقط حدود ۲۰۰ هزار روپیه (۱۵۰۰ دالر) به خانواده ها می دهند.»

در ماه سپتامبر ۲۰۱۹ - شهریور ۱۳۹۸، سازمان تحقیقات پاکستان گزارشی تحت عنوان «مورد ازدواج های ساختگی چینی» به عمران خان، نخست وزیر پاکستان، می دهد که در آن علیه ۵۲ نفر با ملیت چینی و ۲۰ پاکستانی اعلام جرم شده بود. بنا به این گزارش، پولیس دو دفترخانه ازدواج غیرقانونی را در شهر لاهور کشف کرده که یکی از آن ها متعلق به مرکزی مذهبی بوده است. این، اولین موردی است که نشان می دهد مسلمانان فقیر هم در دام این شبکه قاچاق افتاده اند. ملای مذهبی که درگیر پرونده بوده، فرار کرده است.

بنا به همین گزارش، در مورد دیگری یک پاکستانی دستگیر و ۲۱ مظنون چینی به دادگاه فرستاده شده اند اما همه آن ها با گذاشتن وثیقه آزاد شده و به کشورشان بازگشته اند.

فعالان حقوق بشر می گویند پاکستان به دنبال آن است که مسأله قاچاق انسان به چین را مسکوت بگذارد چرا که روی روابط اقتصادی نزدیک و رو به رشد دو کشور تاثیر بد می گذارد. چین، به خصوص در برابر هند، متحد پاکستان است و به این کشور اسلحه و وام می دهد.

همین ماه گزارشی هم از سوی دیده بان حقوق بشر منتشر شد که نشان می داد قاچاق زنان تحت لوای «عروس»، از میانمار به چین صورت گرفته است. نویسنده این گزارش، به AP گفته است: «پاکستان، کامبوج، اندونزی، لائوس، میانمار، نپال، کره شمالی، و ویتنام، همه منبع این کسب و کار بی رحمانه هستند.» (منبع: الجزیره به نقل از AP)

بیش از ۶۰ درصد دختران در افغانستان، قبل از ۱۵ سالگی ترک تحصیل می‌کنند

یک پژوهش تازه نشان می دهد که بیش از ۶۰ درصد از دختران در افغانستان قبل از پانزده سالگی، ترک تحصیل می کنند. در این تحقیق آورده شده که در اکثریت موارد، تصمیم ترک تحصیل دختران از سوی مردان خانواده گرفته می شود.



این تحقیق زیر نام «بررسی دسترسی دختران به تعلیم و تربیت؛ چالش ها و فرصت ها» از سوی نهاد تحقیقاتی حقوق زنان و کودکان انجام شده که در آن با ۱۳۷۳ دانش آموز، والدین، مسوولین آموزش و پرورش، آموزگاران، کمیسیون مستقل حقوق بشر، جامعه مدنی و مسوولین وزارت حج و اوقاف گفت و گو شده است. والدینی که در این نظرسنجی اشتراک کرده اند، گفته اند که ۶۳ درصد دختران بین سنین ۱۳ تا ۱۵ سالگی ترک تحصیل می کنند و نیز ۲۶ درصد دختران گفته اند که پس از ۱۵ سالگی، تحصیل را ادامه نمی دهند. این تحقیق در مورد دلایل ترک تحصیل نیز آورده که برای ۶۴ درصد از دختران، مردان خانواده تصمیم ترک تحصیل می گیرند در حالی که ۲۶ درصد دیگر بنابر دلایل دیگر ناگزیر به ترک تحصیل می شوند. در این نظرسنجی، هم چنین تاکید شده که ۴۸ درصد جنگ و ناامنی، ۲۱ درصد رسم و رواج سنتی جامعه و ۳۱ درصد هم فقر و جا به جایی خانواده ها زمینه ساز ترک تحصیل دختران می شود. این نظرسنجی، در حالی نشر شده که آمارها نشان می دهد ۳.۷ میلیون کودک در افغانستان از رفتن به مدرسه محروم هستند.

در این نظرسنجی، پیشنهاد شده تا بودجه بیش تری برای زمینه سازی تحصیل دختران در اختیار وزارت معارف قرار داده شود و نیز خواسته شده تا برنامه ملی برای منع ازدواج کودکان تطبیق گردد.

۲۹۵ مورد ازدواج دختران زیر ۱۵ سال در گیلان طی ۹ ماه

معاون امور هویتی ثبت احوال گیلان گفت: از مجموع ازدواج های صورت گرفته طی ۹ ماه امسال در استان؛ ۲۹۵ ازدواج برای دختران زیر ۱۵ سال و ۲۹۹ ازدواج برای پسران زیر ۱۹ سال ثبت شده است. آسیب های جسمی و

روانی ناشی از کودک همسری ضربات جبران ناپذیری را بر روی زندگی دختران به ویژه بارداری های زیر ۱۸ سال، مرگ و میر مادران، افسردگی، و بعضا اقدام به خودکشی در کنار آسیب هائی مانند طلاق بازماندن از تحصیل و پایداری چرخه فقر فرهنگی و اقتصادی است.

به گزارش خبرگزاری ایرنا، حسین هاشم زاده روز شنبه در جلسه کارگروه ستاد ساماندهی جوانان در رشت، اظهار داشت: طی ۹ ماه گذشته ۱۳ هزار و ۱۶۳ مورد ازدواج در استان ثبت شده که از مجموع ازدواج های صورت گرفته؛ ۲۹۵ دختر زیر ۱۵ سال و ۲۹۹ پسر زیر ۱۹ سال بوده اند.

وی هم چنین به آمار طلاق در استان نیز اشاره و بیان کرد: طی ۹ ماه گذشته پنج هزار و ۲۷۳ مورد طلاق در استان ثبت شده که میزان عمومی طلاق در استان ۲.۷ در هزار و در کشور ۲.۲ در هزار می باشد.

هاشم زاده، با بیان این که از مجموع طلاق ها سه درصد مربوط به زندگی مشترک کم تر از یک سال می باشد، خاطرنشان کرد: ۱۱ فقره مربوط به سنین ۱۰-۱۴ سال برای دختران و چهار درصد طلاق ها برای زنان بین ۱۵ تا ۱۹ سال بوده است.

آمار بالای ازدواج کودکانی که پیش از رسیدن به بلوغ فکری و ذهنی ازدواج می کنند از گستردگی این پدیده در ایران حکایت دارد. سن ازدواج در ایران بر مبنای «بلوغ جنسی» تعیین شده در حالی که به گفته کارشناسان، بلوغ جنسی تنها بخشی از ابعاد بلوغ کامل انسان است. رشد، آگاهی، آموزش و آزادی در انتخاب، اساسی ترین و انسانی ترین شروط برای تشکیل خانواده است.

بر اساس آمار منتشر شده بالغ بر ۹۵ هزار مورد طلاق زنان زیر ۱۹ سال در فاصله سال های ۹۰ تا ۹۴ ثبت شده که حدود ۵ هزار و ۷۶۰ مورد از این طلاق ها مربوط به ازدواج هائی است که سن زوجین کمتر از ۱۵ سال است. گفتنی است ازدواج کودکان یا کودک همسری در ایران در سال های اخیر رو به افزایش است. فعالان حقوق کودک می گویند این پدیده در آینده بر سلامت خانواده های ایرانی تاثیر منفی خواهد گذاشت.

جنبش موسوم به «من هم»

چگونگی رابطه زنان و مردان نیز در دهه ۲۰۱۰ موضوع مهمی شد. جنبش موسوم به «من هم» که هم زمان با علنی شدن اتهامات متعدد علیه هاروی واینستین، یکی از قدرتمندترین تهیه کنندگان هالیوود، پدید آمد، به زنان نیرو بخشید تا مردانی که آن ها را آزار جنسی داده اند افشا کنند و در نتیجه تعدادی از مردان قدرتمند سقوط کردند. موضوع هویت جنسیتی نیز در این دهه به شکل جدی تری مطرح و از زن و یا مرد بودن تعاریف جدیدی ارائه شد. در سال ۲۰۱۹، ضمیر شخصی «آن ها» (They) که بسیاری از افرادی که نمی خواهند در تقسیم بندی دوگانه زن یا مرد گنجانده شوند کاربرد آن را ترجیح می دهند، از سوی فرهنگ لغات مریام وبستر به عنوان کلمه سال انتخاب شد.

رقص اعتراضی «تو متجاوز هستی» به پارلمان ترکیه رسید

رقص اعتراضی گروه «لاس تزیس» چیلی به نام «تو متجاوز هستی» که نمایشی هنری و اعتراضی به خشونت علیه زنان است چند هفته ای است که توسط برخی گروه ها در شهرهای بزرگ ترکیه مانند استانبول و آنکارا اجرا می شود. این اجراها یا با برخورد پولیس این کشور با معترضان همراه بوده و یا به بازداشت برخی از آن ها منجر شده است.



به همین منظور، جمعی از نمایندگان حزب جمهوری خواه خلق ترکیه روز شنبه دهم دسامبر تصمیم گرفتند این رقص را در داخل پارلمان این کشور و در مقابل سلیمان سویلو، وزیر کشور اجرا کنند.

یکی از نمایندگان پیش از شروع این رقص اعتراضی، خطاب به وزیر کشور گفت: «وزیر محترم کشور، برای آگاهی بخشی در مورد خشونت علیه زنان جنبش توام با رقصی به نام «لاس تزیس» از چیلی آغاز شده، به لطف شما ترکیه تنها کشوری است که برای اجرای این رقص انتقادی باید مصونیت داشته باشیم، به عنوان نماینده پارلمان در ترکیه و به نمایندگی از زنان کشورمان که در معرض قتل و خشونت قرار دارند، برای شما حرف هائی داریم.»

این گروه از زنان پس از آن به اجرای متن آهنگ این رقص اعتراضی پرداختند. در متن ترانه ای که به هنگام اجرای این کار هنری خوانده می شود، برخی زنان عضو پارلمان ترکیه با یکدیگر می خواندند: «جرم ما تنها زن بودن است، تنبیه ما خشونت هائی است که روزانه علیه ما روا داشته می شود... تقصیر من نیست، نه تقصیر من نیست که کجا بودم و چه لباسی بر تن داشتم، متجاوزان شما هستید، متجاوز شمائید: پولیس، قاضیان، دولت، رئیس جمهور، دولت سرکوبگر همان مرد متجاوز است.»

آن ها در پایان نیز این متن را یک صدا مقابل وزیر کشور ترکیه خواندند: «مقاومت زنان همه جای جهان به چشم می خورد، شما در این مسیر تنها نیستید.»

مردان نماینده عضو حزب جمهوری خواه خلق ترکیه نیز در کنار زنان این حزب تصاویری از زنان در معرض خشونت قرار گرفته را به سمت عکاسان و خبرنگاران بالا برده بودند.

گروه فمینیستی «لاس تزیس» نخستین بار این رقص اعتراضی را در چیلی اجرا کرد.

اوایل دسامبر سال ۲۰۱۹، هزاران زن در برابر استادیوم ملی سانتیاگو، پایتخت چیلی جمع شدند و پرفورمنس رقص «تو متجاوز هستی» را اجرا کردند.

اجرای این رقص اکنون به نمادی برای افشای خشونت علیه زنان در جهان بدل شده است.

اعتراض های عراق: زنانی که روی دیوارهای بغداد به تصویر کشیده شدند

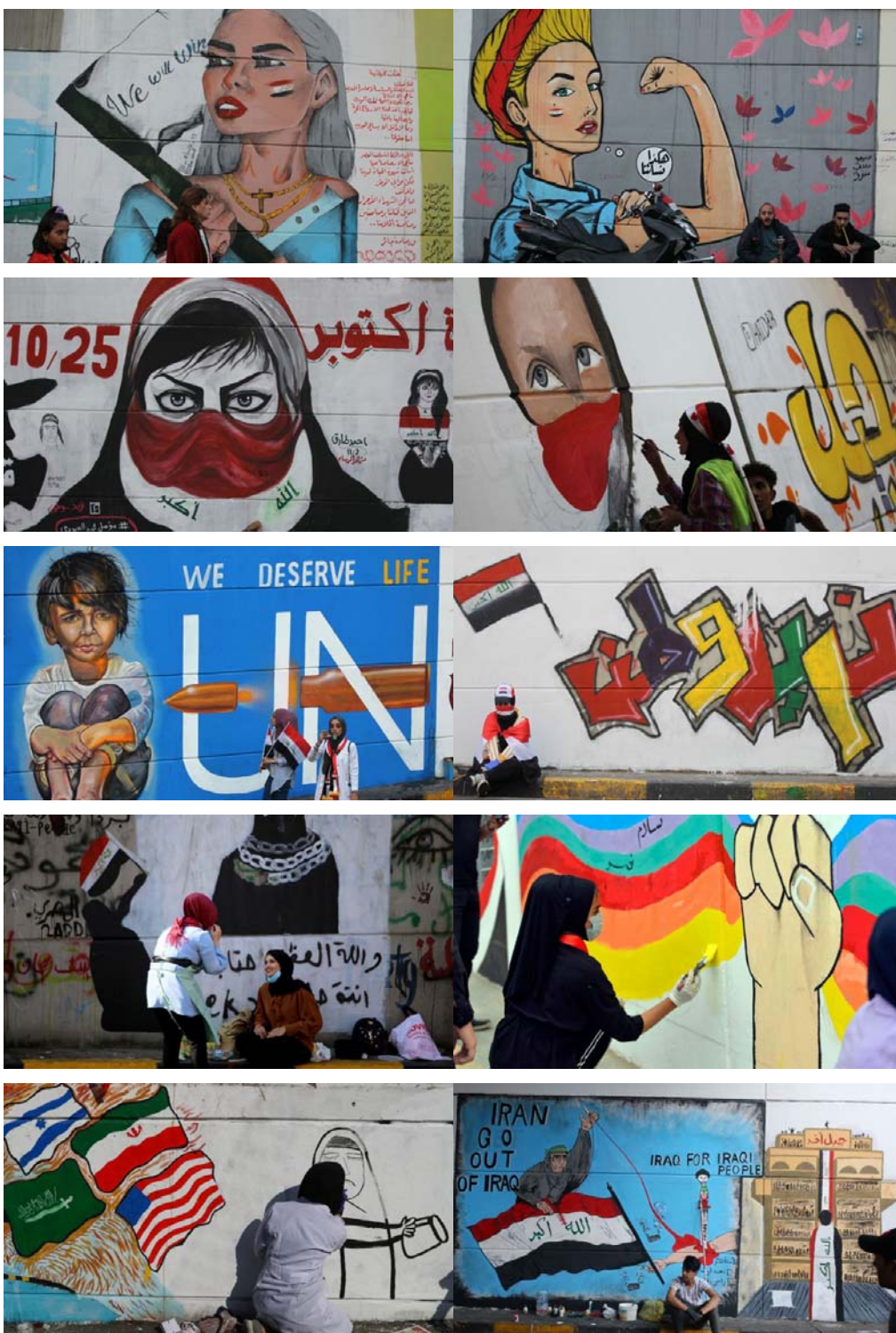
از مهر ماه امسال موجی از تظاهرات ضد دولتی عراق را فرا گرفته است. در این تظاهرات، قشرهای مختلف عراقی ها حضور دارند و در کشوری که به طور سنتی مردسالارانه است، زنان در این اعتراض ها، نقش مهم و کلیدی داشته اند.

نقش برجسته زنان عراقی در این تظاهرات، روی دیوارهای بغداد، پایتخت به تصویر کشیده شده است.

میدان تحریر بغداد، کانون اعتراضات ضد دولتی، به مرکز مقاومت خلاقانه تبدیل شده است.

نقاشی های دیواری زیر عمدتاً توسط خود زنان تهیه شده اند و به نقش فعال و فزاینده آن ها در شکل دادن به آینده شان می پردازند.

این نقاشی های دیواری، ادای احترامی به قدرت و توان و روحیه زنان عراقی است.





زنان با مخالفت والدین و شوهران شان، باز فعالانه در تظاهرات ها شرکت کردند. شماری از زنان نیز به طور مخفیانه در این تظاهرات حضور داشتند. تاکنون زنان عراق تاکنون از سوی جنبش های سیاسی نادیده گرفته می شدند.

عراق

۹۱ روز از آغاز موج جدید اعتراضات سراسری در عراق گذشته و مردم این کشور بدون وقفه هم چنان در خیابان ها و میدانی شهرهای مختلف حضور دارند و برای تحقق مطالبات خود مبارزه می کنند. اعتراض های خیابانی ضد دولتی در عراق در سال های اخیر، بارها تجربه و تکرار شده است. با این همه اعتراض های اخیر در این کشور، خونین ترین شورش است که از سقوط حکومت بعث در سال ۲۰۰۳ میلادی دیده شده است.

بزرگ ترین تجمع اعتراضی ماه اکتبر در میدان تحریر بغداد، پایتخت، شکل گرفت. با هجوم جمعیت به سوی پلی که به منطقه محافظت شده موسوم به «سبز» منتهی می شود، نیروهای امنیتی دست به سلاح گرم برده و به روی تظاهر کنندگان آتش گشودند. این اقدام سبب افزایش خشم در جامعه عراق شد و اعتراض ها از بغداد فراتر رفته و استان های مرکزی و جنوبی را هم در بر گرفت.



معترضین وارد یکی از کاخ های دولتی عراق شدند که این کارگر، روی صندلی دسته طلانی کاخ عکس یادگاری گرفته است!

عبدالمهدی، نخست وزیر عراق، پس از نخستین موج اعتراض ها در روز نهم اکتبر و عده داد که به ترمیم کابینه اقدام کند و طرحی برای کاهش نرخ بیکاری تهیه شود. با این حال معترضان باری دیگر در ۲۴ اکتبر به خیابان ها آمدند. این روز یک روز پیش از اولین سالگرد دولت عبدالمهدی بود.

بیش تر معترضان کم تر از ۳۰ سال سن دارند و معرف سطوح متفاوت جامعه عراق هستند. این تظاهر کنندگان جوان در میان احزاب و تشکل های سیاسی نماینده ای برای بیان مطالبات خود نمی بینند. آنان به روشنی خواهان تغییراتی بنیادین در نظامی هستند که پس از سقوط حکومت صدام حسین تشکیل شد. در نگاه جوانان عراقی، با وجود منابع قابل توجه نفت، دولت هم چنان در حفظ «استانداردهای زندگی شهروندان» ناکام است.

حاکمیت عراق، بر مبنای هویت ملی و فرقه ای، احزاب سیاسی را در قدرت سهیم کرده است. این حاکمیت، همواره مشوق «فساد» بوده است.

نفوذ و دخالت حکومت اسلامی ایران در مسائل داخلی عراق از سال ۲۰۰۳ به صورت تدریجی افزایش یافته است. حکومت اسلامی ایران، روابطی بسیار نزدیک با سیاست مداران شیعه این کشور دارد و این افراد که در قدرت سهم دارند از پشتیبانی شبه نظامیان حشد الشعبی و غیره برخوردارند.



تاکنون دویار جمعی از معترضان به کنسولگری ایران در نجف یورش برده و آن را به آتش کشیده اند. قاسم سلمیانی، فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران از چهره های شناخته شده برای مردم عراق است. او با اوج گرفتن اعتراض ها به عراق سفر کرد و در دیداری با مقامات امنیتی گفته بود: «ما در ایران می دانیم چگونه با اعتراض ها رو به رو شویم.»

دلیل کشته شدن صدها معترض و هزاران زخمی، افراد عمدتاً اصابت گلوله بوده است. با افزایش فشارها، عبدالمهدی از مقام نخست وزیری کناره گیری کرد. او درباره این استعفا گفت که به منظور جلوگیری از وخیم شدن شرایط «لازم بود» که از قدرت کناره گیری کند.

عراق در دو ماه گذشته شاهد اعتراض های گسترده و خونینی بوده که هم چنان ادامه دارد و در جریان آن بیش از چهارصد نفر کشته و هفده هزار نفر زخمی شده اند.

در شهرهای جنوب عراق صدها نفر از مخالفان حکومت تظاهرات کردند و در مسیر خود مقر برخی از احزاب شیعه را به آتش کشیدند. آخرین و مهم ترین موج اعتراضات در شهرهای بغداد، بصره و کربلا روی داد.

بنا به گزارش خبرگزاری فرانسه، در برخی از شهرها مقر احزاب شیعه مانند «عصائب اهل الحق»، لشکر بدر، حزب الفضیله و حزب الدعوه به آتش کشیده شدند. برخی از این گروه های سیاسی، تحت حمایت حکومت اسلامی ایران

هستند. در شهر دیوانیه معترضان از جان سپردن یک فعال سیاسی به نام «ثائر طیب» خشمگین بودند. این فعال مدنی که اهل دیوانیه بود، ده روز پیش به ضرب گلوله زخمی شده بود و روز سه شنبه ۲۳ دسامبر، در بیمارستان جان سپرد. برهم صالح، رئیس جمهوری عراق روز پنج شنبه ۲۶ دسامبر، ضمن خودداری از معرفی گزینه مورد حمایت «ائتلاف بناء» به عنوان نامزد نخست وزیری تهدید کرد که از سمت خود کناره گیری خواهد کرد. به گزارش یورونیوز، رئیس جمهوری عراق تاکید کرد که ترجیح می دهد به جای معرفی گزینه ای برای نخست وزیری که مورد پذیرش تظاهر کنندگان قرار ندارد از سمتش استعفاء دهد.

رهبری ائتلاف بناء در پارلمان عراق، برعهده «هادی عامری»، رئیس سازمان بدر است. این ائتلاف که از دو گروه «فتح» و «دولت قانون» تشکیل شده اسعد عیدانی، استاندار بصره را به عنوان گزینه خود برای نخست وزیری معرفی کرده است.

با این حال، برهم صالح روز پنج شنبه تاکید کرد که معرفی اسعد عیدانی به عنوان نامزد نخست وزیری با مخالفت معترضان رو به رو خواهد شد. او با این حال اعلام کرد که با توجه به این که طبق قانون اساسی عراق اختیار مخالفت با گزینه معرفی شده برای احراز سمت نخست وزیری را ندارد آماده است تا از سمت خود کناره گیری کند.

شرکت کنندگان در تظاهرات اعتراض آمیز عراق که از روز اول اکتبر - ۹ مهر، آغاز شده است خواستار معرفی فردی بدون وابستگی حزبی به عنوان نخست وزیر شده اند.

کناره گیری احتمالی «برهم صالح» از مقام ریاست جمهوری بر پیچیدگی بحران سیاسی کنونی در عراق خواهد افزود. نمایندگان پارلمان عراق در صورت استعفای رئیس جمهوری در ابتدا باید به دنبال انتخاب فردی به عنوان جانشین او باشند تا سپس آن فرد نامزد نخست وزیری را معرفی کند.

بنا به قانون اساسی عراق محمد حلبوسی، رئیس مجلس این کشور در صورت استعفای برهم صالح به صورت موقت جانشین رئیس جمهور می شود.

عادل عبدالمهدی روز ۲۹ نوامبر - هشتم آذر، پس از چند هفته تظاهرات مخالفان از سمت نخست وزیری استعفاء داد. او با این حال تا زمان انتخاب نخست وزیر جدید به عنوان سرپرست نخست وزیری اداره امور را در دست دارد. پارلمان عراق روز سه شنبه به اصلاح قانون انتخابات این کشور که یکی از خواسته های معترضان بود رای موافق داد.

تظاهرات اعتراض آمیز در عراق تاکنون ۴۶۰ کشته و ۲۵ هزار مجروح بر جای گذاشته است.

برهم صالح، رئیس جمهوری عراق، استعفاء داد

برهم صالح، رئیس جمهوری عراق، در اعتراض به معرفی اسعد العیدانی به عنوان نامزد مقام نخست وزیری این کشور از سوی مهم ترین ائتلاف پارلمان، استعفای خود را به پارلمان ارائه کرد.

پیش تر، برهم صالح تهدید کرده بود که در پی معرفی اسعد العیدانی استاندار بصره از سوی ائتلاف «الینا» که بزرگ ترین ائتلاف پارلمان عراق به شمار می رود، از مقامش کناره گیری می کند اما این ائتلاف هم چنان بر نخست وزیری العیدانی تاکید دارد. رئیس جمهوری عراق، با اعلام استعفایش از پارلمان خواسته تا در این باره تصمیم گیری کند.

در استعفانامه برهم صالح آمده است: «با توجه به تأکیدی که بر جلوگیری از کشتارها دارم، نمی توانم العیدانی را به عنوان نخست وزیر اعلام کنم و ترجیح می دهم استعفا دهم، تا این که کاندیدائی را تأیید کنم که معترضان با او

مخالف هستند. اعتراضات در عراق بر ما لازم می‌دارد پیش از در نظر گرفتن مسائل شخصی و سیاسی، منافع عالی ملی را در نظر بگیریم.»

او افزوده است: «منافع کشور در این است که اوضاع را آرام کرده و به خواسته مردم عمل کنیم. با توجه به این که مطابق قانون نمی‌توانم با کاندیدای نخست وزیری مخالفت کنم ترجیح می‌دهم با این استعفا تاکید کنم اقدام سیاسی و پارلمانی در عراق باید برگرفته از خواست مردم باشد.»

پیش‌تر گفته شده بود که قصبی السهیل، وزیر مستعفی آموزش عالی که از پشتیبانی احزاب و گروه‌های طرفدار ایران برخوردار است، بیش‌ترین بخت را برای صدارت دارد.

برای نخستین بار از آغاز اعتراضات در عراق، تاسیسات نفتی ناصریه تعطیل شد

برای نخستین بار از هنگام آغاز تظاهرات و اعتراضات در عراق در سه ماه اخیر، یکی از تاسیسات نفتی این کشور تعطیل شد. تظاهرکنندگان عراقی، به گفته منابع محلی و کارکنان شرکت نفت در ناصریه، با قطع برق و تجمع و بست نشینی، پالایشگاه این شهر را تعطیل کرده و تولید را در این میدان نفتی متوقف ساختند.

سخنگوی وزارت نفت عراق، عاصم جهاد، با تأیید این خبر اعلام کرد که این میدان نفتی پیش از این روزانه ۸۰ هزار بشکه نفت تولید می‌کرد که این کمبود اینک با افزایش تولید در میدان بصره جبران خواهد شد.

جوانان معترض عراقی که از سه ماه پیش خواستار مبارزه با فساد و کنارگیری مسئولان ناکارآمد و انجام اصلاحات اساسی و به ویژه کارآفرینی در این کشورند، روز شنبه ۷ دی - ۲۸ دسامبر با بست نشینی در تاسیسات نفتی ناصریه خواستار اشتغال در این واحد شدند.

معترضان با شعار وقتی «کشور وجود ندارد، نفتی نیست»، پس از ورود به این مجتمع نفتی، کارکنان را به قطع برق این پالایشگاه واداشتند.

هر چند از هنگام آغاز اعتراضات تا کنون بارها راه رفت و آمد به تاسیسات نفتی موقتا بسته و یا مختل گردیده بود، اما این نخستین بار است که فعالیت یک میدان نفتی بکلی متوقف می‌شود و بنابراین هشدار تازه و کارائی به مسئولان کشور تلقی می‌شود، زیرا ۹۰ درصد درآمد دولتی عراق از محل تولید و فروش نفت تامین می‌گردد.

هر چند واحدهای فنی و تولیدی نفت عراق تا کنون همواره به کار خود ادامه داده بودند، اما ادارات نفتی در جنوب، بگزارش وزارت نفت این کشور، از حدود ۵۰ روز پیش تعطیل است.



ادارات دولتی دیگر و مدارس نیز در شهرهای جنوبی کشور از هنگام اوج گرفتن تظاهرات دچار تعطیلی شده است. معترضان در شهر دیوانیه، امروز یکشنبه ۲۹ دسامبر - ۸ دی ماه، برای فشار بر مسؤولان «اعتصاب عمومی» اعلام کردند.

تظاهر کنندگان عراقی، با تجمعات خود در شهرهای نجف، الکوت، الحله و العماره رفت و آمد و فعالیت در این شهرها را نیز دچار اختلال کردند.

نیروهای امریکائی مواضع کتائب حزب الله عراق را بمباران کردند

وزارت دفاع ایالات متحده روز یکشنبه ۸ دی با انتشار بیانیه ای اعلام کرد که امریکا در واکنش به حملات اخیر به نیروهای ائتلاف، پنج موضع گروه «کتائب حزب الله» در عراق و سوریه را هدف حملات پدافندی قرار داده است. در این بیانیه به نقل از جاناتان هافمن، معاون وزیر دفاع امریکا، آمده است: «امریکا در واکنش به حملات مکرر گروه کتائب حزب الله به پایگاه های عراقی محل استقرار نیروهای ائتلاف عزم راسخ، پنج موضع کتائب حزب الله در عراق و سوریه را هدف حملات دقیق پدافندی قرار داد.» در این بیانیه به حمله اخیر کتائب حزب الله به یک پایگاه عراق در نزدیکی کرکوک که به کشته شدن یک شهروند ایالات متحده و زخمی شدن چهار تن از نظامیان امریکائی منجر شد، اشاره شده است.

نیوزویک نیز گزارش داد: «مقامات اطلاعاتی ایالات متحده بر این باورند که شبهنظامیان مورد حمایت ایران مسؤول (این حملات) هستند.»

یک مقام ارشد پنتاگون که نخواست نامش فاش شود، گفت که کمی پس از این حمله یک دستگاه سامانه موشک انداز چندتائی کاتیوشا، که در نزدیکی پایگاه مذکور رها شده بود، کشف شد. بنا بر یک ارزیابی اولیه در حدود ۱۱ تا ۱۴ فروند موشک به این پایگاه اصابت کرده اند. به گزارش نیوزویک، یکی از این موشک ها با برخورد به یک انبار، مهماتی که در آن جا ذخیره شد بود را منفجر کرد.

این مقام رسمی امریکائی به فاکس نیوز گفت که در حدود ۳۰ فروند موشک به سوی این پایگاه، که مورد استفاده نیروهای امریکا و عراق است، پرتاب شد.

جیسون برادسکی، مدیر سیاست گذاری گروه اتحاد علیه ایران هسته ای، در توئیتر درباره گزارش هائی مبنی بر این که مقامات اطلاعاتی ایالات متحده بر این باورند که شبه نظامیان مورد حمایت ایران در پس حمله مرگ بار روز جمعه به نیروهای امریکائی در کرکوک بوده، اظهار نظر کرده است. برادسکی نوشته است: «اگر این حقیقت داشته باشد، یک واکنش قاطع ایالات متحده - و نه فقط تحریم - امری بسیار ضروری است.»



ابو مهدی مهندس، از فرماندهان ارشد کتائب حزب الله و حشد شعبی عراق در کنار قاسم سلیمانی، فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران

از مجموع پنج موضع کتائب حزب الله که هدف قرار گرفته اند سه موضع در عراق و دو موضع نیز در سوریه بوده اند.

پس از آن که امریکا در واکنش به حملات اخیر به نیروهای ائتلاف، ۵ موضع کتائب حزب الله در عراق و سوریه را هدف حملات پدافندی قرار داد، گزارش ها حاکی از کشته شدن دست کم ۲۵ شبه نظامی در پی این حملات است. به گزارش رویترز، منابع امنیتی و شبه نظامی عراق گزارش دادند که در پی حملات هوایی ایالات متحده در عراق، دست کم ۲۵ جنگ جوی شبه نظامی کشته و ۵۵ نفر زخمی شدند.

پیش تر مایک پمپئو وزیر خارجه ایالات متحده در نخستین واکنش بعد از حمله امریکا به پنج موضع گروه مورد حمایت حکومت اسلامی، گفته بود که امریکا، اقدامات حکومت اسلامی در به خطر انداختن جان امریکائی ها را بر نمی تابد. مایک پمپئو، وزیر خارجه امریکا، که به اقامتگاه ترمپ در باشگاه مارا لاگو در پالم بیچ ایالت فلوریدا سفر کرده به همراه مارک اسپر وزیر دفاع و مارک میلی رئیس ستاد مشترک نیروهای مسلح ایالات متحده، با رئیس جمهوری امریکا جلسه ای برگزار کرد.

پمپئو بعد از این نشست، در جلسه کوتاهی به خبرنگاران گفت: «ما اقداماتی که حکومت اسلامی ایران انجام می دهد و جان مردان و زنان امریکائی را به خطر می اندازد، بر نمی تائیم»

مارک اسپر، وزیر دفاع، نیز گفت که وزارت دفاع «با استفاده از هواپیماهای اف-۱۵ استرایک ایگل اقدامات تهاجمی را برای دفاع از پرسنل و منافع مان در عراق انجام داد. و پنج موضع مرتبط با کتائب حزب الله، که یک گروه شبه نظامی شیعه مورد حمایت حکومت اسلامی ایران است، را هدف قرار داد. اقدام مورد حمله ما عبارت بودند از سه هدف در غرب عراق و دو هدف در شرق سوریه. این مواضع یا مراکز فرماندهی و کنترل، و یا انبارهای اسلحه کتائب حزب الله بودند.»

او در ادامه گفت: «این حملات موفقیت آمیز بودند. خلبانان و هواپیماها به سلامت به پایگاه هاشان بازگشتند. این را هم باید اضافه کنم که ما در ادامه گفت و گویمان با پرزیدنت گزینه های موجود دیگر را نیز به او ارائه دادیم. ما هم چنین هرگونه اقدام ضروری دیگر را نیز انجام می دهیم تا اطمینان یابیم از خودمان دفاع کرده و جلوی رفتارهای شریرانه بیش تر گروه های شبه نظامی یا ایران را می گیریم.»

گروه کتائب حزب الله روابط تنگاتنگی با نیروی قدس ایران دارد و بارها کمک های تسلیحاتی مرگبار و پشتیبانی های دیگری از ایران دریافت کرده و از آن برای حمله به نیروهای ائتلاف عزم راسخ استفاده کرده است.

به گزارش خبرگزاری رسمی عراق، عادل عبدالمهدی نخست وزیر عراق، نیم ساعت قبل از حملات با تلفن مارک اسپر وزیر دفاع عراق از این موضوع مطلع شده و «مخالفت شدید» خود را با این عملیات «یک طرفه» به اسپر منتقل کرده چون باعث «نقض حاکمیت ملی عراق» و افزایش تنش و بی ثباتی در منطقه می شود.

امریکا ده سال پیش برای اولین بار کتائب حزب الله عراق و ابو مهدی مهندس از فرماندهان ارشد آن را تحریم کرده بود.

طبق بیانیه پنتاگون، مارک اسپر وزیر دفاع امریکا و عبدالهادی مهدی نخست وزیر عراق هر دو متعهد هستند که حملات حزب الله عراق به نیروهای امنیتی عراق و نیروهای ائتلاف را «یک بار برای همیشه» خاتمه دهند:

«ایران و حزب الله که تحت پوشش آن است، باید حمله به نیروهای امریکا و ائتلاف را پایان دهند و حاکمیت ارضی عراق را محترم بشمارند تا از اقدامات دفاعی بیش تر امریکا جلوگیری کنند.»

منابع عراقی می گویند ابوعلی الخزعلی فرمانده تیپ ۴۵ الحشد الشعبی در این حملات کشته شد.

ارتش عراق اعلام کرد: جنازه سه نفر از شبه نظامیان از جمله یکی از فرماندهان محلی به بیمارستانی در شهر قائم فرستاده شده است. برخی منابع عراقی گزارش داده اند که در این حمله ابوعلی الخزعلی فرمانده تیپ ۴۵ الحشد الشعبی کشته شده است. این خبر اما هنوز رسماً تأیید نشده. این نخستین بار است که ایالات متحده امریکا رسماً مسؤلیت حمله به پایگاه های الحشد الشعبی را بر عهده می گیرد.

از روز ۲۸ اکتبر ۲۰۱۹، آن دسته از پایگاه های نظامی عراق که محل استقرار نیروها یا دیپلمات های امریکائی است حداقل ۱۱ بار هدف حمله قرار گرفته است.

اما خبرنگار «العربیه» در عراق بامداد دوشنبه ۳۰ دسامبر ۲۰۱۹ از افزایش آمار کشته شدگان حملات هوائی امریکا به پایگاه های حزب الله عراق مورد حمایت ایران خبر داد و گفت ۴۱ جنگجوی ایرانی و ۲۵ تن از افراد «حشد الشعبی» مورد حمایت ایران در این حملات کشته شدند.

تلاش برای اشغال سفارت امریکا در بغداد

معتزضین عراقی که پرچم های حشد الشعبی و حزب الله عراق را در دست داشتند روز امروز سه شنبه سی و یکم دسامبر ۲۰۱۹، به دروازه اصلی سفارت امریکا در بغداد حمله برده، ضمن محکوم کردن حملات هوائی امریکا که روز یکشنبه پایگاه های متعلق به «گردان های حزب الله عراق» وابسته به حکومت اسلامی ایران را هدف قرار داد، پرچم های امریکا را آتش زده و دوربین های مدار بسته امنیتی را تخریب کردند.

در همین حال خبرنگار العربیه و الحدث از آتش زدن یکی از درهای ورودی سفارت امریکا خبر داد.

ویدئویی که از تجمع در برابر سفارت امریکا ضبط شده، قیس الخزعلی رئیس شبه نظامیان عصابی اهل الحق و هادی العامری رئیس البدر را که هر دو وابسته به حکومت اسلامی ایران هستند، نشان می دهد در حمله به سفارت امریکا را رهبری می کنند.

پس از آن، دیگر عناصر وابسته به حکومت اسلامی ایران، از جمله ابومهدی المهندس از فرماندهان بسیج مردمی موسوم بحشد الشعبی و حمید الجزائری رهبر شبه نظامیان الخراسانی، نیز به تجمع برای حمله به سفارت امریکا در بغداد که در منطقه سبز قرار دارد پیوستند.

کانال تلگرامی عراقی «العهد»، عکسی از «فالح الفیاض» رئیس بسیج مردمی موسوم به حشد الشعبی منتشر کرد که او را در میان تظاهر کنندگانی نشان می دهد که به گفته این کانال برای محکومیت «تجاوز امریکا» تجمع کرده اند.



خبرگزاری فرانسه نیز گزارش داده است که معترضان توانسته اند با عبور از موانع امنیتی و منطقه فوق امنیتی اطراف سفارت عبور کرده و خود را به ساختمان سفارت امریکا برسانند. به گفته خبرنگاران حاضر در محل، معترضان تلاش می کنند وارد ساختمان سفارت شوند.

فرانس پرس در گزارش خود آورده است که نیروهای امریکائی مستقر در درون سفارت برای جلوگیری از ورود معترضان و متفرق کردن آن ها اقدام به شلیک گلوله های گاز اشک آور و پرتاب نارنجک های صوتی کرده اند. به گزارش خبرگزاری آسوشیتدپرس، معترضان شعار «مرگ بر امریکا» سر می دهند و تلاش می کنند وارد ساختمان سفارت شوند.

آن ها هم چنین پرچم کتائب حزب الله را در دست دارند. گفته می شود تظاهرکنندگان دوربین های سفارت را شکسته اند.

تمام نیروهای امنیتی سفارت به داخل ساختمان منتقل شده اند. با این وجود نیروهای عراقی در مقابل درب سفارت حضور یافته اند و تلاش می کنند مانع ورود معترضان به داخل ساختمان شوند.

تخلیه سفارت امریکا در بغداد

به گزارش رسانه های محلی سفیر امریکا و کارکنان سفارت این کشور محل کار خود را ترک کرده اند. این در حالی ست که پیش از این برخی منابع امنیتی اعلام کرده بودند که حدود هشتاد تن از کارکنان سفارت امریکا پس از حملات هوایی به پایگاه های حشد شعبی از ساختمان سفارت در بغداد تخلیه شده و به کنسولگری امریکا در شهر اربیل منتقل شده بودند.

ایران

اعتراضاتی که در پی افزایش سه برابری قیمت بنزین در روز ۲۴ آبان ماه در سراسر ایران آغاز شد، به سرعت رنگی سیاسی به خود گرفت و کلیت حکومت اسلامی را هدف قرار داد. نیروهای امنیتی و انتظامی حکومت اسلامی ایران، اما در سایه قطع اینترنت و غیاب مطبوعات آزاد، با شدت اعتراضات را سرکوب کردند.

نقش زنان در اعتراض های آبان ماه، بسیار چشم گیر و برجسته بود. چنان که خبرگزاری ایرنا، وابسته به دولت نوشت: «خودنمایی حضور برخی زنان به عنوان لیدر اغتشاشات در جریانات اخیر، نشان می دهد برخی از این افراد با همراهی ضدانقلاب به قصد آشوب وارد کشور شده اند.»

اما این زنان جسور و مساوات طلب ایرانی بودند که به خیابان ها آمدند و سران و مقامات حکومت اسلامی را هرچه بیش تر به وحشت انداختند.

این خبرگزاری در بخش دیگر گزارش خود، نوشته است: «در برخی تصاویر منتشر شده از اغتشاشات چهره زنانی دیده می شود که مردم را به آشوب دعوت می کنند و سعی در تحریک همگانی دارند.»

خبرگزاری فارس، که به نهادهای امنیتی و نظامی حکومت اسلامی نزدیک است، چهارشنبه ۲۹ آبان در گزارشی از اعتراضات نوشت: «میان داری و میدان داری ویژه زنان در اغتشاشات اخیر، چشم گیر به نظر می رسد. در نقاط متعدد به ویژه حومه تهران، زنان ظاهرا ۳۰ تا ۳۵ سال، نقش ویژه ای در لیدری اغتشاشات به عهده دارند.»

این خبرگزاری با اشاره به گزارش روزنامه «صبح نو» نوشت: «این زنان متحدالپوشش، هریک وظیفه ای جداگانه دارند؛ یکی از شورش ها فیلم می گیرد، دیگری جلوی خودروها را می گیرد و دیگری با تحریک مردم، آن ها را

به پیوستن به صف اغتشاش ها مجاب می کند. این که چرا در اغتشاشات اخیر، زنان به مهره میدان دار تبدیل شده اند، خود جای سؤال دارد.»

شامگاه چهارشنبه ۲۹ آبان در بخش خبری ۲۰:۳۰ سیمای جمهوری اسلامی ایران اعترافات یکی از بازداشت شدگان پخش شد. در این برنامه ادعا گردید که رهبری اعتراضات را زنان به عهده داشتند و بیگانگان هم از آنان حمایت مالی می کردند.

زنی که در این فیلم به عنوان «فاطمه داوند» معرفی می شود با لهجه کردی «اعتراف» می کند که سال ۷۳ از منزل فرار کرده، به سلیمانیه عراق رفته و سپس به «تشکیلات ضد انقلاب» پیوسته و بعد هم برای هدایت اعتراضات به ایران منتقل شده است.

در این فیلم ادعا می شود که فاطمه داوند هنگام فرار از مرزهای غربی کشور دستگیر شده است. فیلم اعترافات، بر این سناریو متمرکز است که زنان از نظر عاطفی نقش مهمی در هدایت اعتراضات مردم خشمگین از بی عدالتی اجتماعی به عهده داشتند و بیگانگان هم برای هدایت اعتراضات در جهت تخریب اموال عمومی با سرمایه گذاری هائی از این زنان استفاده کردند.

اما رویکرد سازندگان این فیلم، نه تمرکز بر قدرت زنان در سازمان دهی اعتراضات، بلکه تصویر کردن زنانی ست که به عنوان ابزار استفاده می شوند و خودشان عقل ندارند و به درد تحریک و تهییج احساسات می خورند. در این روایت مردسالار و سرکوب گر، زنانی که رهبری اعتراضات را به عهده می گیرند، فریب خورده معرفی می شوند؛ روایتی که مرور حضور زنان در جنبش های اعتراضی ایران، بر بی اعتباری آن صحنه می گذارد.



در طی یک سال گذشته نهادهای امنیتی و سیستم قضائی حکومت اسلامی با افزایش بازداشت زنان و دادن احکام سنگین به آن ها و سخت تر کردن شرایط نگه داری زنان در زندان هر بار این پیام را داده است که تحمل تغییر در کلیشه های جنسیتی را ندارد و حضور موثر زنان و فعالیت های آن ها در عرصه کنشگری را تحمل نمی کند.

نرخ بیکاری زنان دو برابر جمعیت مردان است و زنان تحصیل کرده نزدیک به سه برابر مردان بیکارند. یک عضو کانون عالی انجمن های صنفی کارگری، که تشکیلی است دولتی، اعلام کرده زنان در ۸۰ درصد مشاغل بدون بیمه سال ۱۳۹۶ اشتغال داشتند.

خبرگزاری ایرنا به نقل از سمیه گلپور، «رئیس کمیته بانوان کانون عالی انجمن های صنفی کارگری» نوشته است که زنان در ایران در مقابل ساعت کار طولانی تر، مزد کم تری می گیرند و از حمایت های قانونی برخوردار نیستند.

برخی کارفرماها برای این که زیر بار تعهدات قانون کار، حقوق زنان متاهل هم چون حق عائله مندی و دیگر موارد نروند، زنان مجرد را استخدام می کنند.

این روزها علاوه بر انباشت نارضایتی های زنان ایران از انقلاب ۵۷ تاکنون، به دلیل قوانین بدوی و مردسالارانه و عدم اجازه برای ورود به پست های سیاسی و نداشتن آزادی های فردی، رنج های دیگری نیز اضافه شده است و این ها زنان را به پیشگامان اعتراضات بدل کرده است. زنانی که علاوه بر مشکلاتی که همه جامعه با آن مواجه هستند همیشه «جنس دوم» انگاشته و نادیده گرفته شده اند.

در اعتراض های آبان ماه، زنی روی پل عابر پیاده ای در تهران، رو به ماشین ها فریاد می زند و علیه حکومت سخن می گوید.

زن دیگری، جلوی ماشین ها را می گیرد و از آن ها می خواهد توقف کنند. آن دیگری در میان تشویق همگان از بلندی بالا می رود تا تصویر خامنه ای و خمینی را پائین بکشد.

سپیده قلیان، زنی جوان و جسوری که تنها چند روز بود از زندان آزاد شده، به میان مردم معترض رفت و پرسید آیا با افزایش قیمت بنزین، حقوق ها هم بیش تر شده؟ چند ساعت بعد دوباره بازداشت می شود.

چند روز بعد از درگیری ها، تصویر آینه شهبازی، زن ۳۴ ساله ای منتشر می شود؛ مادر سه فرزند که وقتی می خواسته شالش را دور پای یک مجروح ببندد، از پشت تیر می خورد و جان می بازد.

تاریخ ۴۱ ساله حکومت اسلامی، به ویژه فضائی ناامن تر و خشن تر علیه زنان ایجاد کرده است. با پیروزی انقلاب در ایران، در نخستین قدم ها، زنان از حقوق ابتدائی و ساده خود محروم شدند. این محرومیت ها طیف وسیعی از حقوق خصوصی و اجتماعی زنان را در بر می گیرد. محدودیت در انتخاب پوشش، محدودیت در حضور اجتماعی و سیاسی، محدودیت در حقوق ازدواج، طلاق و حضانت فرزند، محدودیت در تحرک اجتماعی، تفریح، ورزش و بیان خویش.

اما این محدودیت ها تنها به حقوق جنسیتی زنان محدود نبوده است. زنان در روند تحولات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ایران، همواره در معرض خشونت های ساختاری قرار گرفته اند. خشونت هایی که حاصل درهم تنیدگی روابط اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، طبقاتی، ملی، مذهبی و جنسی هستند؛ آن ها را در معرض خشونت های بیش تری قرار داده است.

تصاویر منتشر شده در شبکه های اجتماعی نشان می دهد، چهل تعدادی از کشته شدگان اعتراض های آبان ماه در شهر اصفهان و بهبهان، بر سر مزار آن ها برگزار شده است. هم چنین شماری از ایرانیان مقیم کشورهای فرانسه، آلمان، سوئد و هلند نیز با برگزاری تجمع هایی یاد جان باختگان آبان ۱۳۹۸ را گرامی داشتند.

پیش تر تعدادی از مادران و اعضای خانواده های کشته شدگان اعتراض های آبان ماه در ایران با انتشار بیانیه ای، خواستار برگزاری مراسم چهلمین روز درگذشت فرزندان خود در تاریخ ۵ دی شده بودند.

با نزدیک شدن به این موعد، ابتدا پدر و مادر «پویا بختیاری» یکی از کشته شدگان اعتراض های آبان ماه در شهر کرج به وزارت اطلاعات احضار شدند ولی با ادامه اصرار آن ها برای برگزاری مراسم در بهشت سکینه روز سه شنبه ۳ دی ماه آن ها به همراه جمعی دیگر از اعضای خانواده بازداشت شدند.

تاکنون مطابق تصاویری که در شبکه های اجتماعی منتشر شده، فضای شهرهای تهران، تبریز، کرج، سنندج، کرمانشاه، اصفهان و شهریار، رباط کریم، زاهدان، سبزوار، مریوان، اندیمشک، سقز، بوکان، مریوان، جوانرود و ایلام امنیتی گزارش شده است.

با این حال، رئیس پولیس تهران در گفت و گو با خبرگزاری های رسمی ایران تاکید کرد: «تهران در کمال امنیت و آرامش است و هیچ گونه موارد امنیتی نداریم.»

حسین رحیمی، رئیس پولیس تهران با اشاره به حضور پر رنگ یگان های انتظامی در سطح شهر در قالب برگزاری رزمایش امنیت، گفت: «امنیت بستر پیشرفت جامعه است از این رو دشمنان همواره در صدد ایجاد ناامنی، آشوب و بلوا در کشور عزیز ما هستند که به طور حتم با سرپنجه های قدرتمند پولیس مواجه خواهند شد.»

هم چنین برخی اطلاعات منتشر شده نیز از آغاز موج جدیدی از بازداشت ها توسط نیروهای امنیتی در ایران حکایت دارد. از جمله، مطابق برخی اخبار، چندین نفر در جریان حضور مردم برای برگزاری مراسم چهلم پویا بختیاری در بهشت سکینه کرج بازداشت شده اند. مأموران حتی به مادر بزرگ پویا نیز اجازه ندادند سر مزار پویا برود.

با دخالت خشونت آمیز مقام های زندان اوین، تحصن تعدادی از زندانیان سیاسی زن در آستانه فرا رسیدن چهلمین روز کشتار جان باختگان اعتراض های آبان ماه، بر هم زده شد و برخی متحصنان از جمله نرگس محمدی، نایب رئیس کانون مدافعان حقوق بشر از زندان اوین به زنجان منتقل شد.

تعدادی از زندانیان زن از جمله نرگس محمدی، یاسمن آربانی، صبا کردافشاری، آتنا دائمی و منیره عربشاهی روز ۳۰ آبان ماه با اعلام همبستگی با فراخوان خانواده کشته شدگان اعلام کردند که به مناسبت فرا رسیدن چهلمین روز این کشتار دست به تحصن خواهند زد.

اینترنت و تلفن همراه نیز از روز چهارشنبه ۴ دی در استان های اصفهان، فارس، خوزستان، کرمانشاه، کردستان و البرز از دسترس خارج شده و اینترنت نسل ۳ که به مراتب سرعت کم تری از نسل ۴ دارد در دسترس مردم قرار گرفته است.

حکومت اسلامی ایران، با آغاز سرکوب اعتراض های آبان ماه شبکه اینترنت را به مدت پنج روز در سراسر کشور قطع کرد. این قطعی در استان خوزستان و سیستان و بلوچستان تا نزدیک به دو هفته ادامه داشت.



معاون سابق مرکز بررسی های استراتژیک حکومت اسلامی گفته است: ۸۵ درصد مردم ناراضی اند

اعتراضات آبان ماه موضوع نشستی در تهران زیر عنوان «آتش زیر خاکستر» بود. یکی از سخنرانان این نشست ضمن تاکید بر «افزایش مستضعفان» و نارضایتی «۸۵ درصد» از مردم گفت، برای شهروندان ایرانی «نظام و دولت تفاوتی ندارند.»

پس از گذشت بیش از یک ماه از آغاز اعتراضات سراسری و سرکوب آن در ایران، نشست‌های تهران زیر عنوان «آتش زیر خاکستر» با شرکت چند تحلیل‌گر و کارشناس به این موضوع و دلایل آن پرداخت.

در این نشست که روز چهارشنبه ۲۷ آذر - ۱۸ دسامبر برگزار شد، یکی از سخنرانان ضمن اشاره به ناراضی‌های اکثر مردم گفت، برای شهروندان معترض و ناراضی فرقی میان دولت و نظام وجود ندارد.

محمد فاضلی، جامعه‌شناس و معاون پژوهشی سابق مرکز بررسی‌های استراتژیک (از زیرمجموعه‌های نهاد ریاست جمهوری اسلامی ایران)، با بیان این که «بر اساس نظرسنجی‌های علمی، اکثر مردم ناراضی هستند» تاکید کرد، گرچه آن‌ها «می‌دانند که بیگانگان از اعتراض‌شان استفاده می‌کنند اما چاره دیگری ندارند».

این استاد دانشگاه، هم چنین با اشاره به این که «۶۲ درصد مردم خواستار گفت و گوی حکومت با معترضان هستند»، گفت: «انقلاب ما با وعده عدالت ایجاد شد اما امروز با پدیده انباشت و افزایش مستضعفان مواجهیم».

فاضلی در ادامه «جوانان بین ۱۸ تا ۲۹ سال» را ناراضی‌تر از دیگر رده‌های سنی دانست زیرا به گفته او «این گروه بیشتر رشد اقتصادی منفی یک دهه گذشته را احساس می‌کنند».

این جامعه‌شناس با بیان این که «اکثر معترضین کسانی هستند که ظرفیت شوک افزایش قیمت بنزین را ندارند و زندگی روزمره‌شان مختل می‌شود»، به افزایش بی‌عدالتی در ایران اشاره کرد و گفت: «این وضعیت بی‌عدالتی اگر هر چه جلوتر برود، عریان‌تر و خشن‌تر شود، چشم‌اندازی برای آینده باقی نمی‌گذارد و امید اجتماعی را از بین می‌برد».

او، هم چنین تاکید کرد که «این قدر مناقشه و اختلاف در جامعه زیاد است که قدرت تصمیم‌گیری وجود ندارد و نمی‌توان امیدوار به کارآمدی بود».

محمد فاضلی در ادامه با بیان این که «۸۵ درصد مردم از وضعیت کشور ناراضی هستند و فرقی بین روحانی و فلانی نمی‌گذارند»، گفت: «باید مسؤولان بفهمند که برای مردم، نظام و دولت تفاوتی ندارند، مردم می‌خواهند زندگی کنند و برایشان رئیس‌جمهور و بقیه مسؤولان فرقی ندارند».

این جامعه‌شناس در نهایت با هشدار نسبت به «خشونت کور»، به مسؤولان حکومت اسلامی توصیه کرد تا «صدای مردم را بشنوند قبل از این که دیر شود».



گزارش سازمان عفو بین‌الملل

سازمان عفو بین‌الملل روز دوشنبه ۱۶ دسامبر با انتشار دومین گزارش خود در باره سرکوب‌های آبان ماه در ایران، به بازبینی شمار کشته‌شدگان پرداخت و اعلام داشت در این رویدادها حداقل ۳۰۴ نفر کشته شده‌اند. عفو تاکید کرد که

این تعداد، تنها شمار کسانی است که این سازمان توانسته در باره مرگ آن‌ها راستی آزمائی کند، و گر نه به باور کارشناسان این سازمان شمار واقعی کشته شدگان بدون تردید بیش از این است.

سازمان عفو بین الملل در دومین گزارش خود، تاکید کرده که مقامات این کشور در پی کشتار گسترده معترضان به افزایش بهای بنزین، به دستگیری شمار فراوانی از آنان و نیز روزنامه نگاران و مدافعان حقوق بشر دست زده و با ایجاد فضای رعب و وحشت تلاش کردند آنان را از بازگو کردن آن چه رخ داده است باز دارند.

این گزارش می نویسد که بر اساس اسناد ویدئویی راستی آزمائی شده از سوی عفو بین الملل «نیروهای امنیتی ایران بروی تظاهر کنندگان غیرمسلح که اعتراضات هیچ خطری در بر نداشته آتش گشوده اند.»

«سسیل کودریو»، رئیس عفو بین الملل در فرانسه در گفتگو با تلویزیون «فرانس ۲۴» گفته که «مأموران پولیس و نیروهای انتظامی (در ایران)* مسلح هستند و با بکار گرفتن سلاح های خود از گلوله واقعی و جنگی استفاده می کنند. آنان به قصد کشتن به مردم تیراندازی کرده اند و هدف آنان ایجاد رعب و وحشت شدید در میان مردم بوده است، زیرا تظاهرات که به شکل یک جنبش اجتماعی علیه افزایش بهای بنزین آغاز شده بود، با شتاب به انتقاد از رژیم بدل شد.»

وی تاکید کرد که «سرکوب بسیار وحشیانه صورت گرفت» و می افزاید هر چند «ما در عفو بین الملل همواره با کارنامه سنگین (اعمال خشونت) در این کشور که برای حقوق بشر هیچ ارزشی قائل نیست، روبرو بوده ایم» و رفتار مقامات این کشور را با «زنائی که در برابر حجاب اجباری مقاومت می کنند، وکلای دادگستری و یا مدافعان حقوق بشر که همواره هدف حملات قرار دارند» مشاهده کرده ایم، اما این بار کسانی که هدف سرکوب قرار دارند «شهروندانی عادی هستند که در خیابان به شکل مسالمت آمیز حق طلبی می کرده اند و به صورتی دهشتناک هدف سرکوب قرار گرفته اند.»

«سسیل کودریو» در باره چگونگی دست یافتن به اطلاعات مورد اعتماد در این زمینه گفته است: «بر خلاف روش معمول عفو بین الملل، پژوهش گران ما امکان حضور در محل را نیافته اند، اما ما ده ها شهادت و گزارش دریافت داشته ایم و توانسته ایم این اطلاعات را مورد بررسی و راستی آزمائی قرار دهیم. شمار بسیاری ویدئو نیز بدست ما رسیده است که گروه مطالعه و ارزیابی دیجیتال عفو بین الملل، همه آن ها را مورد بررسی قرار داده تا نخست از اصالت و صحت آن ها اطمینان حاصل کنیم.»

وی اضافه کرده است: «اینک ما خیلی روشن و قاطعانه اعلام می کنیم که منابع مورد استفاده ما کاملاً قابل اعتماد هستند و همه اسناد حکایت از این می کنند که شمار قربانیان این سرکوب ها از گزارشی که ما در ابتدا در این باره انتشار دادیم بسیار سنگین تر است و حتی آن چه امروز می گوئیم بدون تردید از تمامی آن چه رخ داده حکایت نمی کند و کم تر از واقعیت است. (شمار) ۳۰۴ نفر حداقل کشته شدگان است و گمان می رود که عدد (قربانیان این سرکوب ها) بسیار بیش تر از این باشد. هزارها نفر زخمی شده و هزاران تن نیز دستگیر شده اند.»

در همین حال، آن چه اینک نگرانی فراوان برانگیخته، موج دستگیری هاست. خانم «ان سوفی سنیر»، مدیر «آزادی ها» در عفو بین الملل، در گفت و گو با رادیویی گفته است: «امروز با یک موج واقعی دستگیری ها رو به رو هستیم. (به گفته مقامات حکومت اسلامی ایران) بیش از ۷۰۰۰ نفر دستگیر شده اند. بازداشتگاه ها مملو از این افراد است. بخش مهمی از افراد دستگیر شده، از هر گونه تماس با وکیل مدافع و خانواده خود محروم است و بنابراین، بسیار دشوار است بدانیم که چه بر سر آن ها می آید.»

«ان سوفی سنیر» یادآوری کرد که جمهوری اسلامی ایران «سابقه نامطلوبی در زمینه اعمال شکنجه، اخذ اعترافات اجباری و دیگر سوء رفتارهای غیرانسانی و تحقیرآمیز دارد.» وی تاکید نمود که عفو بین الملل «از جامعه جهانی و

سازمان ملل متحد می‌خواهد که با اعمال فشار، امکان بازدید مدافعان برگزیده حقوق بشر را از بازداشتگاه‌ها و بیمارستان‌ها (در ایران) فراهم آورند تا بدانیم در کشور چه می‌گذرد.»
عفو بین‌الملل در گزارش خود، هم‌چنین از ناپدید شدن‌های اجباری ابراز نگرانی کرده و یادآوری کرده که چنین اقدامی بر اساس حقوق بین‌الملل «جنایت» تلقی می‌شود.
فیلیپ لوتر، مدیر بخش خاورمیانه و شمال آفریقا در این سازمان، از جهان خواست در برابر «مقامات ایران که به نقض دائمی حقوق بشر و سرکوب بی‌رحمانه هر گونه مخالفت مشغولند، سکوت نکنند.»



سازمان ملل طی قطعنامه‌ای نقض حقوق بشر در ایران را محکوم کرد

مجمع عمومی سازمان ملل در نشست بعدازظهر چهارشنبه ۲۸ دسامبر خود، طی قطعنامه‌ای نقض حقوق بشر در ایران را محکوم کرد.

در این قطعنامه که پیش‌تر در ۱۴ نوامبر در کمیته سوم مجمع عمومی سازمان ملل به تصویب رسیده بود، از ایران خواسته شده به نقض حقوق بشر پایان دهد.

این قطعنامه با ۸۱ رای موافق در برابر ۳۰ رای مخالف و ۷۰ رای ممتنع به تصویب رسید.

در این قطعنامه، از مقامات حکومت اسلامی ایران خواسته شده تا «انواع تبعیض به خاطر عقیده، تفکر، مذهب و... و نیز تبعیض علیه اقلیت‌های دینی را برطرف کنند.»

این قطعنامه، هم‌چنین نسبت به «محدودیت‌های شدید جاری و نیز محدودیت‌های فزاینده در مورد حق آزادی بیان، عقیده، تفکر و مذهب، علیه کسانی که به مذاهب رسمی یا غیررسمی معتقدند از جمله معتقدان به آئین بهائیت، نگرانی شدید» ابراز کرده است.

این قطعنامه از سوی کانادا تهیه شده و ۴۵ کشور دیگر عضو سازمان ملل با آن موافقت کرده بودند.

پارلمان اروپا با تصویب قطعنامه‌ای سرکوب اعتراضات اخیر در ایران را محکوم کرد

پس از آن که روز چهارشنبه ۲۷ آذر - ۱۸ دسامبر مجمع عمومی سازمان ملل با تصویب قطعنامه‌ای از وضعیت حقوق بشر در ایران ابراز نگرانی کرد، پارلمان اروپا نیز در نشست روز پنج‌شنبه ۱۹ دسامبر با تصویب قطعنامه‌ای سرکوب خشونت بار معترضان در ایران، به خصوص در جریان اعتراضات آبان ماه را محکوم کرد. این قطعنامه که

با اکثریت قاطع اعضای پارلمان تصویب شد، خواستار انجام تحقیقات مستقل و شفاف درباره وقایع اخیر در ایران شده است.

در این قطعنامه، اعتراضات آبان ماه در ایران و مقابله خشونت بار نیروهای امنیتی با معترضان محکوم شده است. در این قطعنامه، تصریح شده که «نیروهای امنیتی بر روی معترضان غیرمسلح آتش گشوده اند و شلیک به سوی آن ها به قصد کشتن انجام شده است.»

جوزپ بورل، مسؤول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، طی سخنانی پیش از رای گیری برای قطعنامه محکومیت سرکوب اعتراضات در ایران در نشست پارلمان اروپا گفت که «نیروهای امنیتی در ایران، با وجود هشدارهای مکرر دست به کشتار معترضان زده اند و اروپا چه در ایران و چه در هر جای دیگر دنیا، سرکوب مخالفان را تحمل نخواهد کرد.»

مسؤول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، هم چنین گفت: «ما از مقامات ایران خواسته ایم تا تحقیقات مستقل و شفاف در این باره انجام بگیرد؛ شمار دقیق بازداشتی ها و کشته شدگان را به ما اعلام کنند و انتظار داریم که تمام عاملین و مجریان این خشونت ها علیه معترضان بازداشت و محاکمه شوند.»

پارلمان اروپا در این قطعنامه خود، به گزارش اخیر عفو بین الملل اشاره کرده که در جریان این اعتراضات حداقل ۳۰۴ نفر که در میان آن ها کودک هم بوده است کشته شده اند. در این قطعنامه، تاکید شده است که «در جریان اعتراضات اخیر در ایران، تعداد بسیار زیادی زخمی شده اند و هزاران نفر از جمله روزنامه نگاران، مدافعان حقوق بشر و دانشجویان دستگیر گردیده اند. با این حال مقامات حکومت اسلامی ایران از اعلام رسمی آمار کشته شدگان خودداری می کند و اجساد قربانیان را به خانواده هایشان تحویل نمی دهد.»

پارلمان اروپا، در این قطعنامه ادامه سرکوب و دستگیری روزنامه نگاران، مدافعان حقوق بشر، وکلا و فعالان عرصه اینترنت و ... محکوم کرده است.

در این قطعنامه، پارلمان اروپا خواستار تحقیقات مستقل و شفاف درباره استفاده بیش از اندازه از قوه قهریه و شلیک مستقیم به تظاهر کنندگان غیرمسلح شده و اعلام کرده است که عاملان و آمران خشونت باید وادار به پاسخ گوئی شوند.

۱۰ برنده جایزه نوبل از شورای امنیت خواستند «سرکوب اعتراضات» آبان را بررسی کند

به گزارش خبرگزاری ها، ۱۰ تن از برندگان جایزه نوبل که از برجسته ترین چهره های علمی جهان هستند، طی نامه ای به آنتونیو گوترز دبیرکل سازمان ملل متحد از اعتراضات اخیر در ایران حمایت کرده و «سرکوب خونین و وحشیانه حکومت اسلامی ایران» را به شدت محکوم کردند.



آنان از قیام سراسری مردم ایران که در آن صدها هزار ایرانی به ویژه جوانان، ارتش بیکاران و گرسنگان و محرومان، خشمگین از ۴۰ سال سرکوب و بی کفایتی و سوء مدیریت و فساد به خیابان ها ریختند و رهبران حکومت اسلامی را به چالش کشیدند حمایت کرده و از دبیرکل ملل متحد خواستار تشکیل جلسه فوری شورای امنیت ملل متحد شدند.

برندگان نوبل، هم چنین از سازمان ملل خواستند یک هیات حقیقت یاب برای بررسی و تحقیق وضعیت کشته شدگان، مجروحان و دستگیر شدگان به ایران اعزام کند.

پیش از این نیز ۲۲ تن دیگر از برندگان جایزه نوبل با اعتراضات مردمی در ایران اعلام همبستگی کرده بودند.

اسامی برندگان جایزه نوبل که از دبیرکل سازمان ملل خواستار تشکیل جلسه شورای امنیت شدند:

پرفسور سر پیتر رت کلیف برنده جایزه نوبل پزشکی ۲۰۱۹ از انگلستان

پرفسور رینر وایس برنده جایزه نوبل فیزیک ۲۰۱۷ از آمریکا

پرفسور کیپ ثورن برنده جایزه نوبل فیزیک ۲۰۱۷ از آمریکا

پرفسور بریان کوبیلکا برنده جایزه نوبل شیمی ۲۰۱۲ از آمریکا

پرفسور ریچارد شراک برنده جایزه نوبل شیمی ۲۰۰۵ از آمریکا

پرفسور آلن هیگر برنده جایزه نوبل شیمی ۲۰۰۰ از آمریکا

پرفسور هارولد وارموس برنده جایزه نوبل پزشکی ۱۹۸۹ از آمریکا

پرفسور رابرت هیوبر برنده جایزه نوبل شیمی ۱۹۸۸ از آلمان

پرفسور یوهان دیزن هوفر برنده جایزه نوبل شیمی ۱۹۸۸ از آمریکا

پرفسور رونالد هافمن برنده جایزه نوبل شیمی ۱۹۸۱ از آمریکا. (منبع: العربیه نت فارسی، سه شنبه ۲۴ دسامبر

۲۰۱۹)

کارشناسان سازمان ملل از گزارش های شکنجه بازداشت شدگان در ایران تکان خورده اند

یک گروه از کارشناسان مستقل که توسط سازمان ملل متحد تعیین شده اند، بعد از بررسی اعتراض ها و سرکوب گسترده آنان ماه، اعلام کردند که احتمالاً هزاران نفر در ایران هم چنان در بازداشت هستند. شانزده کارشناس مستقل در بیانیه ای که روز جمعه ۲۰ دسامبر - ۲۹ آذر منتشر شد، می گویند که از خبرهای بدرفتاری با بازداشت شدگان اعتراضات اخیر ایران تکان خورده اند.

حدود سه هفته قبل، کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد اعلام کرده بود که حداقل ۷ هزار نفر از آغاز اعتراضات آنان ماه بازداشت شده اند.

اینک در بیانیه جدید، کارشناسان مستقل می گویند که هم چنان هزاران نفر در ایران در بازداشت هستند. اطلاعات جمع آوری شده نشان می دهد که بازداشت شدگان تحت شکنجه قرار گرفته و برای اعتراف اجباری، انواع بدرفتاری ها را متحمل شده اند.

این کارشناسان که توسط سازمان ملل تعیین شده اما رسماً از سوی این سازمان سخن نمی گویند، می افزایند: «برخی بازداشت شدگان، حتی وقتی در نتیجه کاربرد زور توسط نیروهای امنیتی زخمی شده اند، از درمان پزشکی محروم مانده اند» و برخی دیگر «در زندان های مخفی حبس شده و یا ناگهان مفقود شده اند.»

کارشناسان سازمان ملل، هم چنین بر فقدان رسیدگی قضائی تاکید دارند و می گویند که بسیاری از بازداشت شدگان از حق محاکمه عادلانه محروم می مانند.

کارشناسان سازمان ملل می نویسند: «به نظر می رسد که در استان هائی که دارای اقلیت های ملی بیش تری هستند، شمار کشته شدگان نیز بیش تر باشد.» آنان گوش زد می کنند که اظهارات شاهدان عینی و ویدئوها حاکی از آن است که نیروهای امنیتی با گلوله واقعی به سر یا دیگر «نقاط حیاتی بدن» تظاهر کنندگان شلیک کرده اند.



نظرسنجی درباره اعتراضات آبان

بر اساس نتایج یک نظرسنجی درباره اعتراضات آبان، رضایت از شرایط کشور در شهر تهران ۱۵ درصد است و ۵۴ درصد از پاسخگویان معتقدند اعتراضات در آینده ادامه خواهد یافت.

۵۲ درصد از پاسخگویان معتقدند شرایط بدتر خواهد شد، ۱۶ درصد ارزیابی مثبتی از آینده دارند و بقیه گفته اند، وضعیت فرقی نخواهد کرد یا اظهار بی اطلاعی کرده اند.

بر اساس این گزارش، ۵۴ درصد از شرکت کنندگان در این نظرسنجی معتقدند که اعتراضات در آینده تداوم خواهد یافت و ۲۹ درصد مردم معتقدند که ادامه نخواهد یافت.

هم چنین ۴۱ درصد افرادی که در این نظرسنجی از وضعیت موجود کشور ناراضی هستند، گفته بودند تمایل دارند در تجمعات اعتراضی شرکت کنند.

حدود ۷۵ درصد از شرکت کنندگان در این نظرسنجی معترضان آبان ماه را صاحب حق می دانند که این رقم برای جوانان ۸۴ درصد و برای افراد دارای تحصیلات بالا ۸۵ درصد است.

در حالی که ۴۱ درصد از پاسخگویان معتقدند این اعتراضات مقامات حکومت اسلامی را مجبور به اصلاح سیاست ها می کند، ۴۹ درصد مخالف این گزاره هستند.

مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (ایسپا) که این نظرسنجی را انجام داده روز ۲۷ آذر نشست بررسی منطق اجتماعی اعتراضات آبان را برگزار کرده بود.

شرکت کنندگان در این نشست، نسبت به نزدیک شدن فاصله زمانی اعتراضات، عبور مردم از مرحله نارضایتی به نفرت و حرکت های خشونت آمیز در اعتراضات هشدار دادند.

۸۵ درصد پاسخگویان در برابر این پرسش نگرانی خود را مسائل کلان اقتصادی، فقدان اشتغال و نیز ناامیدی از آینده ذکر کرده اند.

این اعتراضات از لحاظ تعداد شهرهای درگیر و حجم درگیری ها، گسترده ترین اعتراضات در ۴۰ سال گذشته بوده است.

گزارش خبرگزاری رویترز

خبرگزاری رویترز روز دوشنبه دوم دی ماه ۹۸ - ۲۳ دسامبر، در یک گزارش اختصاصی به نقل از سه مقام رسمی ایران که نخواسته اند نام شان فاش شود گزارش داد که در اعتراض های هفته آخر آن ماه در ایران حدود ۱۵۰۰ نفر کشته شده اند.

رویترز نوشته است خود آیت الله خامنه ای رهبر حکومت اسلامی، دستور برخورد شدید با معترضان را صادر کرده است. این خبرگزاری نوشته است دستور خامنه ای برای سرکوب شدید معترضان از سوی سه منبع نزدیک به رهبر حکومت اسلامی تأیید شده است.

به گفته رویترز، خامنه ای به نیروهای امنیتی دستور داده برای متوقف کردن آن ها هر کاری لازم باشد انجام دهید. رویترز در گزارش ویژه خود درباره اعتراض های آبان ماه می نویسد، پس از چندین روز اعتراضات گسترده در ماه گذشته، علی خامنه ای، با چهره ای نگران و نابردبار خود را در انتظار نشان داد. او کارکنان ارشد امور امنیتی و دولت را گرد خود جمع کرد و فرمانی با این مضمون صادر کرد: «هر کاری می توانید انجام دهید تا جلوی آن ها را بگیرید.»

رویترز می نویسد که سه منبع موثق درون محفل رهبر حکومت اسلامی، صحت این فرمان علی خامنه ای را تأیید کرده اند. یک فرد چهارم که یک مقام رسمی حکومت اسلامی است، نیز تأیید کرده است که چنین فرمانی صادر شده است. و به این ترتیب خونین ترین رویداد پس از انقلاب ۵۷ در ایران، به دستور علی خامنه ای صورت گرفته است. به گزارش رویترز، در جریان این اعتراضات از ۱۵ نوامبر - ۲۵ آبان، آغاز شد و به دو هفته نکشید که حدود ۱۵۰۰ نفر کشته شدند.



چندین مقام وزارت کشور حکومت اسلامی تأیید کرده اند که در میان قربانیان ۱۷ نوجوان، حدود ۴۰۰ زن و نیز تعدادی از نیروهای امنیتی و پولیس دیده می شوند.

آمارى که به دست خبرگزاری رویترز رسیده است، متكى است بر اطلاعاتى که از نهادهای مختلفی چون نیروهای امنیتی، غسالخانه ها و سردخانه ها، بیمارستان ها و پزشکی های قانونی جمع آوری شده است.

رویترز می نویسد که نمایندگان دولت امتناع می کنند از این که بگویند که این فرمان از سوی شخص علی خامنه ای در جلسه ای که او در ۱۷ نوامبر - ۲۶ آبان تشکیل داد، صادر شده است. حتی نمایندگی حکومت اسلامی در سازمان ملل نیز از پاسخ دادن به پرسش هائی در این زمینه امتناع می ورزد.

به گزارش رویترز، موج اعتراضات در ۲۶ آبان، که دومین روز اعتراضات بود، به تهران رسید. مردم خواستار پایان دادن به نظام حکومت اسلامی بودند و سرنگونی رهبر حکومت اسلامی را می خواستند و ... در شامگاه همین ۲۶ آبان علی خامنه ای، مسؤولان ارشد امنیتی و دولتی و نیز رئیس جمهوری و اعضای دولت را به بیت خود فراخواند.

در این جلسه که رویترز از سه منبع نزدیک به رهبر حکومت اسلامی محتوای آن را تأیید کرده است، علی خامنه ای، ۸۰ ساله که تصمیم های نهائی کشوری و لشکری را اتخاذ می کند، از نوع برخورد مسؤولان با معترضان انتقاد کرده و از سوزاندن تصاویر خود و عکس ها و نمادهای روح الله خمینی، بنیان گذار حکومت اسلامی به دست مردم خشمگین بوده است.

به گفته یک منبع موثق، علی خامنه ای سپس گفته است: «جمهوری اسلامی در خطر است. هر کاری می توانید انجام دهید تا به این غائله پایان داده شود. شماها این اختیار را از سوی من دارید.»

به گزارش رویترز، خامنه ای خطاب به مقام ها و کارگزارانی که در دفتر او جمع بودند گفته است، در صورتی که در اسرع وقت به اعتراضات خاتمه داده نشود، او آن ها را مسؤول پیامدهای آن خواهد دانست. جمعی که در بیت خامنه ای حضور داشتند به اتفاق معتقد بوده اند که تظاهر کنندگان به دنبال سرنگونی حکومت اسلامی هستند.

بنا به اظهارات یک منبع حکومتی: «دشمنان قصد سرنگونی جمهوری اسلامی را داشتند و بنابراین یک واکنش فوری ضروری بوده است.»

یک مقام رسمی چهارم که در جریان جلسه ۲۶ آبان - ۱۷ نوامبر) بوده است، می افزاید که خامنه ای به وضوح تأکید کرده که این تظاهرات ها، یک واکنش قاطع را ضروری ساخته است.

یک فرمانده ارشد سپاه پاسداران در استان کرمانشاه گفته است که استاندار کرمانشاه در یک جلسه اضطراری روز ۲۷ آبان - ۱۸ نوامبر، یک روز پس از فرمان خامنه ای، دستوراتی داد که گفته بوده از مقامات بالاتر آمده است.

این فرمانده سپاه پاسداران پس از جلسه مشترک با استاندار می گوید: «ما از بالاترین مقامات تهران دستور گرفتیم که به اعتراضات باید خاتمه بدهیم. رحم نکنیم. اغتشاش گران می خواهند جمهوری اسلامی را سرنگون کنند و ما باید آن ها را نابود کنیم.»

رویترز به نقل از سه منبع موثق حکومتی خود می نویسد، در پی سرکوب خونین اعتراضات، مسؤولان امنیتی وزارت اطلاعات و وزارت کشور خامنه ای را در جریان شمار کشته شدگان و بازداشت شدگان قرار می دهند. این مقامات امنیتی بر روی فعالیت گروه های اپوزیسیون تمرکز داشته اند.

سه منبع رویترز می گویند، خامنه ای از خشم کارگران و طبقه ضعیف جامعه در شهرهای کوچک به شدت نگران بوده است؛ لایه های اجتماعی با درآمدی بسیار اندک که زمانی ستون و پشتیبان جمهوری اسلامی بودند. در انتخابات پارلمانی که قرار است در اسفندماه برگزار شود، نقش همین طبقات ضعیف اجتماعی تعیین کننده خواهد بود.

گزارش رویترز به اظهارات چندین مقام دیگر استناد می کند، حاکی از این که «اگر ناآرامی ها سرکوب نمی شد، آن وقت مردم برای اعتراضات آینده تشویق می شدند.»

یک مقام محلی شهر کرج گفته است که «دستورات از تهران آمده بود.» این فرد که نمی‌خواست نامش فاش شود می‌گوید، دستور دادند: «حتی اگر شده به سوی مردم شلیک کنید، آن‌ها را باید به خانه هایشان بفرستید.» گزارش ویژه رویترز به رویداد خونین ماهشهر نیز می‌پردازد که معترضان در نیزارها در محاصره نیروهای امنیتی قرار گرفتند و در جریان آن با شلیک تیربارهای سنگین دست کم ۱۰۰ نفر کشته شدند.



پنجم دی ماه جامعه در روز گرامی داشت یاد جان باختگان: «کشته‌ندادیم که سازش کنیم رهبر قاتل را ستایش کنیم.»

ارگان‌های سرکوب و امنیتی حکومت از روزهای خیزش آبان تا کنون هم‌چنان مشغول دستگیری فعالین بوده‌اند تا روحیه اعتراضی را بخوابانند. از چند روز قبل از پنجم دی ماه نیز خانواده‌های جان‌باختگان در سراسر کشور را تهدید کردند تا مراسم علنی نگیرند و حتی اسمی از عزیزان خود در رسانه‌ها نیاورند.

برخی مادران جان‌باختگان نیز برای روز ششم دی فراخوان مراسم دادند.

پدر و مادر پویا بختیاری که فراخوان مراسم داده بودند و تعداد دیگری از بستگان سایر جان‌باختگان را دستگیر کردند، خانواده‌های زیادی را تحت فشارهای شدید قرار دادند و بسیاری از فعالین اجتماعی را تهدید کردند، اینترنت را در بسیاری از مناطق قطع کردند و مأموران سرکوبگر را از صبح پنجم دی ماه در تهران و کرج و شهریار و اصفهان و مشهد و شیراز، در ماهشهر و اهواز و بهبهان و اندیمشک، در تبریز و کرمانشاه و سنندج و مریوان، در بندرعباس، در میادین اصلی و محلات مختلف، در مقابل دانشگاه‌ها و حتی در قبرستان‌ها مستقر کردند.

در محلات برخی شهرها از جمله تهران و در بندرعباس و تبریز و خرمشهر با شمع و عکس جان‌باختگان یاد آن‌ها را گرامی داشتند.

در کرج در محل دفن پویا بختیاری، جمعیت قابل ملاحظه‌ای گرد آمدند و سرود خواندند و شعار دادند: کشته‌ندادیم که سازش کنیم رهبر قاتل را ستایش کنیم. در بهبهان و اصفهان مراسم‌های نسبتاً بزرگی برگزار شد، در نجف‌آباد تعداد قابل توجهی از جوانان شهر دست به ابتکار جالبی زدند و سوار بر موتور سیکلت تصاویر جان‌باختگان را در خیابان‌های شهر به نمایش گذاشتند.

در سقز مراسم بزرگی در گرامی داشت مینا شیخی برگزار شد. در این مراسم، بیانیه‌ای علیه جنایت و وحشی‌گری حکومت اسلامی و با خواست محاکمه آمران و عاملان جنایت علیه مردم قرائت شد.

در ملارد مراسم یادبود سجاد رضائی از جان‌باختگان آبان ماه برگزار گردید.

زندانیان سیاسی بیانیه دادند، دانشجویان برخی دانشگاه‌ها با نصب عکس جان باختگان و با انتشار بیانیه‌هایی به جنایات حکومت اعتراض کردند.

رقیه کبیری نویسنده و شاعر آذری و عضو کانون نویسندگان ایران، با انتشار نامه سرگشاده از مقام دومی و دریافت جایزه کناره گرفت. این نویسنده در سی و ششمین جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران در شاخه داستان اقتباسی مقام دوم را کسب کرده بود اما در همراهی و هم‌دردی با مردم معترضی که در جریان اعتراض‌های آبان ماه به شدت سرکوب شدند «از این مقام و جایزه نقدی» انصراف داد.

تعدادی از هنرمندان برنامه‌های خود را تعطیل اعلام کردند. ۱۳۵ نفر از سینماگران با انتشار بیانیه‌ای اعلام کردند که «در چهلمین روز فاجعه آبان ماه، یاد کشته‌شدگان و زندانیان در بند را زنده نگه می‌داریم.» برخی تشکل‌های کارگری از جمله شورای بازنشستگان ایران طی بیانیه‌ای این دستگیری‌ها را محکوم کرده و بر حق برگزاری مراسم آزاد برای گرامی داشت یاد جان باختگان تاکید کرده و با خانواده‌های آن‌ها اعلام همبستگی کرد.



تعدادی از کارگران نیشکر هفت تپه و برخی تشکل‌های دیگر، طی بیانیه‌هایی از فراخوان مراسم به یاد جان باختگان خیزش آبان ماه در پنجم دی ماه حمایت کردند.

وثیقه میلیاردي!

با وجود گذشت بیش از ۴۰ روز از سرکوب گسترده اعتراضات آبان در ایران، تنها اعلام رسمی در مورد آمار بازداشت‌شدگان مربوط به حسین نقوی حسینی، سخنگوی کمیسیون امنیت ملی مجلس است که از بازداشت هفت هزار نفر خبر داده بود. همچنان تعدادی زیادی از افراد دستگیر شده در بازداشت به سر می‌برند و فعالان و سازمان‌های حقوق بشری از قطع ارتباط بسیاری از بازداشت‌شدگان با دنیای خارج از زندان و همین‌طور عدم دسترسی آنان به وکیل ابراز نگرانی کرده‌اند.

هنوز تعداد زیادی از بازداشت‌شدگان اعتراضات آبان ۹۸ در بازداشتگاه‌ها به سر می‌برند. به گفته یک وکیل دادگستری، اغلب بازداشت‌شدگان با پرونده‌سازی پس از دستگیری مواجه هستند، به وکیل دسترسی ندارند و به دلیل فقر و محرومیت، نمی‌توانند وثیقه‌های سنگینی که برایشان تعیین شده، فراهم کنند.

هلاله موسویان، وکیل دادگستری در گفت و گو با روزنامه «اعتماد» بر این نگرانی صحنه گذاشته و مشکل بسیاری از بازداشت‌شدگان را عدم دسترسی به وکلای مستقل دانسته و گفته است:

«مشکل اساسی این است که مستند به تبصره ماده ۴۸ قانون آئین دادرسی کیفری، متهمان سیاسی و امنیتی صرفاً می‌توانند از وکالت محدود وکلای مورد وثوق ریاست قوه قضائیه استفاده کنند اما استخدام همین وکلا نیز عملاً

نتیجه بخش نیست؛ چرا که حتی به همین وکلا نیز گفته می‌شود که نباید مداخله ای صورت گیرد و حتی اجازه مطالعه پرونده را ندارند.»

به گفته موسویان، با وجود این که تبصره ماده ۴۸ مربوط به مرحله دادرسی است، حتی در مرحله رسیدگی به پرونده در دادگاه، به خصوص دادگاه انقلاب، محدودیت هائی برای انتخاب وکیل وجود دارد و در مواردی با وکالت برخی وکلا موافقت نمی‌شود و برای انتخاب وکیل مورد نظر موافقت قاضی پرونده لازم است.

این وکیل دادگستری که به علت مراجعه خانواده برخی بازداشت شدگان در جریان مشکلات آن‌ها قرار گرفته، تصریح کرده که خود او هنوز رسماً وکیل افرادی که مراجعه کرده اند نیست و تا زمان ارسال پرونده به دادگاه عملاً تنها امکان دادن مشاوره وجود دارد.

هاله موسویان، یکی دیگر از مشکلات بازداشت شدگان را بی‌اطلاعی خانواده‌ها و بعضی از خود بازداشت شدگان از «محل بازداشت» آن‌ها دانست.

او گفته است که بر اساس پیگیری‌های انجام داده «اغلب کسانی که در تهران و شهرستان‌های اطراف دستگیر شده‌اند، هم اکنون در زندان فشافویه به سر می‌برند، اما بعضی بازداشت شدگان به زندان اوین و چند زندان و بازداشتگاه دیگر منتقل شده‌اند.»

با توجه به لزوم امضای وکلات نامه از سوی شخص موکل، بی‌اطلاعی از محل بازداشت یک مانع دیگر برای استخدام وکیل است.

در حالی که مقامات کشور شهروندان معترض به فقر و بی‌عدالتی در کشور را «اشرار» می‌خواندند، گزارش‌ها و شواهد متعدد از خاستگاه طبقاتی این معترضان برده برداشت.

از جمله وقتی علی شمخانی، دبیر عالی شورای امنیت ملی، برای نمایش اهتمام حکومت به خواسته‌های معترضان به خانه‌های برخی از کشته شدگان مراجعه کرد، تصاویر گویای محرومیت و فقر کسانی بود که برای اعتراض به خیابان‌ها آمده بودند اما با سرکوب گسترده و به ضرب گلوله مأموران امنیتی کشته شدند.

به گفته هاله موسویان، بازداشت شدگان آبان نیز اغلب در محرومیت و فقر قرار داشتند. این وکیل دادگستری گفت کسانی که به او مراجعه کردند «همگی در وضعیت بدی به لحاظ معیشتی و سطح اقتصادی پائین قرار دارند و با مشاغل هم چون پیک موتوری، رانندگی، بیرون بر رستوران و مواردی از این دست امرار معاش می‌کنند.»

موسویان، با اشاره به این که وثیقه‌های یکی دو میلیارد دالری برای بسیاری از بازداشت شدگان تعیین شده، تصریح کرد که هیچ کدام از موکلان او «ملک و املاک شخصی» ندارند که بتوانند این وثیقه را فراهم کنند و حتی اگر بعضاً خانه‌ای داشته باشند، در حاشیه شهر قرار دارد که سند و مدرکی ندارد و صرفاً قول نامه است.

این وکیل دادگستری، هم چنین بازداشت معترضان برای جمع‌آوری ادله را نقض قانون و برخلاف دستور ابراهیم رئیسی، رئیس قوه قضائیه دانست و گفت که در هر کدام از مواردی که او اطلاع دارد، بازداشت به منظور جمع‌آوری ادله صورت گرفته است.

بسیاری از معترضان را جوانان تشکیل می‌دهند. رده سنی بازداشت شدگانی که به موسویان مراجعه کرده‌اند، ۱۸ تا ۳۰ سال بوده است.

این وکیل اما تأکید کرده که در میان بازداشت شدگان حوادث اخیر کودکان ۱۳ تا ۱۵ ساله نیز حضور داشته‌اند که به گفته او به «کانون اصلاح و تربیت» منتقل شده‌اند. این در حالی است که بنا بر اعلام سازمان عفو بین‌الملل، در

میان بازداشت شدگان کودکانی به سن ۱۵ سال نیز حضور دارند که در زندان هائی مانند زندان تهران بزرگ (فشافویه) نگه داری می شوند.



هزینه سرکوب در ایران

مطابق لایحه بودجه سال ۱۳۹۹ دولت اسلامی ایران، سرانه تامین امنیت یا سرکوب هر فرد ایرانی بر پایه بودجه دستگاه های اجرائی و سیاست گذاری در زمینه مسایل دفاعی، امنیتی و اطلاعاتی روز بالغ بر ۲ میلیون تومان می شود.

بودجه پیشنهادی دولت در سال آینده برای دستگاه های سیاست گذار در حوزه دفاعی، امنیتی و اطلاعاتی به ۱۰۶ هزار و ۳۴۱ میلیارد تومان رسیده که ۳۸ درصد بیش از عمل کرد سال ۱۳۹۷ است. در میان این دستگاه ها بودجه وزارت اطلاعات با ۷۲.۴ درصد بیش ترین رشد را شاهد بوده و از نظر رقم بودجه نیز ستاد فرماندهی کل نیروهای مسلح بالاترین سهم بودجه دفاعی، امنیتی و اطلاعاتی را به خود اختصاص داده است.

با توجه به جمعیت ۸۳ میلیون نفری جامعه ایران، سرانه بودجه پیشنهادی دولت برای دستگاه های سیاست گذار در زمینه مسایل دفاعی، امنیتی و اطلاعاتی به بیش از یک میلیون و ۲۸۱ هزار تومان در سال ۱۳۹۹ خواهد رسید. این رقم در سال ۱۳۹۷ و بر پایه جمعیت آن سال، ۳۴ درصد کم تر و ۹۵۴ هزار تومان بوده است.

دولت اسلامی ایران، هم چنین در لایحه بودجه سال ۱۳۹۹ خورشیدی، ۵۶ هزار و ۱۶۸ میلیارد تومان نیز برای تامین هزینه های عملیات اجرائی دستگاه های دفاعی، امنیتی و اطلاعاتی در نظر گرفته که به منزله سرانه ۶۷۶ هزار تومانی هر فرد ایرانی است.

در این میان سپاه و بسیج نه تنها بالاترین بودجه اجرائی در حوزه دفاعی، امنیتی و اطلاعاتی را در اختیار خواهند داشت، بلکه شاهد بیش ترین رشد بودجه طی دو سال گذشته بوده اند.

گزارش اختصاصی سحام از یک جلسه مهم: وضعیت بحرانی ایران در منطقه و بن بست سیاست خارجی سپاه در منطقه

هفته گذشته جلسه ای در وزارت خارجه برگزار شده است. به گزارش سحام در این جلسه که به دعوت محمد جواد ظریف و با حضور شصت نفر از وزرا و معاونین وزارت خارجه پس از انقلاب تشکیل شده است، گزارشی مهمی از وضعیت متزلزل ایران در کشورهای منطقه از جمله عراق، یمن، افغانستان و لبنان ارائه شده است. در ابتدای این جلسه دوره ای، محمد جواد ظریف با اشاره به سفر حسن روحانی رئیس جمهور ایران به جاپان، گفته است که با رایزنی صورت گرفته از قبل با دانلد ترامپ توسط امانوئل مکرون و آبه شینزو، روسای جمهور فرانسه و جاپان، قصد این بوده که در این سفر، تحریم مربوط به فروش نفت ایران تعلیق شود. اما پس از اعتراضات آبان ماه در سراسر ایران، به

یک باره رئیس جمهور امریکا در پیامی به آبه شینزو و امانوئل مکرون گفته که تحریم فروش نفت ایران معلق نخواهد شد.

بنا به گزارش سحام، در ادامه این جلسه ابعاد وضعیت نفوذ و قدرت نرم ایران در منطقه توسط وزیر خارجه ایران مورد بررسی قرار گرفته است. جزئیات این گزارش حاکی از ناکارآمدی سیاست خارجی ناکارآمد آیت الله خامنه ای و سپاه قدس در منطقه است.

ظریف با اشاره به این مهم که روند تحولات منطقه به گونه ای پیش می رود که به ضرر ایران است، افزوده: «متأسفانه وضعیت ایران در عراق و جو آن جا به دلیل تبلیغات و رفتارهای غلطی که از طرف ایران در آن جا صورت گرفته، ضد ایرانی است و موقعیت ایران نزد مردم عراق بشدت رو به افول است. صادرات کنونی ایران به عراق به نسبت سال گذشته به دلیل اعتراضات در آن کشور و جو ضد ایرانی، به شدت کاهش یافته، به طوری که حتی دیگر لیبیات ایران را نمی خزند، در حالی که در سال های گذشته یکی از کارخانجات لیبیات ایرانی واحدی در آن کشور راه اندازی کرده است. وزیر خارجه ایران در ادامه می گوید که عراق حتی بخشی از اقلام وارداتی از ایران را ممنوع اعلام کرده اند.»

به گزارش سحام، دولت عراق چندی پیش واردات ۱۷ قلم از محصولات کشاورزی از ایران را ممنوع کرد. محصولات چون گوجه فرنگی، سیب زمینی، خرما، ذرت، انار، پیاز، هندوانه، کاهو و... مشمول این ممنوعیت می شوند. علت ممنوعیت واردات این کالاها «خودکفائی» عراق در تولید این اقلام اعلام شده بود. حتی کاربران عراقی در توئیتر با هشتگ خلوها-تخیس به معنای «بگذارید بگندند»، از دیگر شهروندان عراقی خواسته بودند که کالاهای ایرانی را نخرند و تحریم کنند.

در ادامه این جلسه، ظریف به وضعیت ایران در افغانستان می پردازد و می گوید: «در ماجرای افغانستان و مذاکراتی که طالبان با امریکائی ها انجام داده اند، توافق شده که در تدوین قانون اساسی جدید که می خواهند نوشته شود، تغییری انجام دهند که در آن حق شیعیان و و فارسی زبانان نادیده گرفته خواهد شد.»

محمدجواد ظریف در این جلسه به موضوع ارتباط ایران با یمن نیز اشاره میکند و می افزاید: «در یمن هم حوثی ها مرتب مذاکراتی با حکومت عربستان دارند. فعلا محتوای مذاکرات را به اطلاع ما می رسانند، ولی مشورتی از ما نمی خواهند.» وزیر خارجه ایران گفته که «یمنی ها صریحا به ما گفته اند که آنان را وجه المصلحه خود با عربستان قرار ندهیم.»

اما بنا به سخنان ظریف، وضعیت ایران در لبنان بهتر از دیگر کشورهاست. وزیر خارجه می گوید که «در لبنان نسبتا اوضاع بد نیست، به خاطر این که آن جا مدیریت با ما نیست و دست خود سید حسن نصرالله است.»

گزارش سحام گواه این ادعاست که نفوذ ایران در کشورهای منطقه بشدت کاهش یافته است و سیاست خارجی سپاه محور به بن بست رسیده است. یادگار سیاسی آیت الله خامنه ای پس از ۳۰ سال که هم در داخل ایران و هم در کشورهای آن ها سرمایه گذاری های هنگفت اقتصادی و نظامی کرده، به گونه ای است که تصویر رهبر حکومت اسلامی را به آتش می کشند و جو ضد ایرانی در کشورهای منطقه قوت گرفته است.

...

با این حال و بنا به گفته یکی از نمایندگان مجلس، سپاه به دنبال سهم بیش تری از بودجه کشور است.

همان استراتژی نظامی که در جنگ ایران و عراق منجر به شهید شدن بسیاری از رزمندگان این مملکت شد، اکنون در حال فدا کردن جان بسیاری از شهروندان است. تن فروشی در قبر برای خرید یک وعده غذا، یا آمار کشتن بیش از ۱۵۰۰ معترض، توسط حکومت ایران در چند روز، نمونه از نتیجه این سیاست سپاهی - ایدئولوژیک است.

عکس دیده نشده از حضور سردار سلیمانی در محل دفن صدام حسین

به مناسبت سال مرگ صدام، صفحه منتسب به سردار قاسم سلیمانی در توئیتر تصویر دیده‌نشده‌ای را منتشر کرد.



به مناسبت سال روز مرگ صدام حسین در ۹ دی سال ۸۵، صفحه توئیتر منتسب به پاسدار حاج قاسم سلیمانی، تصویری را از حضور فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران در محل دفن صدام منتشر کرد. صدام حسین از اعضای حزب بعث عراق در سال‌های ۱۹۷۹ تا ۲۰۰۳ میلادی رئیس‌جمهور کشور عراق بود. قاسم سلیمانی، همواره در کشورهای منطقه مشغول سازمان دهی تروریسم و جنگ‌های نیابتی است.

جان باختن دو کولبر نوجوان

جان باختن دو کولبر نوجوان دیگر در ایران، بار دیگر واکنش‌ها و نیز انتقادهای گسترده‌ای را سبب شده است. این دو شهروند نوجوان، فرهاد خسروی، ۱۴ ساله، و برادرش آزاد خسروی، ۱۷ ساله، در ۲۶ آذر، در ارتفاعات ژالانه کردستان ناپدید شدند؛ پیکر آزاد روز چهارشنبه ۲۷ آذر و پیکر فرهاد روز جمعه ۲۹ آذر پیدا شد. به گفته یک سازمان حقوق بشری، این دو ششمین و هفتمین کولبران زیر ۱۸ سالی هستند که در سال ۲۰۱۹ میلادی جان خود را از دست داده‌اند. این گزارش در عین حال می‌گوید از این هشت تن، ۶ تن با شلیک نیروهای امنیتی حکومت اسلامی ایران کشته یا زخمی شده‌اند.

فرهاد به مدت ۲ ساعت کنار آزاد ماند اما برای کمک گرفتن از کولبران دیگر او را تنها گذاشت، در حالی که به شدت نگران سرنوشت برادرش بود اما چاره‌ای برایش باقی نمانده بود به جز این که تلاش کند و کمک بیاورد. با این وجود، در نیمه راه دوباره به پیش برادرش برمی‌گردد تا از زنده ماندن آزاد مطمئن شود. وقتی پیش آزاد بازمی‌گردد با جسد بی‌جان و یخ‌زده برادرش مواجه می‌گردد و دوباره راه می‌افتد تا راهی برای کمک و خبر کردن مردم پیدا کند. فرهاد هم در راه برگشت به خاطر گم کردن راه در آن کوهستان یخی و طوفانی و شدت برف و کولاک ساعت‌ها برای زنده ماندن تلاش می‌کند. اما او هم مانند برادرش جان می‌بازد.

حکومت اسلامی ایران، مسبب جان باختن آزاد و فرهاد خسروی و ده های کولبر دیگر است که برای زنده ماندن و تکه ای نان جان شان را از دست داده اند.



داستان کولبران ایران، بسیار اندوهناک است؛ مردمانی که برای لقمه نانی، همه خطرات را به جان می خزند؛ جان این مردمان سخت کوش و شریف هم از سوی طبیعت و هم از سوی مأموران مرزی حکومت اسلامی، گرفته می شود.

ایران؛ رشد تلفات تصادفات در هشت ماهه امسال

در هشت ماهه سال جاری ۱۲ هزار و ۵۲۷ نفر در حوادث رانندگی جان خود را از دست دادند، این رقم در مقایسه با مدت مشابه سال قبل که آمار تلفات ۱۲ هزار و ۲۴۶ نفر بود، ۲.۳ درصد افزایش یافته است.

در هشت ماهه امسال از کل تلفات حوادث رانندگی ۹۷۱۹ مرد و ۲۸۰۸ تن زن بودند.

در هشت ماهه امسال تلفات برون شهری در مقایسه با مدت مشابه سال قبل رشد ۴.۷ درصدی داشت. در این مدت از کل تلفات تصادفات بیشترین افراد در جاده های برون شهری جان باخته اند که تعداد آنان ۸۲۰۸ نفر بوده است و پس از آن ۲۹۸۷ نفر در مسیرهای درون شهری، ۱۰۳۲ نفر در مسیرهای روستائی، ۷۸ نفر در راه های اختصاصی و ۲۲۲ نفر در سایر مسیرها جان خود را از دست داده اند. طی هشت ماهه سال جاری کمترین آمار تلفات تصادفات با ۱۲۴۲ نفر در فروردین و بیشترین آن با ۱۷۹۷ فوتی در شهریور ماه ثبت شده است.

بیشترین آمار تلفات تصادفات در هشت ماهه امسال به ترتیب مربوط به استان های فارس با ۹۵۳، خراسان رضوی با ۹۰۰ و تهران با ۸۸۰ و کمترین آن مربوط به استان های ایلام با ۱۲۹، کهگیلویه و بویراحمد با ۱۶۷ و چهارمحال و بختیاری با ۱۶۹ مورد بوده است.

به گزارش اداره کل روابط عمومی و امور بین الملل سازمان پزشکی قانونی کشور، در این مدت آمار مصدومان حوادث رانندگی هفت دهم درصد کاهش یافت. در هشت ماهه امسال ۲۵۶ هزار و ۹۹۹ مصدوم حوادث رانندگی به مراکز پزشکی قانونی مراجعه کردند که از این تعداد ۱۸۲ هزار و ۹۲۱ نفر مرد و ۷۴ هزار و ۷۸ نفر زن بودند.

در آبان ماه سال جاری، ۱۵۰۰ نفر (۱۱۴۲ مرد و ۳۵۸ زن) در تصادفات جان باختند که در مقایسه با آبان ماه سال قبل ۳.۷ درصد افزایش یافته است. آمار مصدومان این ماه نیز با ۴.۷ درصد کاهش، ۲۸ هزار و ۸۵۰ نفر گزارش شده است.

کسر بودجه ایران در سال آینده ۵۵ هزار میلیارد تومان

بحث درباره لایحه بودجه سال آینده ادامه دارد. کمیسیون تلفیق کلیات لایحه را تصویب کرده، اما آن طور که نمایندگان مجلس می‌گویند: بودجه با کسری تدوین شده است و به بازنگری نیاز دارد. رئیس دیوان محاسبات کسری بودجه سال آینده را تأیید می‌کند اما بازگرداندن لایحه را به دولت، زمان بر می‌داند و معتقد است: ارقام درآمدی دولت باید اصلاح شود.

بودجه «غیرواقعی» و پیش بینی درآمدهای «کاذب» انتقاد اصلی نمایندگان مخالف لایحه بودجه سال ۹۹ است. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی هم این موضوع و همین‌طور کسری بودجه سال آینده را تأیید کرده است. عادل آذر، رئیس دیوان محاسبات هم شامگاه شنبه هفتم آذر در یک برنامه تلویزیونی کسری بودجه را تأیید کرد اما رقم آن را کم‌تر از آن چه که پیش از این برخی از نمایندگان گفته بودند، اعلام کرد.

پیش از این رسانه‌ها به نقل از برخی نمایندگان ۲۲۵ هزار میلیارد تومان کسری بودجه برای سال آینده تخمین زده بودند. آذر این رقم را «خیلی عجیب و غریب» دانست و گفت: اگر بخش اعتبارات هزینه‌ای را همان ۱۵ درصدی که دولت حساب کرده و در لایحه بودجه آورده و عملکرد سال ۹۸ مبنای قرار گیرد، «کسری بودجه واقعی سال ۹۹ چیزی حدود ۵۵ هزار میلیارد تومان خواهد بود.»

به گفته آذر درآمدهای دولت در سال آینده بر «مالیات»، «فروش نفت» و «فروش اموال دولتی» استوار است. در لایحه دولت حدود ۱۹۳ هزار میلیارد تومان درآمد مالیاتی پیش‌بینی شده است. رقمی که برخی نمایندگان مجلس آن را «خیال‌خام» توصیف کرده‌اند.

رئیس دیوان محاسبات اما درآمد نفتی پیش‌بینی شده را «غیرقابل تحقق» دانست و گفت که رقم آن اصلاح شود. به گفته او دولت برداشت از صندوق توسعه ملی را هم به عنوان درآمد نفتی در نظر گرفته است.

برپایه اظهارات نمایندگان مجلس، دولت در لایحه بودجه فروش یک میلیون بشکه نفت را پیش‌بینی کرده است. این در حالی است که صادرات نفت ایران به کم‌ترین میزان در چهار دهه اخیر گذشته و پیش‌بینی می‌شود به کم‌ترین میزان در ۶۰ سال گذشته کاهش یابد.

فروش اوراق مشارکت و خزانه اسلامی از دیگر منابع درآمدی پیش‌بینی شده در لایحه بودجه است. دولت ۸۰ هزار میلیارد درآمد از این محل پیش‌بینی کرده است. عادل آذر اما رقم پیش‌بینی شده در برنامه ششم توسعه را ۵۰ هزار میلیارد تومان اعلام کرد و از دولت خواست: «دارائی که فروخته می‌شود باید تبدیل به احسن شود نه این که خرج شود.»

بی‌گمان سال ۱۳۸۹، سال سختی برای مزدبگیران، بیکاران و تهی‌دستان خواهد بود.

حمید نوری دادیار سابق زندان گوهردشت در سویدن دستگیر شد

حمید نوری دادیار سابق زندان گوهردشت که در ۹ نوامبر - ۱۸ آبان گذشته در سویدن دستگیر شد و فعلا در بازداشت موقت به سر می‌برد.

حمید نوری، ۵۸ سال دارد و در «تابستان سیاه» سال ۱۹۸۸ - ۱۳۶۷) که به دستور آیت الله خمینی هزاران تن از زندانیان سیاسی اعدام شدند، دارای سمتی در زندان گوهردشت (زندان رجائی شهر فعلی) واقع در شمال تهران بوده است.

حمید نوری در آن زمان، دادیار رسمی این زندان بوده و احتمالا نقش مهمی در اعدام زندانیان داشته است. شمار بسیاری از زندانیان سابق و خانواده‌های قربانیان از او شکایت کرده‌اند.

کشتار زندانیان سیاسی در فاصله ماه های ژوئیه و سپتامبر ۱۹۸۸ به دست کمیته ای معروف به «کمیته مرگ» اعدام شدند. گردانندگان اصلی این کمیته در تهران ابراهیم رئیسی، رئیس فعلی قوه قضائیه، و مصطفی پور محمدی، وزیر سابق کشور و معاون وزارت اطلاعات، بودند. در آن زمان کمیته هائی مشابه کمیته مرگ تهران در سایر شهرهای کشور تشکیل شده بود. آن ها در طی بازپرسی و محاکماتی که گاهی اوقات تنها چند دقیقه طول می کشید، شمار زیادی حکم اعدام صادر کردند.



در ماه دسامبر نیز مرد ۴۵ ساله ای که به اتهام جاسوسی در ماه فوریه بازداشت شده بود، در دادگاه به دو سال و نیم زندان محکوم شد. اتهام این مرد، جاسوسی برای حکومت اسلامی ایران در میان پناهندگان، بهخصوص پناهندگان عرب زبان ایرانی بود.

دومین دور میانجی گری جاپان در میان ایران و امریکا

شینزو آبه، نخست وزیر جاپان و حسن روحانی، رئیس جمهوری اسلامی ایران، ۲۲ خرداد ۹۸ در تهران ملاقات کرده بودند.

امانوئل مکرون، رئیس جمهوری فرانسه، آخرین کسی بود که برای میانجی گری میان ایران و امریکا تلاش کرد. ابتکار او اما رها شد، زیرا اروپائی ها از رفتار حکومت اسلامی ایران ناراضی بودند، به خصوص از این جهت که دو دانشمند فرانسوی بازداشت شده در ژوئن گذشته در ایران هنوز هم آزاد نشده اند.

حال شینزو آبه، نخست وزیر جاپان، دورخیزی مجدد برای میانجی گیری میان ایران و امریکا کرده تا از گسترش مناقشه بر سر برنامه هسته ای جمهوری اسلامی جلوگیری کند.

جمعه ۲۹ آذر ۲۰- دسامبر حسن روحانی، رئیس جمهوری اسلامی ایران، با رئیس دولت جاپان در توکیو دیدار کرد. به گفته محافل دیپلماتیک، قرار چنین دیداری با چراغ سبز امریکا همراه بوده است.

این نخستین دیدار یکی از روسای جمهوری ایران از جاپان از پس از سفر محمد خاتمی به توکیو در سال ۲۰۰۰ میلادی و سومین دیدار آبه و روحانی در سال ۲۰۱۹ است. سفر ژوئن گذشته آبه به تهران، اولین دیدار یک نخست وزیر جاپان پس از ۴۱ سال از ایران بود. در ماه سپتامبر نیز روسای دولت دو کشور در حاشیه مجمع عمومی سازمان ملل در نیویورک با یکدیگر دیدار کردند.

شینزو آبه پیش تر گفته بود، جاپان می خواهد نقش بزرگ تری در حل مناقشه ایفا کرده و راسا به تلاش های خود در راستای کاهش تنش در خاورمیانه ادامه دهد.

حسن روحانی وارد به توکیو، پایتخت جاپان شد و با شینزو آبه، نخست وزیر این کشور دیدار کرد. به گزارش نیویورک تایمز، بسیاری بر این باورند که روابط دوستانه نخست وزیر جاپان با ایرانی ها از یک سو و با دولت ترمپ از سوی دیگر می تواند منجر به کاهش تنش ها میان دو کشور و گسترش روابط دیپلماتیک میان آن ها شود.

این دیدار دو روزه که اولین سفر رئیس جمهور ایران طی ۲۰ سال گذشته به جاپان بوده است، در حالی صورت می گیرد که حسن روحانی با چالش های بسیاری در داخل و خارج از کشور رو به رو است. تحریم های یک جانبه امریکا که مانع از فروش و صادرات نفت ایران می شود، پس از خروج ایالات متحده از توافق هسته ای، اقتصاد این کشور را دچار آسیب کرده است. علاوه بر تنش های منطقه ای، دولت ایران ماه گذشته با افزایش قیمت سوخت با ناآرامی های گسترده ای در داخل مواجه شد.

شبکه رادیویی NHK، به نقل از حسن روحانی گفته است: صلح و ثبات در خاورمیانه و خلیج فارس برای کشور ما بسیار مهم است و ایران از کمک همه کشورها از جمله جاپان در این زمینه استقبال می کند. روحانی، هم چنین در دیدار با نخست وزیر جاپان، گفته است: خروج یک جانبه امریکا از تفاهم نامه های بین المللی هم چون برجام، امنیت و صلح را در جهان تهدید می کند. ما امیدواریم که جاپان و دیگر کشورها برای حفظ این توافق تلاش کنند.

شینزو آبه نیز در دیدار با روحانی، گفت: انتظار داریم ایران هم از توافق نامه هسته ای پیروی کند و به تعهداتش برای حفظ صلح و ثبات در منطقه پایبند باشد. در مقابل جاپان نقش سازنده خود را برای جلوگیری از تنش در منطقه و ایجاد صلح و آرامش ایفا خواهد کرد.

چند ساعت بعد، حسن روحانی عکسی از خود و شینزو آبه را در حساب توئیتری اش به اشتراک گذاشت و نوشت: «ایران از هر طرحی که می تواند موجب افزایش تبادلات اقتصادی به ویژه در حوزه انرژی و افزایش صادرات و فروش نفت بشود، استقبال می کند. در راستای منافع ملی خود از هیچ گونه مذاکره و توافقی روی گردان نیستیم.» به عقیده بسیاری از تحلیل گران، با متوقف شدن روند تلاش های فرانسه برای حفظ برجام، حالا جاپان که معتمد هر دو کشور ایران و امریکا است می تواند نقش مهم واسطه را برای انجام مذاکرات ایفا کند.

به ادعای نیویورک تایمز، دیدار حسن روحانی و شینزو آبه در حالی انجام شد که مدت هاست ایران و امریکا سیگنال هایی که نشان دهنده تمایلات آن ها برای گفت و گو و مذاکره است، ارسال می کنند.

دو هفته پیش شهروند و محقق امریکایی محبوس در ایران، ژبائو وانگ آزاد و به امریکا بازگردانده شد. پس از انتشار این خبر، دونالد ترمپ در حساب توئیتری خود ضمن تشکر از ایران نوشت: «دیدید ما می توانیم با هم معامله کنیم!»

چندی پیش ویدیویی منتشر شد که در آن کلی کرافت نماینده امریکا در سازمان ملل متحد و همتای ایرانی اش مجید تخت روانچی پس از پایان نشست شورای امنیت با یکدیگر قدم می زنند. اگرچه بسیاری این موضوع را کم اهمیت جلوه می دهند، اما به نوشته نیویورک تایمز گفت و گوهایی از این دست در سال های اخیر میان دیپلمات های امریکایی و ایرانی در سازمان ملل به ندرت دیده می شود.

کازوو تاکاهاشی، استاد دانشگاه جاپان که در زمینه مسائل سیاسی در خاورمیانه مطالعه می کند، گفته است: حسن روحانی امیدوار است که با این دیدار نشان دهد، ایران هم چنان مورد احترام است و منزوی نیست و ممکن است بتواند امتیازاتی را از جاپان یا ایالات متحده به دست بیاورد.

بر اساس گمانه زنی های این استاد دانشگاه، رئیس جمهور ایران احتمالاً در تلاش است تا پیامی را از طریق شینزو آبه به دونالد ترمپ ارسال کند. با توجه به مبادله اخیر زندانی ها میان دو کشور احتمالاً حسن روحانی قصد دارد برای مذاکره با امریکا ابراز تمایل کند.

مقامات و رسانه ها در داخل ایران البته هدف از سفر روحانی به جاپان را حفظ امنیت خاورمیانه و آرام کردن تنش ها اعلام کرده اند.

علی ربیعی، سخنگوی دولت ایران، گفته است: «سفر رئیس جمهور ایران ربطی به مذاکره با ایالات متحده ندارد. در این سفر اما دوستان جاپانی ما ابتکار عمل هائی دارند که ما از آن ها استقبال می کنیم.» یک مقام دولتی جاپان، اما اعلام کرده است که دیدار با شینزو آبه به درخواست دولت اسلامی ایران صورت گرفته است.

به گفته کازوئو تاکاهاشی، ایران قصد دارد پیامی فوری و مهم را به دونالد ترمپ برساند. در عین حال، در داخل ایران، هواداران و مخالفان حسن روحانی هم به دنبال سیگنال هائی برای گشایش در روابط با امریکا هستند. این در حالی است که رهبری حکومت اسلامی ایران، علناً مذاکره با ایالات متحده را تا زمانی که تحریم ها در جریان باشد، نهی کرده است.

سقوط صادرات نفت خام و اوج گیری فروش محصولات نفتی ایران

آمارهای بین المللی حاکی از افت چشم گیر صادرات نفت خام ایران است، اما صادرات محصولات نفتی ایران به شدت افزایش یافته است.

بر اساس آمارهائی که شرکت اطلاعات انرژی و ردیابی نفتکش ها در اختیار رادیو فردا قرار داده است، صادرات روزانه نفت ایران از ۲.۵ میلیون بشکه در دوران قبل از تحریم ها به حدود ۳۰۰ هزار بشکه در ماه های گذشته سقوط کرده است، اما متوسط صادرات محصولات نفتی ایران در سال جاری به روزانه نیم میلیون بشکه اوج گرفته که ارزش آن به بیش از شش میلیارد دلار در سال می رسد.

مهم ترین محصولات نفتی صادراتی ایران نفت کوره و گاز مایع (الپیجی) است، البته ایران مقداری نیز گازوئیل و بنزین صادر می کند که عمدتاً به کشورهای همسایه (عراق و افغانستان) است و از طریق نفتکش ها حمل نمی شود. کپلر نفتکش ها را ردیابی می کند و آمارهائی که منتشر کرده صرفاً در رابطه با فروش نفت خام و محصولات نفتی ایران از طریق دریا است و شامل نفت کوره و گاز مایع می شود.

این گزارش می گوید، صادرات گاز مایع ایران در سال جاری میلادی به ۵ میلیون تن (روزانه ۱۶۲ هزار بشکه) رسیده است که نسبت به سال گذشته ۴ درصد افت داشته است. ارزش این میزان از گاز مایع در بازارهای بین المللی حدود ۱.۵ میلیارد دلار در سال است.

اما صادرات دیگر محصولات نفتی ایران که بخش اعظم آن نفت کوره بوده، در سال جاری نسبت به سال ۲۰۱۸ دو برابر شده و به ۲۹۰ هزار بشکه در روز اوج گرفته است. ارزش این میزان از محصولات، به ۴.۷ میلیارد دلار در سال بالغ می شود.

ایران پارسال حدود ۱۵۰ هزار بشکه و در سال ۲۰۱۷ حدود ۱۸۰ هزار بشکه در روز صادرات نفت کوره و گازوئیل از طریق دریا داشت.

بدین ترتیب، انتظار می رود ایران از محل صادرات دریائی محصولات نفتی در سال جاری میلادی حدود ۶.۲ میلیارد دلار درآمد داشته باشد.

تقریباً کل صادرات گاز مایع ایران راهی چین می شود و بخش اعظمی از نفت کوره و گازوئیل ایران راهی امارات و بقیه تحویل چین، مالزی، پاکستان و سنگاپور می شود.

برخلاف نفت خام، امریکا صادرات محصولات نفتی ایران را تحریم نکرده و دولت ایران در لایحه بودجه سال آینده انتظار دارد ۸۲ تریلیون تومان درآمد از محل صادرات محصولات نفتی داشته باشد که نسبت به قانون بودجه سال جاری تقریباً دو برابر شده است.

ایران می گوید صادرات بنزین را نیز طی ماه های گذشته آغاز کرده است و از طریق خشکی به عراق، پاکستان و افغانستان تحویل می دهد.

البته با وجود افزایش چشمگیر صادرات محصولات نفتی، فروش نفت خام ایران به شدت افت کرده و تنها بخش کوچکی از آن می تواند با فروش محصولات نفتی جبران شود.

امریکا ماه مه پارسال (اردیبهشت) از برجام خارج شد و تحریم های سختی علیه ایران به اجرا گذاشت.

بر اساس آمارهای اوپک، ایران قبل از تحریم ها روزانه ۲.۵ میلیون بشکه صادرات نفت خام داشت، اما پارسال به طور متوسط حدود یک میلیون و ۸۵۰ هزار بشکه صادرات نفت داشته است. صادرات محصولات نفتی ایران نیز ۲۷۱ هزار بشکه بوده است.

اوپک می گوید درآمد ایران از فروش این میزان از نفت و محصولات نفتی کمی بیش از ۶۰ میلیارد دلار بوده است. آمارهای کیپلر، نشان می دهد که میزان صادرات روزانه نفت خام ایران در سال جاری به طور متوسط حدود ۸۰۰ هزار بشکه بوده است و در ماه های پایانی سال به ۳۰۰ هزار بشکه سقوط کرده است.

البته نه تنها حجم صادرات نفت خام ایران به شدت سقوط کرده، قیمت نفت ایران نیز در سال جاری نسبت به پارسال بیش از ۱۲ درصد کاهش داشته و به حدود ۶۱ دلار رسیده است.

اگر ایران بتواند صادرات کنونی نفت خام را در همین سطح برای سال آینده ادامه دهد، احتمالاً حدود ۶.۵ میلیارد دلار درآمد داشته باشد.

نتایج تحقیقات بین المللی درباره حملات آرامکو به زودی به شورای امنیت ارایه می شود

رژ ماری دیکارلو معاون دبیرکل سازمان ملل در امور سیاسی و صلح، جمعه ۲۰ دسامبر ۲۰۱۹، اعلام کرد به زودی گزارش کمیته تحقیقات بین المللی درباره حملات به تاسیسات نفتی شرکت سعودی آرامکو به شورای امنیت سازمان ملل متحد ارائه خواهد شد.

هم زمان با آن مورگان اورتیگاس سخنگوی وزارت خارجه امریکا با تاکید دوباره موضع ایالات متحده بر ایستادگی در کنار پادشاهی عربی سعودی در برابر تهدیدهای تهران، یادآور شد که واشینگتن حمایت های کامل و ضروری را از سعودی در برابر هر گونه تعدی ایران به عمل خواهد آورد.

این در حالی است که بنا به گزارش خبرگزاری رویترز، یک گزارش امریکا درباره حملات اخیر به تاسیسات نفتی آرامکو سعودی با استناد به نتایج بررسی قطعات اسلحه به کار رفته در این حملات و ارائه شواهد جدیدی، وجه تشابه های نوع پهبادهائی که برای حمله به تاسیسات سعودی در ۱۴ سپتامبر ۲۰۱۹ به کار رفته اند، را با یک پهباد طراحی و ساخت ایران مشخص کرده است.

در ادامه این گزارش آمده که تجزیه و تحلیل بقایای اسلحه به کار رفته در این حملات، نشان داد که حملات آرامکو از سمت شمال صورت گرفته است.

رویترز پیش از این و در ماه گذشتهد جزئیات یک توطئه ایرانی به رهبری علی خامنه ای علیه پادشاهی عربی سعودی را فاش کرد.

در آن زمان این آژانس خبری اعلام کرد که چهار ماه قبل از حمله پهبادی به تاسیسات نفتی آرامکو سعودی، مقامات امنیتی ایران در یک مکان به شدت حفاظت شده در تهران گردهم آمدند.

تعدادی از فرماندهان ارشد سپاه که تخصص آن ها توسعه موشکی و عملیات مخفی بود، نیز در این نشست حاضر بودند.

موضوع اصلی نشست ماه می، چگونگی واکنش به خروج امریکا از برجام و از سرگیری تحریم ها علیه ایران بود، به ویژه که این دو اقدام ضربات جدی به حکومت اسلامی وارد کرده بود.

«فکر می کنید می شود توافق اتمی با ایران را نجات داد؟»

خانم ورسولا فون در لین، رئیس جدید کمیسیون اروپا در مصاحبه مفصل به پرسش روزنامه ایتالیایی «رپوبلیکا» در این مورد که «فکر می کنید می شود توافق اتمی با ایران را نجات داد؟» نیز پاسخ داد.

رئیس کمیسیون اروپا می گوید نجات برجام «سخت تر و سخت تر شده است؛ برای نجاتش ایران هم لازم است به آن پایبند بماند، چیزی که در یک خطر فزاینده قرار گرفته است.» اما او وارد جزئیات نشده و اظهار نظر بیش تری در این مورد نکرده است.

توافق هسته ای ایران و قدرت های بزرگ جهان که به آن برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) هم گفته می شود، سال ۲۰۱۵ میان ایران و کشورهای عضو گروه ۵+۱ متشکل از امریکا، بریتانیا، فرانسه، روسیه و چین، پنج کشور عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد به علاوه المان منعقد شد. برپایه این توافق، در برابر محدود شدن برنامه هسته ای ایران، تحریم های اعمال شده بین المللی علیه این کشور لغو یا تعلیق شد.

هشتم ماه مه سال ۲۰۱۸، دونالد ترامپ رئیس جمهور امریکا، اعلام کرد که از برجام خارج می شود و نه فقط تحریم های قبلی را باز می گرداند، بلکه تحریم های جدید علیه ایران را نیز اعمال خواهد کرد و به دنبال آن، تحریم های واشنگتن علیه ایران احیا و تشدید شدند. امریکا تلاش می کند دیگر کشورها نیز ایران را تحریم کنند.

حکومت اسلامی ایران، اردیبهشت ماه ۱۳۸۸، در نخستین سال گرد خروج یک جانبه امریکا از توافق هسته ای، اعلام کرد در پاسخ به بازگشت تحریم های امریکا و عدم تحقق وعده های کشورهای باقی مانده در توافق برای جبران آثار منفی این تحریم ها، به مرور تعهد خود را به توافق هسته ای کاهش می دهد. تهران تا به حال چهار بار تعهدات برجامی خود را کاهش داده است.

الجزایر

در الجزایر، که مورد بی توجهی رسانه های بین المللی قرار گرفت، اعتراضات از ماه فوریه ۲۰۱۹ در جریان بوده است. معترضان خواستار تعویق انتخابات ریاست جمهوری و سرنگونی کل حکومت بودند.

چیلی

سباستین پینی یرا، رئیس جمهور میلیاردر چیلی چند ساعت پس از اعلام حکومت نظامی و فرستادن ارتش به خیابان ها به تلویزیون آمد و به شهروندان یادآوری کرد که چیلی جزیره ثباتی در میانه قاره ای بحران زده است و «رویه هائی که رفاه و شکوفائی کشور را تضمین می کنند چندان محبوب و مورد پسند همه نیستند.»

در حالی که او، یک روز قبل از آغاز اعتراضات، با افتخار کشورش را جزیره ثباتی در امریکای لاتین خوانده بود. او در مصاحبه با فایننشیال تایمز گفته بود: «ما حاضریم هر کاری انجام دهیم تا به ورطه پوپولیسم و عوام فریبی سقوط نکنیم.»

روز بعد از این مصاحبه، معترضان، در جریان جدی ترین خیزش مردمی چیلی طی دهه های گذشته، کارخانه ها را به تعطیلی کشاندند، ایستگاه های مترو را به آتش کشیدند و به سوپرمارکت ها حمله کردند، و نهایتاً رئیس جمهور را وادار به لشکرکشی به خیابان ها کردند. ده ها نفر کشته شدند، و پینرا که آشکارا عصبی و گیج بود از «جنگ علیه دشمنی قدرتمند و سرسخت» صحبت کرد.



به نظر الیویه کومپینون، تاریخ نگار، خشم عمومی در چیلی ریشه در شکاف میان رشد اقتصادی بالا و نابرابری های اجتماعی فاحش ریشه دارد. چیلی اولین کشوری است که دستورالعمل های دکترین نئولیبرالی تجویز شده از سوی مکتب شیکاگو در آن به کار بسته شد. در زمان دیکتاتوری ژنرال پینوچیت، شاگردان میلتن فریدمن (اقتصاددان امریکائی، برنده جایزه نوبل ۱۹۷۹ و مدافع پرشور نئولیبرالیسم) مسؤولیت یافتند کشور را با پیاده سازی سیاست های مبتنی بر خصوصی سازی، کاهش نقش دولت و آزادسازی کمابیش کامل اقتصاد اصلاح کنند.

چیلی در واقع از نظر میزان نابرابری در منطقه به اتفاق برزیل در جایگاه اول قرار دارد. خیزش مردمی فعلی نتیجه چهل سال عملکرد نئولیبرالی است.

سباستین پینی یرا، رئیس جمهوری چیلی یکی از خواسته های اصلی تظاهر کنندگان برای برگزاری یک همه پرسی در باره قانون اساسی جدید این کشور را پذیرفته اما این باعث نشده تا دور جدید تظاهرات ضد دولتی از روز گذشته آغاز نشود.

در همه پرسی از رای دهندگان سؤال خواهد شد که آیا آن ها خواهان جایگزین شدن قانون اساسی فعلی هستند که زمان حکومت آگوستو پینوچیت، دیکتاتور سابق این کشور تهیه شده یا نه.

تظاهرات در اعتراض به افزایش قیمت بلیط مترو آغاز شد. دولت این افزایش قیمت را لغو کرد اما تظاهرات پایان نگرفت.

چیلی یکی از ثروتمندترین کشورهای منطقه امریکای لاتین است اما این کشور در زمینه نابرابری اقتصادی هم پیش تاز است.

تظاهرات ضد دولتی در چیلی دو ماه پیش آغاز شد.

مصر

مدت کوتاهی پس از آن که پولیس مصر هزاران نفر از تظاهر کنندگان در این کشور را در ماه سپتامبر ۲۰۱۹ دستگیر کرد، وزیر دارائی مصر با شکوه و افسوس، ادعا کرد که «مردمان عادی متوجه ثمرات اصلاحات اقتصادی نشده اند.»

هند

شمار کشته شدگان اعتراضات به قوانین جدید اعطای شهروندی در هند به دست کم ۲۳ نفر رسیده است. پولیس تانید کرده شماری از معترضان با شلیک مستقیم گلوله کشته شده اند، اما می گوید تیراندازی کار نیروهای پولیس نیست. در روز شنبه ۳۰ آذر ماه، تنها در ایالت شمالی اوتار پرادش دست کم ۹ تن در جریان درگیری ها با نیروهای پولیس جان خود را از دست دادند.

روزنامه سراسری هندو می گوید شمار کشته شدگان در اوتار پرادش به دست کم ۱۶ تن رسیده است. پروین کومار، سخنگوی پولیس اوتار پرادش، گفته بیش تر جان باختگان را جوانان تشکیل می دهند، اما مدعی شده کشته شدن آن ها «کار پولیس نبود».



به گزارش اسوشیتدپرس کومار افزوده که «برخی از آن ها با شلیک گلوله کشته شده اند، اما پولیس شلیک نکرده، ما فقط از گاز اشک آور برای متفرق کردن جمعیت بهخشم آمده استفاده می کنیم.»

اعتراضات در ایالت های بنگال غربی، آسام، ماهاراشترا، و پایتخت، دهلی نو، بدون خشونت های گسترده جریان داشته است.

موج اعتراضات اخیر در هند، بزرگ ترین و گسترده ترین اعتراضات علیه دولت نارندرا مودی، نخست وزیر آن کشور، و حزب «مردم هند»، حزب هندوگرای حاکم بر این کشور به شمار می رود. مودی و حزب او در انتخابات ۲۰۱۴ قدرت را در دست گرفتند و در انتخابات ۲۰۱۹ نیز صاحب پیروزی گسترده ای در این کشور شدند.

قوانین جدید برای اعطای شهروندی به مهاجران و پناهجویان، شامل آن دسته از اقلیت ها، هندوها، بوداییان، مسیحیان و دیگر شهروندانی می شود که می توانند ثابت کنند به خاطر باور خود، در کشورهایی با اکثریت مسلمان، پاکستان، بنگلادش و افغانستان، تحت تعقیب، مجازات یا آزار و اذیت قرار دارند. این قانون شامل مسلمانان نمی شود.

منتقدان در خود هند اما می گویند این قانون یکی از مهم ترین ارکان قانون اساسی و اجزای تشکیل دهنده هند معاصر، یعنی رکن سکولار بودن آن را زیر پا گذاشته است. شماری در حدود ۲۰۰ میلیون تن از شهروندان هندی مسلمان

هستند، و دولت مودی در مواردی به نادیده گرفتن حقوق آن‌ها متهم شده است. مودی اما این اتهام‌ها را رد کرده و هم چنین می‌گوید قوانین تازه اعطای شهروندی با اهداف «انسان دوستانه» طرح شده است.

اوتار پرادش که خشونت‌های گسترده‌ای در آن رخ داده، ایالتی ست که در کنترل حزب مردم هند، حزب نارندرا مودی قرار دارد. نیروهای ضد تروریستی در مناطق مختلف ایالت مستقر و اینترنت برای دست کم ۴۸ ساعت قطع شده است. البته قطع اینترنت در هند تازگی ندارد؛ در منطقه کشمیر هند قطعی اینترنت بیش از سه ماه است که ادامه دارد.

لبنان

در لبنان، نخست وزیر، سعد حریری، که از رسوائی اخیر در خصوص دادن هدیه‌ای ۱۶ میلیون دلاری به یک مدل بیکی‌جان سالم به در برده بود، از اعمال مالیات بر تماس‌های واتس‌آپ خبر داد و همین سبب شد تا شورش بزرگی لبنان را فرا بگیرد.

ده‌ها سال نارضایتی از نابرابری، رکود و فساد دولتی، نهایتاً فوران کرد، و پای یک چهارم از جمعیت لبنان را به تظاهرات‌های ضد دولتی و سردادن شعار «انقلاب!» کشانید.

لبنان با یکی از بالاترین میزان‌های بدهی عمومی و نرخ‌های بیکاری در جهان، از فراهم کردن خدمات عمومی پایه‌ای نظیر برق، آب آشامیدنی سالم یا خدمات اینترنتی قابل اعتماد ناتوان است.

تدابیر ریاضتی، حتی طبقه متوسط را تضعیف کرده است، در حالی که ثروتمندان که بسیاری از آن‌ها سیاست‌مدار هستند و ۱/۰ درصد از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند. آن‌ها یک دهم از درآمد ملی کشور را به جیب می‌زنند، که بخش عمده آن با وجود منتقدان از غارت منابع کشور حاصل می‌شود.

پس از تداوم اعتراضات، سعد حریری مالیات برنامه‌ریزی‌شده را کنار گذاشت، و بسته اصلاحی شتاب زده‌ای را برای نجات اقتصاد راکد کشور ارائه و وعده داد تا اعتماد عمومی را مجدداً به دست آورد.

میشل عون، رئیس جمهوری لبنان روز پنج‌شنبه ۱۹ دسامبر - ۲۸ آذر و پس از ساعت‌ها رایزنی میان جناح‌های سیاسی برای انتخاب نخست وزیر جدید، حسن دیاب وزیر آموزش و پرورش پیشین این کشور و نامزد مورد حمایت حزب الله را به عنوان نخست وزیر جدید لبنان منصوب کرد. حسن دیاب که توانست حمایت اکثریت ۱۲۸ نماینده پارلمان لبنان را که در دست حزب الله و متحدان آن است کسب کند، به جای سعد حریری می‌نشیند که اواخر ماه اکتبر تحت فشار تظاهرات خیابانی از سمت خود استعفا داد.

بدین ترتیب، حسن دیاب با اکثریت آرای پارلمان لبنان که ۱۲۸ کرسی دارد، به مقام نخست وزیری این کشور رسید.

حسن دیاب با حمایت شیعیان لبنان، یعنی حزب الله و متحدان آن مانند حزب امل و حزب مسیحی لبنان، یعنی جریان «میهنی آزاد» که موسس آن میشل عون است و روابط بسیار نزدیکی با حزب الله لبنان دارد، به مقام نخست وزیری لبنان رسید.

این سه حزب سیاسی لبنان مجموعاً بیش از ۷۰ کرسی پارلمان لبنان که ۱۲۸ کرسی دارد را در اختیار دارند.



حسن دیاب در حالی نخست وزیر جدید لبنان می شود که تظاهرات مخالفان دولت لبنان کماکان ادامه دارد و این کشور با وخیم ترین بحران اقتصادی از زمان جنگ داخلی رو به رو شده است. سعد حریری، نخست وزیر پیشین لبنان ۲۹ اکتبر گذشته در مواجهه با تظاهرات گسترده علیه نخبگان کشور استعفا داد.

عربستان سعودی

در عربستان سعودی، که به دلیل ترس از سرکوب دولتی، اعتراض عمومی در آن عملاً غیرقابل تصور می نمود، اما عصیان و شورش نادری بر سر افزایش ۱۰۰ درصدی مالیات روی قبض رستوران های عرضه کننده قلیان به راه افتاد و هشتگ آن در عربستان تبدیل به ترند شد.

هنگ کنگ

در بزرگ ترین تظاهرات ضددولتی ماه های اخیر صدها هزار نفر در خیابان های هنگ کنگ راه پیمائی کرده اند. این اولین بار از ماه اوت بود که پولیس به «جبهه حقوق بشر مدنی» که یک گروه دمکراسی خواه است مجوز راه پیمائی می داد.

سازمان دهندگان شمار شرکت کنندگان در این تظاهرات را ۸۰۰ هزار نفر و پولیس شمار آن ها را ۱۸۳ هزار نفر تخمین زده است.

پولیس گفت که پیش از این راه پیمائی در یورش هائی ۱۱ نفر را دستگیر و یک سلاح کمری را ضبط کرده است. اعتراضات هنگ کنگ شش ماه پیش در روز ۹ ژوئن بر سر یک لایحه جنجالی استرداد مظنونان به چین شروع شد و اکنون به یک جنبش بزرگ ضددولتی تبدیل شده است.

یک مادر ۴۰ ساله به نام «جون» که در تظاهرات ویکتوریا پارک شرکت کرده بود گفت: «من تا پای مرگ برای آزادی ایستاده ام.»

دولت هنگ کنگ در بیانیه ای خواستار آرامش شد و گفت که از اشتباهات «درس عبرت گرفته و با تواضع به انتقادات گوش خواهد سپرد و آن را خواهد پذیرفت.»

در پایان راه پیمائی یکشنبه دولت گفت که به دنبال «یافتن راهی برای خروج از مشکلات عمیق هنگ کنگ از طریق دیالوگ است.»

سازمان دهندگان این تظاهرات گفتند که این آخرین فرصت دولت برای رسیدگی به درخواست های آن ها از جمله تحقیقات مستقل درباره برخورد پولیس با معترضان، عفو بازداشتی ها و انتخابات آزاد است.

در ماه های اخیر درگیری میان پولیس و معترضان، معترضان بیش از پیش رادیکال شده اند.

از ماه ژوئن تاکنون حدود شش هزار نفر دستگیر و صدها نفر از جمله مأموران پولیس زخمی شده اند.

هنگ کنگ از زمان پیروزی گسترده نامزدهای دمکراسی خواه در انتخابات چند هفته پیش شوراهاى محلی، نسبتاً آرام بوده است.



با این حال نارضایتی از کری لم، مدیر اجرایی دولت محلی هنگ کنگ، فروکش نکرده و معترضان خواهان امتیاز بیش تر از دولت او هستند.

یک معترض ۵۰ ساله که خود را وانگ معرفی کرد به خبرنگاری فرانسه گفت: «ما از طریق تظاهرات صلح آمیز، انتخابات مدنی و سایر شیوه ها دیدگاه های خود را بیان می کنیم ولی دولت گوش شنوا ندارد.»

یمن

بحران سیاسی یمن، وقتی آغاز شد که در ادامه موج «بهار عربی»، مردم در سال ۲۰۱۱ به خیابان آمدند. اصلاحات و تغییرات ناچیز و بی اثر نتوانست پاسخ گوی نیازهای سیاسی مردم معترض باشد. خیلی زود کشور در حالت شوک و بیم قرار گرفت. دولت انتقالی نیز نتوانست نظم و قانون را برقرار کند.

عیسی بلومی، در کتاب «ویران سازی یمن»، نشان می دهد، درست همان زمانی که وضعیت سیاسی و اقتصادی رو به وخامت گذاشته بود، حکومت انتقالی زیر فشار قرار داشت تا موسسات و شرکت های دولتی را به سرمایه گذاران خارجی بفروشد. به نام جلوگیری از ریاضت اقتصادی و به عنوان شرط اعطا وام و اعتبار، صندوق بین المللی پول سیاست های «تجارت آزاد» را برای یمن تجویز کرد که اجازه می داد سرمایه گذاران خارجی سعودی و قطری ارزشمندترین دارائی های کشور، از جمله پالایشگاه های نفت آن را بخرند. در همین راستا، عربستان سعودی مستقیماً دو میلیارد دلار را در بانک مرکزی یمن سپرده گذاری کرد. اخیراً همین اتفاق در مورد سودان افتاده و ریاض ۲۵۰ میلیون دلار را به حساب بانک مرکزی این کشور منتقل کرده است.

در هر حال، برای برخی گروه های یمنی، از جمله حوثی ها، چنین معامله ای غیرقابل قبول بود. و وقتی این گروه در سال ۲۰۱۴-۲۰۱۵ به قدرت رسید، قرارداد را برهم زد؛ امری که خشم نئولیبرال ها و مدافعان منطقه ای آن ها را که در آستانه کنترل منابع اقتصادی حیاتی این کشور بودند، برانگیخت.

آن چه در ادامه اتفاق افتاد فاجعه بود: جنگ داخلی خون بار از سال ۲۰۱۵ و در ادامه مداخله عربستان و متحدان منطقه ای اش، تحت پوشش «جنگ علیه ترور.»

در موگادیشو در سومالی، دست کم ۹۰ تن کشته شده و ده ها تن هم زخمی شدند.

در جریان انفجار یک خودروی بمب گذاری شده در نزدیکی ایستگاه بازرسی در موگادیشو در سومالی، دست کم ۹۰ تن کشته شده و ده ها تن هم زخمی شدند.

خبرگزاری رویترز روز شنبه هفتم دی ماه - ۲۷ دسامبر، گزارش داد به گفته سازمان های بین المللی حاضر در سومالی، این یکی از مرگ بارترین حملات در جریان حمله های نظامی اخیر محسوب می شود.

وزارت خارجه سومالی اعلام کرد شماری دانش آموز و هم چنین دو شهروند ترکیه در این انفجار کشته شدند. روبرتز به نقل از منابع خود در سومالی می گوید آمار کشته شده ها از ۹۰ تن بالاتر است. یکی از نمایندگان پارلمان سومالی در توثیتی اعلام کرد بیش از ۹۰ تن از جمله ۱۷ نیروی پولیس کشته شده اند. خبرگزاری آسوشیتدپرس ولی آمار کشته ها را ۷۸ تن ذکر کرده است. این گزارش می گوید چنین حملاتی به طور معمول از سوی گروه تروریستی الشباب روی می دهد.

لیبیا

لیبیا به میدانی برای جنگ های نیابتی تبدیل شده است. لیبیا به جولانگاه تروریسم دولتی و غیردولتی تبدیل شده است. در این کشور دو دولت وجود دارد: دولت وحدت ملی لیبیا که از سوی جامعه جهانی به رسمیت شناخته شده و نیروهای ارتش ملی لیبیا که تحت رهبری خلیفه حفتر، ژنرال بازنشسته می جنگند. جنگ در زمین و آسمان در لیبیا ادامه دارد و قدرت های جهانی و منطقه ای تلاش می کنند بر نفوذ خود برای استفاده از منابع زیرزمینی این کشور بیفزایند.

غسان سلامه، فرستاده ویژه سازمان ملل در امور لیبیا گفته است که درگیری های نظامی در حومه طرابلس طی روزهای گذشته به سمت مناطق شهری کشیده شده است. نیروهای تحت فرمان ژنرال بازنشسته ارتش، خلیفه حفتر که خود را «ارتش ملی لیبیا» می خوانند به پیشروی به سمت طرابلس ادامه می دهند و در چند روز گذشته با پشتیبانی روسیه پیشروی این نیروها به سوی پایتخت لیبیا سرعت گرفته است.

هم زمان با پیشروی نیروهای خلیفه حفتر دولت وحدت ملی لیبیا که از سوی جامعه جهانی به رسمیت شناخته می شود در ۲۷ نوامبر دو توافق نامه دریائی و همکاری امنیتی و نظامی با ترکیه امضاء کرد.

رجب طیب اردوخان، رئیس جمهور ترکیه بعد از امضای این قرارداد در دهم ماه دسامبر اعلام کرد که در صورت درخواست لیبیا، نیروی نظامی به این کشور اعزام خواهد کرد.

روز دوشنبه ۲۵ آذر - ۱۶ دسامبر، کمیسیون امور خارجی پارلمان ترکیه پیش نویس لایحه مربوط به توافق نامه همکاری نظامی و امنیتی کشور با لیبیا را تصویب کرد.

فائز السراج، رئیس شورای ریاستی دولت وحدت ملی لیبیا نیروهای خلیفه حفتر را جنایت کار می داند. ژنرال خلیفه حفتر هم نیروهای دولت وحدت ملی لیبیا را اسلام گرا توصیف می کند. جنگی نیابتی بین نیروهای دو طرف درگرفته است، در یک طرف روسیه، فرانسه، عربستان سعودی، امارات و مصر قرار گرفته اند که از ژنرال حفتر حمایت می کنند. امریکا در ماه آوریل که نیروهای ژنرال حفتر به طرابلس حمله کرده بودند از این اقدام استقبال کرد اما بعد از آن خواستار پایان بخشیدن حملات نیروهای حفتر و دخالت روسیه شد.



حمله حفتر که در ماه آوریل آغاز شد، عملاً نتیجه‌ای نداده است اما به گفته برخی از کارشناسان در روزهای گذشته بیش از ۱۰۰ نیروی روس با تسلیحات مدرن به کمک ژنرال حفتر شتافتند و پیشروی حاصل شده است. ترکیه و قطر در مقابل نیروهای حفتر از دولت و وحدت ملی لیبیا که مورد حمایت جامعه جهانی است حمایت می‌کنند. قرارداد لیبیا و ترکیه می‌تواند موضع آنکارا را در بخش شرقی مدیترانه در کشف و استخراج گاز تقویت کند. رسانه‌های ترکیه نوشتند که ارتش این کشور اکنون آماده شده است نیروی نظامی، پهپاد، خودروهای نظامی و تانک به لیبیا اعزام کند و روسیه را نیز تحت تاثیر این اقدام خود قرار دهد. اردوخان هفته گذشته در گفت و گوی تلفنی با ولادیمیر پوتین تلاش کرد او را قانع کند تا از نیروهای حفتر حمایت نکند اما این اقدام او بی نتیجه بود. آنگلا مرکل، صدراعظم آلمان قصد دارد برای جلوگیری از وخامت اوضاع و ایجاد زمینه گفت و گوهای صلح میان طرف‌ها در لیبیا اقدام کند. روسیه نیز از نقش میانجی‌گری آلمان و سازمان ملل در مسأله لیبیا اعلام حمایت می‌کند.

سختگوی ارتش ملی لیبیا: برای آغاز نبرد در خیابان‌های اصلی طرابلس آماده می‌شویم

احمد المسماری سخنگوی ارتش ملی لیبیا، شام‌گاه جمعه ۲۷ دسامبر ۲۰۱۹ با بیان این‌که نیروهای ویژه ارتش برای ورود به جنگ در خیابان‌های اصلی در پایتخت آماده می‌شوند، اعلام کرد که نبرد بازپس‌گیری طرابلس در ساعات‌های آینده وارد مراحل سرنوشت‌سازی خواهد شد.

المسماری در گفت و گوی تلفنی با «العربییه» افزود: «مناطق استراتژیکی را در مسیر فرودگاه طرابلس به کنترل خود درآورده و درگیری‌های سختی را در مراحل پایانی برای آزادسازی طرابلس انجام داده‌ایم.» المسماری، هم‌چنین اعلام داشت که شبه‌نظامیان وابسته به الوفاق در وسط مناطق مسکونی در طرابلس تمرکز یافته‌اند. او هم‌چنین پراکنده شدن ده‌ها تن از اجساد کشته‌شدگان الوفاق در مسیر فرودگاه طرابلس را تأیید کرد. او در ادامه افزود که از آغاز درگیری‌ها در ۴ آوریل گذشته تاکنون تعداد کشته‌شدگان الوفاق به نزدیک به ۹۴۰ تن رسیده است.

المسماری افزود، ارتش ملی لیبیا حتی یک متر از سرزمین‌های تحت کنترل خود را در درگیری با شبه‌نظامیان الوفاق از دست نداده است.

او گفت که کنترل ارتش لیبیا از سه راهی صلاح الدین تا تقاطع النعاجی ادامه یافته است.

ساعاتی قبل ارتش ملی لیبیا ضمن اعلام این‌که در نبرد با شبه‌نظامیان و نیروهای وابسته به الوفاق کنترل مسیر فرودگاه و پادگان استراتژیکی النقلیه در طرابلس را به دست گرفته است، گفت که نیروهایش تنها ۴ کیلومتر با قلب طرابلس پایتخت فاصله دارند.

به گزارش العربیه سرلشکر خالد المحجوب مدیر اداره عقیدتی سیاسی در ارتش ملی لیبیا تأکید کرد که نیروهای ارتش با به دست گرفتن کنترل مسیر فرودگاه و پادگان استراتژیکی النقلیه در طرابلس به قلب پایتخت نزدیک شده و تا مرکز این شهر تنها ۴ کیلومتر فاصله دارند.



المحجوب در گفت‌وگو با العربیه گفت: «نیروهای ارتش پایتخت را از چهار محور محاصره و مسیر فرودگاه را به کنترل خود درآوردند. او در ادامه گفت که نیروهای ارتش هم چنین گروهی از شبه نظامیان وابسته به دولت الوفاق به فرماندهی محمد الشریف را کشته اند. او هم چنین افزود که نیروهای ارتش، اتاق عملیات جنگی وابسته به شبه نظامیان تندرو الفاروق را منهدم کردند.»

المحجوب پیش از این نیز در گفت و گو با العربیه گفته بود که اعزام نیروهای ترکیه ای از سوی اردوخان به لیبیا ماجراجویی حساب نشده ای است.

ترکیه و جنگ داخلی لیبیا؛ جنگ جویان سوری در طرابلس چه می خواهند؟

حضور شماری از جنگ جویان سوری در لیبیا، جنگ داخلی این کشور را وارد مرحله تازه ای کرده است. در روزهای اخیر، ویدیوهایی در شبکه های اجتماعی منتشر شده که در آن شماری از جنگ جویان سوری اعلام می کنند وارد لیبیا شده اند.

هم چنین گزارش هایی از حضور شماری از نیروهای «ارتش آزاد سوریه» و آغاز مبارزه زمینی آن ها با نیروهای مخالف دولت در لیبیا رسیده است.

در ویدئویی دیگر، یک جنگ جوی سوری در لیبیا می گوید: «ارتش آزاد سوریه در لیبیا است تا از اسلام دفاع کند.» این در حالی است که دولت ترکیه آماده می شود تا برای پشتیبانی از دولت «فائز سراج»، که از سوی جامعه جهانی به رسمیت شناخته شده، به لیبیا نیروی نظامی گسیل کند.

در همین رابطه رامی عبدالرحمان، رئیس دیده بان حقوق بشر سوریه اعلام کرد ترکیه تا کنون «حدود ۵۰۰ ترکمن اهل سوریه» را برای اعزام به لیبیا به کار گرفته است. وی افزود ترکیه «در حال جذب نیرو از میان تمامی گروه های مخالف دولت» سوریه است.

عقیده صالح، رئیس مجلس کنونی لیبیا حرکت اخیر دولت ترکیه را «ناپذیرفتنی» و دخالت در امور داخلی همسایگان بر شمرد. وی خواستار آن شد که جامعه جهانی مشروعیت دولت کنونی لیبیا را که پیوند نزدیکی با ترکیه دارد انکار کند.

او تصریح کرد که فائز سراج، نخست وزیر کنونی لیبیا «مجاز نیست به تنهایی و بدون رای اکثریت اعضای شورای ریاست جمهوری و تأیید مجلس، توافقی را درباره نحوه اداره کشور امضاء کند.»

صالح که در قبرس سخن می گفت خطاب به اتحادیه اروپا افزود: «اکنون زمان تشکیل دولتی تازه است که مردم و مجلس لیبیا پشتیبان آن باشند.»

از سوی دیگر جوزپه کونته، نخست وزیر ایتالیا در این زمینه گفت از ترکیه خواسته است تا از ارائه راه حل نظامی برای بحران لیبیا پرهیز کند.

کونته که هفته گذشته درباره لیبیا با رجب طیب اردوخان، رئیس جمهوری ترکیه به شکل تلفنی گفت و گو کرده بود به خبرنگاران گفت «جنگ نیابتی» در لیبیا فقط «چنددستگی شدید» موجود در منطقه را بدتر خواهد کرد.

ترکیه در سال های اخیر، تلاش داشته تا خود را به عنوان قدرتی منطقه ای در حوزه دریای مدیترانه، و از سوریه تا لیبیا مطرح کند.

رجب طیب اردوخان دیکتاتور ترکیه اعلام کرد، این کشور به لیبیا نیرو اعزام خواهد کرد. ه، از پارلمان ترکیه خواست در ماه ژانویه و پس از باز شدن پارلمان طرح اعزام نیرو به لیبیا را تصویب کند.

ماه گذشته آنکارا دو توافق جداگانه با دولت وفاق ملی لیبیا تحت حمایت سازمان ملل امضاء کرد. این توافق ها یکی شامل همکاری نظامی و امنیتی و دیگری تعیین و حفاظت از مرزهای آب های مدیترانه شرقی می شود.

اردوخان روز پنج شنبه ۲۶ دسامبر در جمع اعضای حزیش گفت، آن ها با دعوت دولت وفاق به لیبیا نیرو اعزام می کنند و او از پارلمان می خواهد در ماه ژانویه طرح اعزام نیرو به لیبیا را تصویب کنند.

خبرگزاری آناتولی متعلق به دولت ترکیه، گزارش داد که اردوخان لیبیا را «امانت عثمانی و مصطفی کمال آتاتورک» دانسته و گفته است که حکومتش بر روی مشارکت قطر، تونس، و الجزیره در کنفرانس برلین در خصوص لیبیا حساب باز کرده است.

سیاست های جنگ طلبانه و تجاوزکارانه دولت ترکیه

دولت و ارتش ترکیه در داخل و خارج کشور، هم چنان سرگرم عملیات جنگی علیه کردهای سوریه و «حزب کارگران کرد ترکیه» (PKK) است.

ترکیه به برخی هدف های جنگ طلبانه خود در شمال شرقی سوریه دست یافته است. توافق های جداگانه ای که بین دولت ترکیه و امریکا و روسیه انجام شد، برایش یک «کمر بند» امنیتی به طول ۱۲۰ و عرض ۳۰ کیلومتر، بین شهرهای «تل ابیض» و «راس العین» ایجاد کرده است. برای حکومت ترکیه، دور کردن کردها از مرزهای امری حیاتی بود.

پس از سقوط امپراتوری عثمانی، ترک ها در جنگ استقلال (۱۹۲۱-۱۹۱۹) علیه یونانی ها پیروز شدند و نیروهای متفق فرانسوی، انگلیسی و ایتالیایی را به عقب راندند و با این کار مانع از اجرای «توافق سور» در سال ۱۹۲۰ شدند. در آن توافق ایجاد یک ارمنستان بزرگ و کردستان در شرق و نیز گسترش یونان به سوی غرب پیش بینی شده بود. این ها تصمیم هائی بود که ترکیه را کوچک تر می کرد. مرز جنوبی ترکیه نیز در توافق «سایکس-پیکو» تعیین شده بود که خاور نزدیک و میانه را بین فرانسه و انگلستان تقسیم کرده بود.

در ۱۹۲۳، در پی کسب پیروزی های نظامی، دولت ملی گرای ترکیه به رهبری مصطفی کمال (آتاتورک) توافقی در «لوزان» امضاء کرد که در آن ترکیه ای جدید و سازمان دهی و جا به جایی مردم برای یک دست کردن سرزمین ها، پیش بینی شده بود. با این همه، در سال ۱۹۲۶ بود که این کشور در عهدنامه انگلیس-عراق-ترکیه، عراق را به رسمیت شناخت و از مطالبات خود در مورد «ولایت موصل» (تحت اداره امپراتوری عثمانی) دست برداشت. ماده ۱۰ این عهدنامه مقرر می داشت که یک «حریم ۷۵ کیلومتری در این و آن سوی مرزها ایجاد شود که در آن حکومت ها می باید از اقدام های خصمانه علیه همسایه خودداری کنند.»



ترکیه با تکیه بر این عهدنامه بارها در کردستان عراق، به ویژه منطقه تحت کنترول «حزب دموکرات کردستان عراق» (PDK) مداخله نظامی کرده و ارتش ترکیه در آن مانند کشور تحت اشغال رفتار می کند. مقام های ترکیه، گفته اند که در صورت نقض یکپارچگی عراق، این عهدنامه را ملغی خواهند دانست. بر مبنای این امر در سال ۱۹۹۰، در زمان اشغال کویت توسط عراق، آنکارا به طور جدی در نظر داشت منطقه های موصل و کرکوک را به خاک خود ملحق کند. چند سال بعد، رئیس جمهوری وقت ترکیه، سلیمان دمیرل با تکیه بر ملی گرائی حاکم خواست خود در مورد «گسترش مرز تا دامنه کوهستان» را اعلام کرد. این امر در واقع موصل را به ترکیه ملحق می کرد. در سال ۲۰۰۴، با استفاده از اشغال عراق توسط ارتش امریکا، آنکارا «ولایت موصل» را مطالبه کرد. ترکیه این منطقه را به دست نیاورد ولی، سه سال بعد، توانست این حق را به دست آورد که در شمال عراق به عملیات نظامی بپردازد.

در سال ۱۹۹۸ ترکیه به تجمیع نیروها در مرز سوریه پرداخت و به دمشق که از سال ها پیش به PKK جا داده بود فشار وارد کرد. حافظ اسد از این فشارها مرعوب شد و PKK و رهبر آن عبدالله اوجلان را اخراج کرد. او در حین جست و جوی کشوری برای پناهندگی سیاسی، در کنیا توسط «تشکیلات ملی امنیتی» (MIT) دستگاه امنیتی مخفی ترکیه با کمک سازمان های «سیا» امریکا و «موساد» اسرائیل دستگیر شد.

در این میان، رجب طیب اردو خان، تداوم یک امپریالیسم (سلطه گری) ترک یا نئو عثمانی را دید.

در واقع از سرگیری جنگ با «حزب کارگران کرد ترکیه» (PKK) در سال ۲۰۱۵، رجب طیب اردو خان در مراسم بزرگ داشت آتاتورک در سال ۲۰۱۶، سخنرانی کرد و مدعی شد: «ترکیه بزرگ تر از ترکیه است، این را بدانید. ما نمی توانیم در ۷۸۰ هزار کیلومتر مربع محصور بمانیم، زیرا مرزهای خاکی یک چیز است و مرزهای قلبی چیز دیگر. برادران ما در موصل، کرکوک، حسکه، حلب، حمص، مصراته، اسکویچ، کریمه و قفقاز در خارج از مرزهای خاکی ما قرار دارند اما همه آن ها در مرزهای قلبی ما هستند.»

او در این سخنرانی خود، از اقلیت های ترک زبان صحبت کرد تا نزدیکی ملی و تاریخی آن ها با ترک ها. در واقع آنکارا از آن ها استفاده ابزاری می کند تا نفوذ خود را در عراق و به خصوص در کرکوک افزایش دهد.

در ۴ اوت ۲۰۱۴، با شگفت زدگی عمومی، «داعش» دست به تهاجمی گسترده به کردستان عراق زد. شاخه نظامی (PKK) نخستین نیروهائی بودند که به مقابله با داعش پرداختند و مردم «مخمور» و «سنجار» را تخلیه کردند. نیروهای نظامی دولت اقلیم خودمختار کردستان عراق، پیشمرگه ها هم به منطقه اربیل - کرکوک عقب نشستند و «ایزدی ها» را به حال خود رها کردند. اما PKK توانست با عقب نشینی پیشمرگه ها، به کمک ایزدی ها شتافت.

در سوریه، کردها و اپوزیسیون تحت حمایت ترکیه نتوانستند به توافق برسند. در عرصه نظامی «بیگان های مدافع خلق» (YPG) و «بیگان های مدافع زنان» (YPJ) با جهادگران جبهه النصره (القاعده در سوریه)، که آن ها نیز تحت حمایت ترکیه هستند، مقابله کردند. به علاوه، بارزانی بیش از پیش به اردوخان نزدیک شده بود. راهبرد آنکارا در برابر سنله کردها دوگانه است. از یک سو با حزب دموکرات کردستان عراق و بارزانی متحد می شود و از سوی دیگر به جنگ با PKK می پردازد و به روژاوا حمله می کند.

در وحله اول، حکومت ترکیه برای جنگ با کردهای سوریه روی نیروهای جهادگر محلی تکیه می کرد و روابط نزدیکی با «داعش» داشت. اما سپس، برای سرکوب نیروهای خودمديريت روژاوا، ارتش ترکیه مستقیماً سه بار مداخله نظامی کرده است. نخستین بار در سال ۲۰۱۶، با عملیات «سپر فرات» که جلوی پیشروی نیروهای دموکراتیک سوریه (FDS) که امیدوار بودند با ناحیه عفرین واقع در غرب رودخانه فرات پیوند یابند را گرفت. دومین بار در سال ۲۰۱۸، با عملیات «شاخه زیتون» و تصرف استان عفرین و بار سوم، امسال، با عملیات «چشمه صلح» که ضربه سختی به برنامه های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی روژاوا وارد کرد.

حمله ترکیه در ۹ اکتبر به مرز جنوبی این کشور با سوریه، بین تل ابیض و راس العین، آغاز و هم چنان ادامه دارد. ترکیه پیش تر در ژانویه سال ۲۰۱۸ کنترل عفرین (شمال غرب) را اشغال کرده بود و تاکنون به اشغالگری خود در این منطقه ادامه داده است.



اردوخان در نظر دارد در این نوار امنیتی به عمق ۳۲ کیلومتر، بین ۱ تا ۳ میلیون تن، عمدتاً از عرب های پناهنده سوری به ترکیه را مستقر کند در واقع هدف اصلی او و دولتش، تغییر بافت جمعیتی این منطقه و پاک سازی مردم کرد است.

دست کم یک سال است که جنگ در سوریه، به معنای شکست خوردن اپوزیسیون و خاموش شدن شورش ها در جامعه به خاطر از بین بردن آن توسط حکومت، «تمام» شده است. باقی مانده اپوزیسیون نظامی شده به خدمت ارتش ترکیه درآمده تا شبه نظامیان موسوم به «ارتش ملی» را تشکیل دهد که مأموریت دارد نوار امنیتی مرزی را تصرف کند. با آن که جنگ «در سوریه» با «پیروزی» حکومت که البته نیرویش تحلیل رفته، تمام شده، جنگ منطقه ای «پیرامون سوریه»، به ویژه در شمال شرق آن هم چنان وجود دارد.

اکنون نیروهای روس (پولیس نظامی)، با ارتش ترکیه هماهنگ هستند و در مرزهای ترکیه و روژاوا به گشت زنی مشترک می پردازند.

از سوی دیگر، بازپس گیری شمال شرق توسط حکومت سوریه با کاربرد نیروی نظامی در شهرها در جریان است. این بازپس گرفتن با تصرف پاسگاه های مرزی در مرز سوریه- ترکیه با پاسگاه کلیدی یعروبیه انجام می شود.

بخش جنوبی شمال شرق سوریه (در شرق دیرالزور) که سرشار از نفت و دارای زمین های حاصل خیزی است که پنتاگون، با وجود انزواگرایی ترمپ، با حفظ باقی مانده نیروهایش قصد نگه داری آن ها را دارد.

در قامیشلی هنوز پرچم «نیروهای دموکراتیک سوریه (FDS)» برافراشته است. تقریباً هر روز، ساکنان شهر در برابر مقر سازمان ملل متحد گردآمده و به تظاهرات می‌پردازند و هواداران توافق «روسیه-ترکیه» به سخره می‌گیرند. محمد احمد، رئیس مشترک «شورای جوانان کرد روژاوا»، که یکی از سازمان‌دهندگان تظاهرات ۲۸ اکتبر بود توضیح داده است که: «ما برای حمایت از نیروهای دموکراتیک سوریه (FDS) در این جا هستیم. برای این کار به مقابل دفتر سازمان ملل متحد آمده ایم که صدای مان را به گوش‌ها برسانیم تا ترکیه تهاجم خود را متوقف کند و این تهاجم به صورتی قاطع تر، رسمی تر و منسجم تر توسط جامعه بین‌المللی محکوم شود.»

از آغاز این تهاجم، ارتش ترکیه در طول مرز خود نوار بزرگی را از راس العین تا تل ابیض به تصرف خود درآورده و بزرگراه ام-۴ را قطع کرده است. در این راه، ارتباطی بین قامیشلی و منبج است که جهادگران مورد حمایت ترکیه، به کشتار غیرنظامیان بی‌سلاح پرداختند و از جمله هروین خلف، زن سیاست‌مدار را کشتند.

عبدالسالم حمصورك، هماهنگ‌کننده محلی امور انسانی، که آشکارا تحت تأثیر سوء قصدها بود گفته که: «من ۲ روز پیش از یک سوء قصد جان سالم به در بردم.» او توضیح داد که عملیات ترکیه موجب ظهور دوباره و ناگهانی کارهای تروریستی هماهنگ توسط سلول‌های خفته داعش شده است.

عبدالخالد موحد، رئیس مشترک دفتر امور انسانی منطقه نیز همین تحلیل بدبینانه را دارد: «با رسیدن نیروهای حکومت، سازمان‌های بین‌المللی که در شمال شرق سوریه کار می‌کردند ناگهان کارکنان خارجی خود، که غالباً ماهرترین‌ها هستند، را از شمال و شرق سوریه بیرون بردند و به برنامه‌های متعددی پایان دادند، در حالی که بحران انسانی روز به روز شدیدتر می‌شود.» وی با ناراحتی و تلخی نتیجه می‌گیرد که: «علاوه بر این، سازمان ملل متحد توسط حکومت تحت فشار قرار گرفته و به آن اجازه ساخت اردوگاه‌های تازه در منطقه را نمی‌دهد، در حالی که نیاز شدیدی به این اردوگاه‌ها وجود دارد. از این رو، ناگزیریم جاهانی در اردوگاه‌های از پیش موجود یا نزد ساکنان (برای پناهجویان) بیابیم. با نزدیک شدن زمستان، این خطر وجود دارد که بحران انسانی فاجعه بار شود.»

حکومت سوریه آماده است سربازان خود را برای امنیت مرزها بفرستد، ولی خیلی کم‌تر آمادگی برای امدادسانی انسانی دارد و امیدوار است که سرانجام کنترل این منطقه، که بخش عمده آن از آغاز جنگ در سال ۲۰۱۱ از دستش خارج شده، را بازپس گیرد.

در عین حال، توافق‌های گوناگون بین‌المللی «نیروهای دموکراتیک سوریه» (FDS) را ناگزیر کرده که رسماً با نظارت روسیه از یک نوار به عرض ۳۲ کیلومتر از مرز ترکیه عقب‌نشینی کند.

«نیروهای دموکراتیک سوریه» از ماه‌ها پیش خود را برای تهاجم ترکیه آماده کرده بودند. در همه شهرهای مرزی کیلومترها راهروی زیرزمینی ساخته شده تا از پس محاصره برآیند، خود را از بمباران‌ها محافظت کنند و از پشت دشمن سر درآورند.

زیدان العسی، رئیس مشترک شورای دفاعی خودگردان شمال شرقی سوریه تأکید می‌کند که: «اگر پرواز هواپیماهای ترکیه در سوریه نبود، آن‌ها نمی‌توانستند حتی یک شهر را بگیرند. در این مورد تردیدی نیست. در راس العین، آن‌ها روز در شهر پیشرفت کردند و «نیروهای دموکراتیک سوریه» شب شهر را در اختیار گرفتند.»

ارتش ترکیه که توسط نیروهای تروریستی اسلامی تقویت می‌شود، اکنون منطقه رودخانه خیور که از جمله ساکنان آن مسیحیان هستند را تهدید می‌کند. کینو گابریل، سخنگوی «نیروهای دموکراتیک سوریه» و فرمانده «شورای نظامی آشوری‌ها» هشدار می‌دهد که: «جامعه آشوریان خیور به خاطر عملیات ترک‌ها در معرض تهدیدی موجودیتی است. امنیت آن می‌بایست تامین شود.»

اما، این فقط اقلیت مسیحی نیست که برای حفظ خود در منطقه مبارزه می کند. عرب ها نیز نگرانند و آمادگی دارند برای مقابله با تهدید ترک - جهادگرها بسیج شوند.

بریوان خالد می گوید: «ما ۱۱ هزار جان باخته و ۲۴ هزار مجروح برای آزادسازی سرزمین مان داشته ایم، دست روی دست نمی گذاریم و به مقاومت ادامه می دهیم و...» (منبع گفت و گوها، لوموند دیپلماتیک)

از چهار روز پیش حملات به این منطقه، خصوصا شهر معره النعمان آغاز شد تا زمینه برای ورود ارتش سوریه به آخرین شهرهای تحت کنترل شورشیان آغاز شود.

رسانه های ترکیه نیز گزارش داده اند روز سه شنبه ۲۳ دسامبر، رجب طیب اردو خان با ولادیمیر پوتین رئیس جمهوری روسیه در رابطه با حملات به ادلب و فرار جمعیت بزرگی از ساکنان منطقه صحبت کرده و گفته است ترکیه آمادگی پناه دادن به این تعداد جمعیت را ندارد.

برخی منابع محلی و ساکنانی که موفق به فرار شدند گفته اند ارتش بشار اسد با موشک و نیروهای روسی با هواپیما به معره النعمان حمله کرده و حتی دو خودرو که غیرنظامیان فراری را حمل می کردند هدف قرار گرفته اند.

بر اساس گزارش ها، حداقل ۱۲ غیرنظامی در حملات چند روز گذشته کشته شده اند. حملات یاد شده در حالی است که ایران، ترکیه و روسیه سه ماه قبل توافق کردند که عملیات نظامی در ادلب متوقف شود.

در حمله اخیر ترکیه به روزآوا، حدود ۳۰۰ هزار نفر آواره شده اند. به علاوه روشن نیست که سرنوشت ۱۳ هزار اسیر داعشی، به کجا انجامیده است.

اردو خان از این مسأله ترس دارد که کردهای سوریه که موفق شدند داعش را شکست بدهند در شمال سوریه، موقعیت سیاسی سیستم خودگردان خود را تثبیت کنند که این مدل سیاسی، موجب ترغیب کردهای ترکیه شود.

نگرانی از این موضوع و البته عشق اردو خان به جنگ طلبی، توسعه طلبی و جهان گشائی سبب شده که جنگ داخلی سوریه طولانی تر گردد. اردغان قصد دارد که با تغییر جغرافیای منطقه و ضمیمه بخش هایی از خاک سوریه به ترکیه، رویاهای عثمانی گری خود تحقق بخشد. در چنین شرایطی، هم چنین عرب های داخلی سوری که در جنگ داخلی به ترکیه پناه برده اند به این منطقه منتقل کند و موقعیت نژادی سوریه را به شکلی به هم بزند که کردها دیگر در کنار هم قرار نداشته باشند.

در پنجمین روز حمله نظامیان ترکیه به نیروهای دموکراتیک سوریه در شمال سوریه، در حالی ادامه یافت که با وجود تمامی هشدارهای کارشناسان، مقامات محلی کرد اعلام کردند که بیش از ۸۰۰ نیروی خارجی داعشی در اثر گلوله باران محل نگه داری آن ها از سوی ارتش ترکیه موفق به فرار شده اند. ترکیه که در هجوم خود به شمال سوریه بخش هایی از «ارتش آزاد سوریه» را نیز همراه خود کرده است، در پیشروی خود شهرهای تل ابیض و راس العین را تصرف کرده و به واسطه حمله ارتش آزاد سوریه به اردوگاه های نگه داری زندانیان داعشی، شرایطی را فراهم آورده که ساکنان این اردوگاه ها ضمن درگیر شدن با نگهبانان موفق به فرار شوند. ارتش آزاد سوریه که متشکل از نیروهای خشونت طلب و بعضا برخی از عناصر جبهه النصره هستند، اکنون در ادلب به عنوان آخرین پایگاه مخالفان بشار اسد حضور دارند و به واسطه حمایت ترکیه از این نیروها وارد عملیات نظامی آنکارا علیه نیروهای کرد شمال سوریه شده اند. همین موضوع سبب شده تا برخی از کارشناسان معتقد باشند که یکی از برنامه های نیروهای ارتش آزاد فراهم آوردن شرایطی برای آزادی اسرای داعشی از بند کردها بوده است.

در حمله غروب شنبه ۱۶ آذر - هفتم دسامبر، ارتش سوریه به استان ادلب، تعدادی کشته و مجروح و آواره بر جای گذاشت. خبرگزاری المان با گزارشی که در همین رابطه از دمشق منتشر کرده، خبر از کشته شدن ۲۰ شهروند غیرنظامی در جریان این حملات داده است.

گفته می شود که ارتش سوریه با همراهی و پشتیبانی نیروی هوایی روسیه به پنج روستای این استان حمله کرده و مناطقی را بمباران کرده است.

در این حمله، نیروی هوایی دولت بشار اسد از هواپیما و هم چنین هلی کوپترهای جنگی بهره گرفته است. استان ادلب در شمال غربی کشور سوریه واقع است و از این استان به عنوان آخرین پایگاه نیروهای اپوزیسیون و شورشیان مخالف دولت اسد یاد می شود.

بر اساس آمار و اطلاعاتی که از سوی خبرگزاری ها و هم چنین مرکز دیده بان حقوق بشر سوریه منتشر شده، در جریان حملات ارتش سوریه و هم چنین نیروی هوایی روسیه تا کنون ۴۸۰۰ نفر در استان ادلب کشته شده اند. عملیات مشترک ارتش سوریه و نیروی هوایی روسیه از ماه آوریل سال جاری آغاز شد. ظرف هشت ماهه گذشته، در جریان این حملات هزاران نفر جان باخته اند. گفته می شود که ۱۲۰۰ نفر از کشته شدگان حملات یاد شده غیرنظامی بوده اند.

هزاران نفر از آوارگان جنگی مربوط به حملات اخیر ارتش سوریه به استان ادلب تلاش کرده اند برای نجات از خطر مرگ، خود را به مرزهای سوریه با ترکیه برسانند.

حکومت اسلامی ایران و حکومت روسیه که حامی حکومت بشار اسد هستند، از زمان آغاز جنگ داخلی سوریه در سال ۲۰۱۱، تا کنون روسیه ۱۴ بار از حق وتوی خود در شورای امنیت استفاده کرده است.

در ناحیه ادلب واقع در شمال غرب سوریه، ۲۳۵ هزار نفر از این مناطق گریخته اند.

سازمان ملل متحد می گوید بر اثر حملات هوایی و توپخانه نیروهای دولتی سوریه با حمایت روسیه به مناطق تحت کنترل شورشیان در ناحیه ادلب واقع در شمال غرب سوریه ۲۳۵ هزار نفر از این مناطق گریخته اند. دفتر هماهنگی امور بشردوستانه سازمان ملل متحد افزود موج جدید آوارگی مردم ناحیه ادلب بین روزهای ۲۱ آذر تا ۴ دی روی داده است.

این نهاد افزود اکثر این افراد از شهر معره نعان، شهرهای کوچک و روستاهای جنوب استان ادلب، شهر ادلب و اردوگاه های واقع در مرزهای سوریه و ترکیه گریخته اند.

در بخشی از بیانیه دفتر هماهنگی امور بشردوستانه سازمان ملل گفته می شود «تحت تاثیر تشدید درگیری ها در شمال غربی سوریه ساکنان غیرنظامی استان ادلب یک بار دیگر از پیامدهای مصیبت بار این درگیری ها لطمه می بینند.» این نهاد افزود که گزارش های اخیر حاکی از آن است که شهر معره نعان و مناطق روستائی آن تقریباً خالی از سکنه هستند.

نیروهای دولتی سوریه در حال پیشروی به سوی شهر معره نعان هستند.

به گزارش رویترز، هزاران خانوار دیگر نیز نگران از حملات هوایی و توپ باران های شدید می ترسند محل سکونت خود را ترک کنند.

ابوالمجد ناصر که همراه خانواده خود به مرز ترکیه گریخته است گفت ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه «می خواهد تمامی سوری های مخالف رژیم را بکشد.»

دولت های روسیه و سوریه حمله به غیرنظامیان را تکذیب کرده و می گویند هدف حملات گروه های تندرو جهادی هستند.

امدادگران و شاهدان عینی می گویند بر اثر این حملات تعداد زیادی از شهرها و روستاهای منطقه ویران و فعالیت ده ها درمانگاه نیز متوقف شده است.

ارتش سوریه در روزهای اخیر، اعلام کرد بیش از ۳۰۰ کیلومتر مربع از مناطق تحت کنترل شورشیان در استان ادلب را بازپس گرفته و صدها «تروریست» را کشته است.

ارتش سوریه در صورت تصرف شهر معره نعان به مناطق پرجمعیت استان ادلب نزدیک خواهد شد. در حال حاضر حدود ۳ میلیون نفر که بخشی از آن ها از مناطق دیگر سوریه گریخته اند ساکن ناحیه ادلب هستند.

پیشروی نیروهای سوریه و روسیه به سمت ادلب در عین حال ترکیه را که در این منطقه حضور نظامی دارد و از نگاه بسیاری از غیرنظامیان سوری تنها محافظ آن ها در برابر حملات روسیه است تحت فشار قرار داده است.

رجب طیب اردوخان، رئیس جمهور ترکیه گفته است که این کشور نمی تواند موج جدیدی از مهاجران سوری را بپذیرد و هشدار داده که در صورت ادامه حملات در ادلب اروپا نیز تحت تاثیر موج جدید مهاجرت قرار خواهد گرفت.



سوریه

سرنوشت میلیون ها نفر از مردم سوریه می شد که متفاوت باشد. جنبش اعتراضی علیه حکومت خانواده اسد به سرکوب شدید مخالفان و پس از آن به یک جنگ داخلی بی رحمانه بدل شد.

از آغاز جنگ داخلی در سال ۲۰۱۱، حدود نیم میلیون نفر از مردم سوریه کشته و میلیون ها نفر آواره و یا مجبور به مهاجرت شده اند. جنگ داخلی سوریه به یک بحران بین المللی بدل شده است.

روسیه، در حمایت از حکومت بشار اسد، در سوریه دخالت نظامی کرد و ترکیه کوشید از قدرت گیری مردم کردها در شمال سوریه جلوگیری کند.

نیروهای دموکراتیک سوریه و مدافع خلق روژاوا با پشتوانه هوایی یک ائتلاف نظامی غربی، گروه «خلافت اسلامی» (داعش) را که از اوضاع ناآرام منطقه بهره جست و بخش گسترده ای از خاک عراق و سوریه را تصرف کرد، شکست دادند.

صندوق بین المللی پول به ترکیه هشدار داد

صندوق بین المللی پول نسبت به اتخاذ سیاست پولی نامناسب به ترکیه هشدار داد. به گزارش ایسنا، صندوق بین المللی پول در گزارشی اعلام کرد که ترکیه در اجرای سیاست های پولی محرک زیاده روی کرده است و از آنکارا خواست تا

مطمئن شود سیاست های پولی مناسب کماکان مرکز ثقل اصلی سیاست گذاری ها باشد. به دنبال افزایش مخارج دولت و بحران ارزی در تابستان امسال، کسری بودجه ترکیه افزایش پیدا کرده است به گونه ای که آنکارا در ماه سپتامبر پیش بینی خود از کسری بودجه دولت را به ۲۱ میلیارد دلار افزایش داد.

صندوق بین المللی پول با بیان این که ترکیه نیاز به اتخاذ رویکرد مستحکم تری در قبال حوزه پولی دارد افزود: در حالی که سیاست های محرک اخیر باعث بهبودی نسبی وضعیت اقتصادی شده اما کسری مالی دولت به شکل قابل توجهی افزایش داشته است. پیشنهاد ما این است که در سال ۲۰۲۰ دولت یک سیاست کاملاً خنثی اتخاذ کند.

از سوی دیگر، نرخ بهره در ترکیه با سرعت زیادی رو به کاهش بوده است به گونه ای که برخی کارشناسان و اقتصاد دانان نسبت به پیامدهای این کار هشدار داده اند. از ماه ژوئیه که رئیس جدید بانک مرکزی بر سر کار آمده، این بانک نرخ بهره را ۱۲ درصد کاهش داده است و رجب طیب اردوخان، رئیس جمهور ترکیه از لزوم کاهش بیش تر نرخ بهره سخن می گوید.

با توجه به وجود انتظارات تورمی بالا در جامعه ترکیه، صندوق بین المللی پول از سیاست گذاران پولی این کشور خواسته است تا به جای کاهش سریع و کم دوام تورم روی کاهش محدودتر اما با دوام تر تورم تمرکز کنند. این نهاد سرمایه داری جهانی، هم چنین بر ضرورت احترام به استقلال بانک مرکزی ترکیه تاکید کرده و به طور غیرمستقیم از فشار دولت بر مدیران این بانک برای کاهش بیش تر نرخ بهره انتقاد کرده است.

صندوق بین المللی پول، هم چنین خواهان شفافیت بیش تر در نظام سیاست گذاری پولی شده است. اردوخان پیش تر با تمجید از اقدام بانک مرکزی برای کاهش نرخ بهره گفته بود: با مداخله به موقع بانک مرکزی، نرخ بهره به سطح معقولی کاهش پیدا کرده است اما معتقدم که آن ها نرخ بهره را بیش تر کاهش خواهند داد چرا که هنوز فضای کافی برای این کار وجود دارد.

در درگیری های ۱۰ سال اخیر در افغانستان، بیش از ۱۰۰ هزار غیرنظامی جان شان را از دست داده اند.

تدامچی یاماموتو، نماینده ویژه دبیر کل سازمان ملل متحد در امور افغانستان روز پنج شنبه ۲۶ دسامبر ۲۰۱۹، اعلام کرد که در درگیری های ۱۰ سال اخیر در افغانستان، بیش از ۱۰۰ هزار غیرنظامی جان شان را از دست داده اند.

او هم چنین افزود که سهم قابل توجهی از قربانیان جنگ در افغانستان به غیرنظامیان اختصاص دارد.

سازمان ملل متحد، جزئیاتی این آمار را اعلام نکرده اما این نهاد بین المللی از سال ۲۰۰۹ میلادی قربانیان غیرنظامی درگیری ها در این کشور را ثبت کرده است.

سازمان ملل، هر سه ماه گزارش های دقیقی درباره قربانیان غیرنظامی منتشر می کند. این نهاد بین المللی در گزارش ماه اکتبر سال جاری، اعلام کرد که در سه ماهه سوم سال ۲۰۱۹، تعداد قربانیان در درگیری های افغانستان با رکوردی کم سابقه همراه بوده است که طی آن هزار و ۱۱۷ غیرنظامی کشته و ۳ هزار و ۱۳۹ نفر زخمی شده اند.

امریکا و گروه طالبان بیش از یک سال است که در حال مذاکره برای دست یابی به توافقی برای صلح در افغانستان هستند تا از یک سو نیروهای امریکائی از افغانستان خارج شوند و از سوی دیگر، طالبان حملات شان را در افغانستان متوقف کنند، مذاکراتی که تا کنون به نتیجه نرسیده است.

تدامچی یاماموتو، در بیانیه ای خود بار دیگر از تمام گروه های درگیر در افغانستان خواسته است تا با برداشتن گام های صادقانه و ملموس برای پایان دادن به جنگ در افغانستان تلاش کنند. (منبع: یورونیوز)

واکنش‌های جهانی به مرگ ابوبکر بغدادی، رهبر داعش

بعد از اعلام خبر مرگ بغدادی رهبر داعش، ایران، فرانسه، روسیه، ترکیه و اسرائیل بلافاصله واکنش نشان دادند. بریتانیا و فرانسه به امریکا تبریک گفتند. حکومت اسلامی ایران، کشته شدن بغدادی را «پایان نماد تروریسم تزیقی - تخریبی» خواند.

دونالد ترامپ، رئیس جمهوری امریکا روز یکشنبه پنجم آبان - ۲۷ اکتبر، رسماً مرگ ابوبکر بغدادی، رهبر «دولت اسلامی» (داعش) را تأیید کرد. ترامپ در سخنانی که در این باره ابراز کرد از ترکیه، روسیه، سوریه و عراق به دلیل همکاری در عملیات کشته شدن البغدادی تشکر کرد.

هم زمان با سخنان ترامپ کشورهای مختلف بلافاصله به مرگ رهبر داعش واکنش نشان دادند. امانوئل مکرون، رئیس جمهوری فرانسه هم در واکنش به مرگ رهبر داعش گفت: «مرگ البغدادی ضربه سختی علیه داعش است. اما این تنها فقط یک مرحله از جنگ است.»

تاکنون بیش از ۲۵۰ نفر انسان بی گناه در این کشور بر اثر ترورهای داعش کشته شده اند. وزارت دفاع روسیه روز یکشنبه ششم آبان - ۲۷ اکتبر، اعلام کرد که اطلاعات موثقی در مورد عملیات نیروهای امریکائی در محل اختفای البغدادی در ادلب سوریه ندارد.

با وجود این که دونالد ترامپ از روسیه برای همکاری در عملیات نیروهای امریکائی در ادلب تشکر کرده بود، وزارت دفاع روسیه گفته است که اخباری که امریکا می دهد قابل اعتماد نیست.

یک مقام نظامی روسیه به خبرگزاری «ریانوستی» گفته است که منطقه عملیاتی نیروهای امریکائی در منطقه ادلب قرار دارد که تحت کنترل نیروهای ترکیه است.

رجب طیب اردو خان، رئیس جمهوری ترکیه در واکنش به کشته شدن البغدادی، ادعا کرد: «کشته شدن سرکرده داعش نقطه عطفی در مبارزه مشترک مان با تروریسم است.»

تسخیر آفریقا با مسجد

کشورهای آفریقائی محل زور آزمائی و قدرت نمائی مذهبی حکومت های عربستان، ترکیه و حکومت اسلامی ایران شده اند. آن ها طی دهه های اخیر تلاش کردند با صرف مبالغ سنگین و ساخت مساجد رنگارنگ، «گرایش خاصی مذهبی» را ترویج دهند.

آفریقا به سرزمینی تبدیل شده که صدها مسجد در آن ساخته می شود؛ بناهایی رنگارنگ که با بودجه و اعتبارات مالی عربستان سعودی، ترکیه و جمهوری اسلامی ایران تامین می شود. یکی از گزارشگران دویچه وله از اهداف سرمایه گذاران در ساخت این مساجد نوشته است.

نوامبر گذشته، بزرگ ترین مسجد جیبوتی به نام مسجد «عبدالحمید دوم» (از سلاطین عثمانی) در فضائی به مساحت ۱۳ هزار متر مربع و مجهز به شش هزار صندلی افتتاح شد. این مسجد جامع دو مناره به ارتفاع ۴۶ متر دارد، گنبد آن طلاکاری شده و دیوارهایش مزین به خوش نویسی کلاسیک عثمانی است. داخل مسجد چلچراغی نصب است که روشنائی مساجد ترکیه را تداعی می کند.

بودجه این مسجد از سوی وزارت دیانت ترکیه تامین شده است. وزارت دیانت ترکیه به عنوان یک مرکز تصمیم گیری، ساخت این مسجد را نشانه تقویت پیوند میان جیبوتی و ترکیه می داند.

سال ۲۰۱۵، رئیس جمهوری جیبوتی، اسماعیل عمرگوئله، به رجب طیب اردوخان، رئیس جمهوری ترکیه گفته بود که مسجدی با معماری عثمانی می خواهد؛ درخواستی که از سوی ترکیه اجابت شد.

عبدولای سونای (Abdoulaye Sounaye)، انسان شناس اهل نیجر که با مرکز مطالعات نوین شرقی در برلین همکاری می کند، گفت: «ترکیه می خواهد خود را به عنوان یک قدرت اسلامی معرفی کند، دقیقاً همان طور که عربستان سعودی این نقش را برای چند دهه برعهده داشت.»

ترکیه برای افزایش نفوذ خود در سراسر قاره آفریقا، میلیون ها دالر سرمایه گذاری کرده است. وزارت دیانت، به عنوان یک مرکز تصمیم گیری در امور مذهبی، بیش از چهار دهه است که منابع مالی و بودجه لازم برای ساخت بیش از ۱۰۰ مسجد و موسسه آموزشی در ۲۵ کشور از جمله در جیبوتی، غنا، بوركینا فاسو، مالی و چاد را تأمین کرده است.

مشارکت در بازسازی مساجد آفریقای جنوبی و ساخت مسجد نظامیه و کمک مالی در نوسازی مسجد جامع همبستگی اسلامی در موگادیشو، پایتخت سومالی گوشه ای از حضور ترکیه در آفریقا است. مسجد جامع همبستگی اسلامی در موگادیشو، بزرگ ترین مسجد در شاخ آفریقا با گنجایش ۱۰ هزار نمازگزار است.

سونای، انسان شناس و از همکاران مرکز مطالعات نوین شرقی در برلین با بیان این که «شما می توانید به ما اعتماد کنید، ما هم به شما اعتماد داریم»، به روابط ترکیه با کشورهای آفریقائی اشاره می کند که منابع خود را در اختیار ملل آفریقائی گذاشته است. مساجد بزرگ و درخشان ساخت ترکیه را حتی می توان در نقاطی پیدا کرد که مردم در آن مناطق، ساعت هائی از شبانه روز برق ندارند.

عربستان سعودی هم در ساخت مساجد مختلف در آفریقا فعال است. مسجد همبستگی اسلامی ابتدا در سال ۱۹۸۷ با بودجه بنیاد سلطان بن عبدالعزیز آل سعود ساخته شد. به اعتقاد سونای، عربستان سعودی دست کم دو دهه است که در نیجر، نیجریه و مالی سرمایه گذاری می کند.

این سرمایه گذاری های عربستان در خدمت راستای ترویج «گرایش خاصی» از اسلام یعنی «سلفی گری» است. در گرایش سلفی گری، رعایت اصول و قوانین اسلامی، «سخت گیرانه تر» است. آن ها گرایش هائی هم چون تصوف و آموزه هائی که بر مدارای بیش تر تأکید دارند را نمی پذیرند.

باکری سامب، رئیس موسسه مطالعاتی تیمبوکتو در داکار سنگال، با بیان که در مساجد «هر نوع ایدئولوژی می تواند گسترش یابد»، تأکید کرد: «نفوذ و قدرت را می توان از طریق دین به دست آورد.»

قطر و حکومت اسلامی ایران هم مانند ترکیه و عربستان سعودی باور دارند که از دین می توان برای «اعمال نفوذ» در کشورهای آفریقائی بهره برداری کرد.

سامب، رئیس موسسه مطالعاتی تیمبوکتو گفت که ایران هم مساجد دیگری را در سنگال، ساحل عاج و گینه احداث کرده است. او باور دارد «رقابتی میان قدرت های خاورمیانه» شروع شده است. او برای مثال، به فعالیت های عربستان سعودی برای مقابله با ترویج «اسلام شیعی» مورد حمایت ایران اشاره کرد و گفت که عربستان تلاش دارد مردم در کنار «سلفی ها» باشد و ساخت مساجد بیش تر در نیجریه نیز نشانه ای از این تلاش هاست.

در نیجریه، مسلمانان شیعه در اقلیت هستند و مدعی اند اغلب اوقات «احساس ظلم و تبعیض» می کنند.

سونای با انتقاد از این واقعیت که ساخت یک مسجد تنها یک سرمایه گذاری مالی لازم دارد، گوشه ای از وضعیت رقابت در ساخت مسجد را نشان می دهد: «تا همین اواخر هر کسی با هر هدف و منظوری توانسته مسجدی در نیجر بسازد.»

در نیجر «هیچ قاعده ای وجود ندارد.» بیش از ۲۱ میلیون نفر در منطقه «ساحل» این کشور زندگی می کنند که ۹۹ درصد آن ها مسلمان هستند. سونای با اشاره به این که از سال ۱۹۹۰، مساجد به جنجالی ترین مکان های نیجر تبدیل شده اند، افزود: «یکی از دلایل اصلی بروز این بحران، ظهور سلفی گری بوده است.» به گفته او، عربستان سعودی بعد از ساخت یک مسجد در نیجر، یک دانش آموز را که در عربستان سعودی «آموزش» دیده بود به عنوان مسؤول این مسجد گمارده است. این دانش آموز چند سال است که نقش اصلی را در این مسجد بر عهده دارد.

سامبه، هم چنین با اشاره به خشونت های مذهبی در کشورهای آفریقائی و گسترش حرکت های تند و رادیکال مذهبی می گوید دولت ظاهرا با این جنبش های رادیکال همکاری نمی کند، اما «سازمان های غیردولتی و ثروتمند»، هم چنان به تامین مالی مساجد ادامه می دهند.

فرانسه

در ادامه تجمعات پی در پی اعتراضی، شهروندان معترض فرانسوی خود را «جلیقه زرد» نامیدند. این اعتراض خودجوش که زمره های آن از پایان ماه اکتبر در شبکه های اجتماعی به گوش رسید، از روز هفدهم نوامبر - ۲۶ آبان، با تجمع در بزرگراه ها، میداین اصلی شهرها و عوارضی ها در سرتاسر فرانسه آغاز شد. روزنامه فرانسوی لیبراسیون درباره اولین جرقه های اعتراض نوشت که دو راننده بین شهری جوان اهل سنه مرن، شهری نزدیک به پاریس، روز دهم اکتبر در صفحه ای در فیس بوک فراخوانی برای «راه بندان سراسری در اعتراض به افزایش قیمت سوخت» به راه انداختند. فراخوانی که بیش از ۲۰۰ هزار نفر در فیس بوک قول شرکت در آن را دادند.

برونو لوفور، یکی از این راننده ها به لیبراسیون، گفت: «من در شهر زندگی نمی کنم و استفاده از وسایل نقلیه عمومی نیز به علت تاخیر همیشگی و دقیق نبودن امکان پذیر نیست. اولین نانوائی نزدیک در ۵ کیلومتری خانه من قرار دارد. من مجبور هستم که از خودروی شخصی استفاده کنم و توانائی پرداخت افزایش مالیات سوخت را ندارم.» به تدریج، فراخوان های دیگری در شبکه های مجازی توسط شهروندان عادی بدون وابستگی به سازمان سیاسی خاصی شکل گرفت تا روز ۱۷ ام نوامبر که اولین اعتراض سراسری در فرانسه با شرکت ۲۸۰ هزار نفر و مسدود کردن بزرگراه ها آغاز شد که تا به امروز ادامه دارد.



شهروندان فرانسوی که در اعتراضات سراسری علیه افزایش مالیات سوخت از روز ۱۷ نوامبر در خیابان ها و بزرگراه های شهرهای مختلف فرانسه شرکت می کنند خود را «جلیقه زرد»ها نام نهاده اند. «جلیقه زرد»، جلیقه ای به رنگ زرد شبرنگ است که طبق قوانین راهنمایی و رانندگی در فرانسه هر خودرو باید به آن مجهز باشد تا در صورت نقص فنی و توقف خودرو در میان بزرگراه ، صاحب خودرو باید جلیقه زرد رنگ را بر تن کند.

«جلیقه زرد» ها بیش تر شهروندانی هستند که با وجود کار و درآمد، در گذران زندگی و معاش به مشکل برخورد کرده اند. کارمندان، کارگران و خانواده هائی که در حومه شهرهای بزرگ یا مناطق روستائی زندگی می کنند و برای رفت و آمد و زندگی روزمره به خودروی شخصی وابسته هستند.

تجمعات اعتراضی «جلیقه زرد» ها، یک حرکت سیاسی است اما شرکت کنندگان خود را وابسته به طیف سیاسی یا حزب خاصی نمی دانند و نمی خواهند خواسته هایشان با مطالبات حزبی و رهبری جناحی منحرف شود.

جناح های مختلف فرانسه از چپ تا راست حمایت خود را از حرکت «جلیقه زردها» اعلام کرده اند با این حال فرانک بولر یکی از اعضای شناخته شده این جنبش به بی.بی.سی، گفته است: «ما نمی خواهیم کسی جنبش ما را به نام خود مصادره کند. ما رهبر جنبش نمی خواهیم. انقلاب فرانسه با جنگ آرد آغاز شد. اکنون این جنگ برای ما، جنگ مالیات سوخت است.»

جنبش «جلیقه زرد» ها با اعتراض به افزایش قیمت سوخت آغاز شد اما اکنون این جنبش اعتراضی تبدیل به جنبشی علیه مالیات شده است. جنبشی که به گفته تحلیل گران اولین و مهم ترین چالش فراهزبی برای دولت ماکرون محسوب می شود.

طبق آخرین نظرسنجی ها، ۶۹ درصد از شهروندان فرانسه از جنبش اعتراضی «جلیقه زرد» ها حمایت می کنند. همین طور بیش از ۵۰ درصد از رای دهندگان به ماکرون در انتخابات رئیس جمهوری نیز از این اعتراضات حمایت می کنند.

وزیر راه و ترابری فرانسه، الیزابت بورن درباره قیمت سوخت اعلام کرد که بر اساس مصوبه جدید دولت فرانسه از ابتدای سال آینده میلادی مالیات بر هر لیتر گازوئیل ۶.۵ و هر لیتر بنزین ۲.۹ سنت افزایش خواهد یافت.

دولت فرانسوا اولاند، رئیس جمهوری پیشین فرانسه در سال ۲۰۱۴ برای اولین بار این مالیات بر سوخت را وضع کرد. دولت فرانسه قصد دارد به تدریج به میزان این مالیات بیافزاید.

توجه دولت فرانسه این است که از افزایش مالیات بر کربن را کسب درآمد برای دولت به منظور تامین هزینه و سرمایه گذاری در پروژه های محیط زیستی است.

امانوئل ماکرون، رئیس جمهوری فرانسه سه روز پس از آغاز اولین اعتراضات «جلیقه زرد» ها در سفری رسمی به بلژیک به آن واکنش نشان داد و بدون نام بردن از جنبش «جلیقه زرد» اعلام کرد: «تنها با گفت و گو و ارائه توضیحات است که می توان به این اعتراضات پایان داد. دولت اکنون با یک جنبش اعتراضی مواجه شده است. ما باید با یک روحیه جمعی مسؤول باشیم.»

او درباره استراتژی دولت این گونه توضیح داد که هدف در واقع افزایش مالیات بر سوخت های فسیلی به منظور کاهش آلودگی هوا است ولی در عین حال برای اقتشار کم درآمد، کمک هائی برای خرید خودروهای کم آلاینده در نظر گرفته خواهد شد.

با ادامه پیدا کردن اعتراضات، ماکرون موضع سخت تری در پیش گرفت و در حساب توتئیری خود خشونت ناشی از اعتراضات را محکوم کرد و با اعلام اعزام ارتش برای برقراری نظم از معترضان «جلیقه زرد» خواست تا به قانون احترام بگذارند.

نیکول اولو، وزیر پیشین محیط زیست که در تابستان به علت اختلافش با رویکردهای دولت استعفاء داده بود، بالاخره سکوت را شکست و در مصاحبه ای تلویزیونی با قبول مسؤلیت در برابر «جلیقه زرد» ها گفت: «من هفته های قبل از استعفاء بی وقفه تلاش کردم تا برای افسار کم درآمد، کمک هائی در نظر گرفته شود اما کسی به حرف من گوش نداد و دلیل رد پیشنهادات من را محدودیت بودجه اعلام کردند.»

اعتراض به قانون بازنشستگی ماکرون؛ کارگران اعتصابی کوتاه نمی آیند

اعتصاب کارکنان سیستم حمل و نقل عمومی پاریس روز یکشنبه در حالی وارد بیست و پنجمین روز خود شد که اتحادیه های کارگری هم چنان مصمم اند به اعتراضات خود علیه اصلاح قانون بازنشستگی ادامه دهند.

به گزارش اپراتور شبکه متروی پاریس، ۱۳ خط از ۱۶ خط متروی پایتخت فرانسه یکشنبه شب کار نخواهند کرد. ادامه اعتصابات در اعتراض به اصلاح قانون بازنشستگی در حالی ادامه می یابد که هیچ گونه گفت و گوئی میان اتحادیه های کارگری و دولت پیش از ۷ ژانویه پیش بینی نشده است، موضوعی که از ادامه اختلال در سیستم حمل و نقل فرانسه در روزهای پایان سال و هم زمان با جشن های سال نو میلادی خبر می دهد.

شرکت راه آهن فرانسه (snCF) اعلام کرده است که بین ۴۰ تا ۵۰ درصد قطارهای سریع السیر در آخرین روز هفته به مسافران خدمات ارائه خواهند کرد اما برای روز اول سال جدید تنها ۳۵ درصد قطارها حرکت خواهند کرد. این شرکت به مسافرانی که تا ۲ ژانویه بلیط رزرو کرده اند اطمینان داد که بدون قطار خواهند ماند.

روز شنبه، جلیقه زردهای فرانسه که بیش از یک سال است اعتراضات شان را به نابرابری اقتصادی و ناکارآمدی دموکراسی فرانسه ادامه دارد همراه با اتحادیه های کارگری فرانسه در راه پیمائی در مرکز پاریس و دیگر شهرهای فرانسه شرکت کردند.

در پایان راه پیمائی روز شنبه جلیقه زردها و اتحادیه های کارگری، بین پولیس و معترضان درگیری رخ داد. پولیس فرانسه جمعیتی که در راه پیمائی روز شنبه در پاریس شرکت کردند را ۴۵۰۰ نفر برآورد کرد.

فیلیپ مارتینز، دبیر کل اتحادیه بزرگ کارگری فرانسه (س ژ ت) در راه پیمائی روز شنبه گفت: «اکنون دولت وظیفه دارد که به معترضان گوش دهد. آن ها باید به مردم گوش دهند. ما به نیمه دوم دوره ریاست جمهوری ماکرون رسیده ایم. در این بخش او باید به مردم گوش کند و از متکبر بودن دست بکشد. این فرصت اوست که کاری کند.»

اتحادیه های کارگری فرانسه با همراهی دانشجویان اعتصابات خود را علیه اصلاح قانون بازنشستگی از ۵ دسامبر آغاز کردند. اعتصابات در ماه دسامبر و در وضعیتی که مردم به استقبال کریسمس و سال نو می روند تاکنون اختلال وسیعی در سیستم حمل و نقل فرانسه ایجاد کرده است.

اعتصاب سراسری بخش حمل و نقل فرانسه وارد چهارمین هفته شد. هزاران تن در فرانسه به دلیل این اعتصاب نتوانستند حتی در روز کریسمس را برگزار کنند. این اعتصاب در اعتراض به اصلاح قانون بازنشستگی است و هزاران سفر قطار لغو اعلام شده است. در این اعتراض ها تاکسی داران و شرکت های اجازه خودروهای سواری هم مشارکت کرده اند.

استرداد ماریو ساندووال مشهور به «قصاب آرژانتینی» انجام شد

دولت فرانسه یک افسر پیشین پولیس آرژانتین را که در قتل صدها نفر در دوران حکومت دیکتاتوری نظامی این کشور طی سال های ۱۹۷۶ تا ۱۹۸۳ میلادی نقش داشته، به این کشور تحویل داد.

ماریو ساندووال حدود نیمه شب یکشنبه با هواپیما از پاریس به آرژانتین فرستاده شد تا در مقابل دادگاه آرژانتین حاضر شود.

او پس از آن که مقامات فرانسه سرانجام با استرداد او موافقت کردند، در خانه خود در نزدیکی شهر پاریس دستگیر شد. ماریو ساندووال که اکنون ۶۶ سال دارد از سال ۱۹۸۵ میلادی در فرانسه زندگی می‌کند و شهروند این کشور محسوب می‌شود. در مدت ۳۴ سالی که او در فرانسه زندگی می‌کرد، افراد کمی از گذشته او باخبر بودند.

اگرچه مقامات آرژانتینی بر این باورند که او در بیش از ۵۰۰ مورد آدم ربائی، شکنجه و قتل در دورانی که نزدیک به ۳ هزار نفر ناپدید شدند نقش داشته است، اما دلیل اصلی که باعث شد مقامات فرانسه با استرداد او موافقت کنند، اتهام آدم ربائی یک دانشجوی رشته معماری به نام هرنان آبریاتا در سال ۱۹۷۶ میلادی بود. جسد هرنان آبریاتا هرگز یافت نشد.

سوفی تونون، وکیل مدافعی که از سوی شاکیان آرژانتینی پیگیر این پرونده است، می‌گوید که نبرد حقوقی برای استرداد ماریو ساندووال هشت سال طول کشیده است.

شورای دولتی فرانسه که به دولت فرانسه در امور حقوقی مشاوره می‌دهد، در اوت ۲۰۱۸ میلادی با استرداد او موافقت کرد اما ماریو ساندووال خواستار تجدیدنظر در این تصمیم شد.

وکلا ماریو ساندووال نیز بر این موضوع تاکید داشتند که در آرژانتین امکان محاکمه عادلانه او وجود ندارد و احتمالاً او شکنجه شده و در شرایط بدی زندانی خواهد شد.



بناتریس کاتارینی، مادر ۹۲ ساله هرنان آبریاتا در کنار پلاکاردی که تصویر ماریو ساندووال روی آن نصب است

آن‌ها حتی خواستار رسیدگی به پرونده استرداد، در دادگاه حقوق بشر اروپا شدند اما این درخواست در نهایت رد شد. به گفته سوفی تونون، این استدلال که ماریو ساندووال در صورت بازگشت در دادگاهی با انگیزه های سیاسی محاکمه خواهد شد، رد شده است زیرا ماریو ساندووال از آن رو تحت تعقیب است که مظنون به ارتکاب جنایت علیه بشریت است.

خانواده هرنان آبریاتا نیز به دنبال اجرای عدالت هستند. این دانشجوی معماری پس از کودتای نظامی سال ۱۹۷۶ آرژانتین، در مدرسه آموزش نیروی دریایی بوینس آیرس زندانی شده بود. جایی که گمان می‌رود ۵ هزار نفر زندانی شده و شکنجه می‌شدند. بسیاری از این زندانی ها در نهایت از داخل هواپیما به دریا یا رودخانه ها انداخته شدند.

بناتریس کانتارینی، مادر ۹۲ ساله هرنان آبریاتا، هم چنان در انتظار روزی است که ماریو ساندووال مقابل دادگاه آرژانتین حاضر شود. ماریو ساندووال اتهامات وارد شده را رد کرده و جعلی خوانده است. او در نهایت پس از سقوط حکومت نظامی از آرژانتین فرار کرد.

ماریو ساندووال در تمام این سال ها به عنوان استاد موسسه مطالعات امریکای لاتین در دانشگاه سوربون پاریس همچنین دانشگاه «مرن له وله» کار می کرد.

بسیاری در فرانسه و آرژانتین با تعجب می پرسند چگونه شکنجه گر پیشین توانسته است برای ده ها سال بدون آنکه حتی مورد سؤال واقع شود، در جامعه آکادمیک فرانسه فعالیت کند.

سوفی تونون می گوید که هنگامی که دانشگاه فرانسه در سال ۲۰۰۸ میلادی از گذشته ماریو ساندووال آگاه شده، او را کنار گذاشته است.

بیش از ۴۰ سال زندان برای دو کشیش آرژانتینی متهم به سوء استفاده جنسی از کودکان



دادگاهی در آرژانتین روز دوشنبه دو کشیش کاتولیک و یک باغبان سابق یک مدرسه متعلق به کلیسا برای دانش آموزان ناشنوا را در استان مندوسا در ارتباط با ۲۸ مورد سوء استفاده جنسی از کودکان، محکوم شناخت.

نیکولا کورادی و هوراسیو کورباخو به ترتیب به ۴۲ و ۴۵ سال زندان و آرماندو گومز، باغبان سابق این مدرسه به ۱۸ سال زندان محکوم شدند. این حکم که از سوی سه قاضی دادگاه کیفری صادره شده است به طور مستقیم از شبکه های تلویزیونی آرژانتین برای مردم پخش شد.

احکام صادر شده این دادگاه قطعی و غیرقابل تجدید نظر می باشد. بیش از ۲۰ نفر از دانش آموزان سابق مدرسه «آنتونیو پروولو» در مندوسا برای ناشنویان علیه این سه نفر شکایت کرده بودند و پروسه دادگاه سه سال به طول انجامید.

فعالانی که برای به نتیجه رسیدن این پرونده تلاش می کردند پس از اعلام حکم این کشیشان، این پیروزی را جشن گرفتند.

در اوایل ماه جاری، دادستان آرژانتین درخواست دستگیری یک اسقف کلیسای کاتولیک را صادر کرد. مقامات آرژانتینی می گویند که این اسقف به تماس های مکرر و ایمیل های مربوط به تحقیقاتی درباره سوء استفاده جنسی که علیه او مطرح است، تاکنون پاسخ نداده است.



به گفته مقامات دادستانی، گوستاو زانچتا، اسقفی که اتهام سوء استفاده جنسی علیه اش مطرح است در واتیکان زندگی می کند و پیش تر در بخش مالی کلیسا کار می کرده است.

دهم دسامبر

دهم دسامبر ۲۰۱۹ - ۱۹ آذرماه ۱۳۹۸، مصادف بود با هفتاد و یکمین سال گرد تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر که در دهم دسامبر سال ۱۹۴۸ منتشر شد. مجمع عمومی سازمان ملل متحد دو سال پس از تصویب «اعلامیه جهانی حقوق بشر»، یعنی در سال ۱۹۵۰ تصمیم گرفت که روز ۱۰ دسامبر را «روز جهانی حقوق بشر» اعلام کند تا توجه مردم جهان را به این اعلامیه، در حکم معیاری مشترک برای همه انسان ها و همه ملت ها، جلب کند.

در حال حاضر منشور حقوق بشر سازمان ملل متحد از جمله قوانین بین المللی است که از دیدگاه آن، همه افراد بشر از هر جنس و نژاد، در هر کجا که هستند، از حقوقی برابر برخوردارند. نیروهای ترقی خواه و انسان دوست سراسر جهان در این روز بار دیگر همبستگی شان را با جهان شمول بودن حقوق بشر اعلام کرده و می کوشند در جهت اجرای ماده های این منشور، به ویژه در آن دسته از کشورهایی که حقوق شهروندان نقض می گردد، گام بردارند.

روز جهانی حقوق بشر در شرایطی در سراسر جهان برگزار شد که در هفته های پیش از آن در ایران، حکومت اسلامی ایران، شهروندان معترض به گران شدن بنزین را به گلوله بست و در جریان این جنایت هولناک صدها تن کشته، شمار بسیاری زخمی، و هزاران تن دستگیر و روانه شکنجهگاه های سپاه و دیگر نیروهای امنیتی شدند.

بی اطلاعی از سرنوشت پناهجویانی که از ترکیه دیپورت شده اند

به گزارش وبسایت های خبری ایرانی و حقوق بشری کرد، ۳۳ پناهجوی ایرانی از ترکیه دیپورت شده اند. از سرنوشت آن ها هیچ اطلاعی در دست نیست. به گزارش یک وبسایت خبری، مرزبانان ایران آن ها را تحویل گرفته است.

به گزارش چند وبسایت خبری و حقوق بشری، روز پنجشنبه پنجم دی ماه - ۲۶ دسامبر، پولیس ترکیه یک پناهجوی سیاسی کرد به نام «عادل بهرامی» و ۳۲ پناهجوی دیگر را به ایران بازگردانده است.

شبهه حقوق بشر کردستان به نقل از یکی از دوستان عادل بهرامی در ترکیه، این خبر را تأیید کرد و نوشت که بهرامی در تاریخ ۲۸ آذرماه سال جاری در یک تماس تلفنی به دوستان خود اطلاع داده که پولیس ترکیه قرار است وی را به مکان نامعلومی منتقل کند.

او در روز دوم دی از انتقالش به شهر آگری در مرز ترکیه و ایران خبر داده است.

بر اساس این گزارش، دفتر کمیساریای عالی سازمان ملل متحد برای پناهندگان در آنکارا تقاضای پناهندگی بهرامی را در شهریور ۱۳۹۷ ثبت و او را به شهر آماسیا در شمال ترکیه منتقل کرده است. در ادامه گزارش شبکه حقوق بشر کردستان آمده است که این پناهجوی کرد اواخر آذر ۹۷ هنگام خروج «غیرقانونی» در فرودگاه آنتالیا بازداشت شده و تا تاریخ ۴ بهمن ۱۳۹۷ در زندان بوده است. «بولتن نیوز»، رسانه وابسته به نهادهای امنیتی حکومت اسلامی، نوشت: «عادل بهرامی به همراه تعداد دیگری از عوامل ضد انقلاب، از خاک کشور ترکیه اخراج و به داخل ایران دیپورت شدند و هم اکنون این افراد در کشور حضور دارند و تحویل مسوولان مرزبانی کشورمان شدند.» بولتن نیوز، به نقل از پولیس ترکیه نوشت، به زودی شمار دیگری از «عوامل فعال ضد انقلاب» به ایران دیپورت می شوند.

بیشترین خبرنگاران زندانی در چین، ترکیه، عربستان سعودی و مصر

کمیته حفاظت از روزنامه نگاران از در بند بودن دست کم ۲۵۰ خبرنگار در سراسر جهان در سال ۲۰۱۹، خبر داده است. در گزارش این کمیته در رابطه با ایران، به ۱۱ خبرنگار زندانی از جمله محمد مساعد اشاره شده است. بنا بر گزارش کمیته حفاظت از روزنامه نگاران «سی.پی.جی»، شمار خبرنگارانی که در سراسر جهان به دلیل فعالیت شان در سال ۲۰۱۹ در بازداشت به سر می برند، نزدیک به بالاترین رکورد ثبت شده یعنی ۲۷۳ نفر در سال ۲۰۱۶ است. این گزارش در تشریح چرائی افزایش شمار خبرنگاران زندانی، به چین و «جنگال آهنین» این کشور بر گلوی رسانه ها اشاره می کند و به ترکیه و سرکوب کمابیش تمامی گزارش های مستقل و روزنامه نگارانی که منتظر محاکمه اند یا در انتظار تجدیدنظر مانده اند. هم چنین استبداد، بی ثباتی و اعتراض ها در خاورمیانه بر پایه این گزارش، منجر به افزایش شمار خبرنگاران زندانی در این منطقه شده است. این کمیته می نویسد، برای چهارمین سال پیاپی، دست کم ۲۵۰ خبرنگار در سراسر جهان زندانی اند. چرا که در رفتار اقتدار گرایانی چون شی جین پینگ (رئیس جمهور چین) اردوخان (رئیس جمهور ترکیه)، محمد بن سلمان (ولیعهد عربستان) و عبدالفتاح سیسی (رئیس جمهور مصر) هیچ نشانه ای برای برآمدن و امکان فعالیت رسانه های منتقد دیده نمی شود.

کمیته حفاظت از روزنامه نگاران از عربستان سعودی به عنوان کشوری از این منطقه نام می برد که اکنون «در کنار مصر به عنوان سومین زندان بزرگ خبرنگاران» در مقایسه ای جهانی، قرار گرفته است. کمیته حفاظت از روزنامه نگاران در گزارش ویژه خود می نویسد، پس از چین، ترکیه، عربستان سعودی و مصر، بدترین زندان ها برای خبرنگاران، (بی شترین خبرنگاران زندانی) اریتره، ویتنام و ایران است. کمیته حفاظت از روزنامه نگاران، به اعتراضات سال ۲۰۱۹ در ایران اشاره می کند و می نویسد، شمار خبرنگاران زندانی در این کشور تا ۱۱ تن در این سال، افزایش یافته است. در این گزارش به نام محمد مساعد اشاره شده است؛ خبرنگاری که در جریان قطعی اینترنت در آبان ماه در توئینر از عدم امکان دسترسی به اینترنت و استفاده از پروکسی های مختلف برای رساندن صدای معترضان به جهان، استفاده کرد و بازداشت شد.

گزارشگران بدون مرز

۴۹ کشته و ۳۸۹ زندانی بیلان سازمان گزارشگران بدون مرز در سال ۲۰۱۹ است. در قیاس با سال پیش امسال تعداد کم تری خبرنگار کشته شدند. این کاهش نشانه بهبود اوضاع نیست چرا که شمار خبرنگاران زندانی افزایش یافته است. در گزارش سالانه گزارشگران بدون مرز برای سال ۲۰۱۹، آمده است کشورهای چون مکزیک، سوریه، افغانستان، سومالی و پاکستان برای خبرنگاران ناامن ترین نقاط دنیا بوده است.

به گفته گزارشگران بدون مرز، تعداد خبرنگارانی که در سال ۲۰۱۹ کشته شدند کاهش پیدا کرده است. سال پیش ۸۷ خبرنگار و شهروند خبرنگار در نقاط مختلف جهان کشته شدند. این رقم سال ۲۰۱۹ کاهش یافته و به ۴۹ نفر رسیده است. این آمار پائین ترین رقم در ظرف ۱۶ سال گذشته بوده است. به ویژه تعداد کشته شدگان در مناطق جنگی به شدت کاهش پیدا کرده است. به گفته سخنگوی گزارشگران بدون مرز نگاهی به دلایل آن نشان می دهد که این کاهش، نشانه بهبود اوضاع نیست.

در گزارش ۲۰۱۹ این نهاد بین المللی، آمده است که بسیاری از خبرنگاران که در مناطق جنگی به ویژه خاورمیانه کار می کنند آموزش های لازم برای کار در این مناطق را دیده و از ابزار لازم برخوردارند.

در افغانستان و یمن وضعیت برای خبرنگاران سخت تر شده است. با این وجود شمار کشته شدگان در این دو کشور هم کاهش پیدا کرده است. در سال ۲۰۱۹ در یمن دو خبرنگار کشته شدند، در حالی که سال پیش از آن ۱۰ نفر بوده است. سخنگوی گزارشگران بدون مرز، گفته است که یکی از دلایل کاهش مرگ خبرنگاران این بوده که آن ها مجبور شدند به دلایل امنیتی شغل خود را تغییر دهند. او گفته است که یکی از خبرنگاران پیشین روزنامه الثوره در یمن حرفه خود را عوض کرده و اکنون در صنعا، پایتخت این کشور پیش خدمت یک رستوران است. روزنامه نگار دیگر یمنی از روزنامه «اخبار الیمن» بستنی فروش شده است.

اوضاع برای خبرنگاران به ویژه در چین وخیم تر شده و تعداد خبرنگاران زندانی در این کشور دو برابر شده است. سال پیش ۶۰ خبرنگار در این کشور در حبس بوده، در حالی که این میزان امسال به ۱۲۰ نفر رسیده است.

بیش تر این خبرنگاران به اتهاماتی چون «جاسوسی و تجزیه طلبی» زندانی شدند. یکی از مشهورترین آنان الهام توختی، اقتصاددان اویغور است که در سال ۲۰۱۴ زندانی و به جرم جدائی طلبی به حبس ابد محکوم شد. توختی صاحب سایتی است که در آن مطالبی در دفاع از حقوق اویغورها انتشار داده است.

در گزارش ۲۰۱۹ سازمان گزارشگران بدون مرز، آمده است که در ایران ۹ روزنامه نگار در حبس به سر می برند. تعداد شهروند خبرنگاران محبوس نیز به ۱۲ نفر رسیده است.

گزارشگران بدون مرز، به ویژه بعد از بروز اعتراض های ایران درباره وضعیت روزنامه نگاران ایرانی خارج از کشور ابراز نگرانی کرده است.

اخیرا در گزارشی که این نهاد بین المللی منتشر کرد، تهدید و فشار علیه همکاران رسانه های جهانی فارسی زبان و روزنامه نگاران مستقل مقیم خارج و خانواده هایشان را محکوم کرد.

در بیانیه گزارشگران بدون مرز، هم چنین آمده است که روزنامه نگاران تهدید شده ترجیح می دهند برای پرهیز از فشارهای بیش تر، نامی از آن ها به میان نیاید.

بر پایه تحقیقات سازمان اینترنتی Access Now، هند کشوری است که بیش ترین قطعی اینترنت در جهان را به نام خود ثبت کرده است که دامنه خسارت های ناشی از این مسأله گسترده است. بر اساس گزارش یک اندیشکده هندی که در زمینه ارتباطات اقتصادی بین المللی فعال است، ۱۶۳۰۰ ساعت قطعی اینترنت بین سال های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۷ بیش از سه میلیارد دالر به اقتصاد هند ضرر زده است.

ایران نمونه بارزی برای استفاده از این ابزار است. با آغاز اعتراض‌هایی که دلیل آن افزایش بهای بنزین بود، دسترسی مردم به شبکه برای تقریباً ۱۰ روز در پایتخت قطع شد. در برخی نقاط ایران که اعتراض‌ها در آنجا شدت بیشتری داشت و دامنه سرکوب هم گسترده‌تر بود، شهروندان حتی تا دو هفته به اینترنت دسترسی نداشتند. قطعی اینترنت نه تنها بسیاری از امور روزانه زندگی مردم را مختل کرده بود که مشکل فراوانی برای رسانه‌ها و سازمان‌های حقوق بشری برای گزارش‌دهی و دیده‌بانی آن‌چه که در ایران در حال رخ دادن بود، به وجود آورد. به همین دلیل، ابعاد خشونت‌هایی که علیه معترضان و در سرکوب آنان به کار گرفته شده، هم‌چنان نامشخص است. در ترکیه پرتال‌هایی چون یوتیوب یا توئیتر با انتشار محتوای انتقادی علیه دولت مسدود می‌شوند. در اعتراضات پارک گیزی در سال ۲۰۱۳، در سراسر کشور ساعت‌ها دسترسی به فیس‌بوک و توئیتر غیرممکن بود و اتصال به اینترنت از راه‌های معمول ناشدنی. دولت ترکیه اما در آن زمان، این اتهام را که با دستور دولتی توئیتر یا فیس‌بوک مسدود شده‌اند، رد کرد.

شاخص آزادی بشر

بر اساس گزارش تازه شاخص آزادی بشر با همکاری موسسه تحقیقاتی کاتو در واشینگتن، موسسه فریزر در کانادا، و بنیاد فردریک نیومن تهیه شده است؛ ایران در میان ۱۶۲ کشور در جایگاه ۱۵۴ قرار گرفته است. رتبه ایران در گزارش پیشین شاخص آزادی بشر هم همان ۱۵۴ بود، البته در میان ۱۵۹ کشور. این رتبه بندی بر اساس مولفه‌های گوناگون انجام شده است. سه شاخص عمده در تعیین رتبه آزادی‌های انسانی مربوط به آزادی‌های شخصی، آزادی‌های اقتصادی و آزادی‌های حقوق بشری است. این رتبه بندی‌ها از صفر تا ۱۰ انجام شده که رتبه‌های بالا نشان‌دهنده آزادی‌های انسانی بیشتر است. رتبه ایران ۵/۱ است و در برخی شاخص‌ها، مانند آزادی‌های شخصی، آزادی اجتماع و اعتراض، حاکمیت قانون و موارد مربوط به جنسیت و اعتقادات، رتبه‌های به مراتب نازل‌تری را به دست آورده است و در مواردی مانند تروریسم، قتل و امنیت، رتبه ۷/۱ به دست آورده که اگرچه مقداری بالا است، اما نسبت به ده سال گذشته این شاخص برای ایران حدود ۸ بود. به عبارتی در این زمینه نیز ایران عقب رفته است.

فیس بوک: اطلاعات بیش از ۲۰۰ میلیون کاربر لو رفته است

شبکه اجتماعی فیس بوک اعلام کرد که اطلاعات ۲۶۷ میلیون کاربر این شبکه لو رفته و مدیران آن قصد دارند در این باره تحقیق کنند.

بر اساس گزارش خبرگزاری فرانسه، جمعه ۲۰ دسامبر ۲۰۱۹، فیسبوک اعلام کرد که هفته پیش، یک گروه ناشناس، طی یک حمله هکری، اطلاعاتی شامل «نام و شماره تلفن بیش از ۲۶۷ میلیون کاربر» را لو دادند. مطابق اعلام این شبکه اجتماعی، شدت این حمله به حدی بوده که «صفحات این کاربران تا چند روز در دسترس نبوده است.»

این در حالی است که «فیس بوک، گوگل و توئیتر»، متهم هستند در خلال رقابت انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶ آمریکا نتوانستند جلوی حملات و دخالت‌های طرف‌های خارجی در انتخابات را بگیرند.

بر اساس این گزارش، این اطلاعات که شامل؛ «نام کاربری، شماره تلفن و نام حقیقی کاربران» بوده و در یکی از کانال های مجازی وابسته به «گروه های تبه کار» منتشر شده بود، اکنون در دسترس نیست و فیس بوک احتمال می دهد که پیش از تغییرات امنیتی سال های اخیر این سایت، لو رفته باشند.

محیط زیست

سال ۲۰۱۹، کشورهای اروپائی شاهد ظهور اعتراضاتی بوده اند که مستقیماً به سیاست های اقلیمی مربوط بوده است. یا به خاطر آن که دولت در این زمینه کم کاری کرده است، مانند انگلستان؛ یا به خاطر آن که تدابیر محیط زیستی اتخاذ شده از سوی دولت به همه اقشار جامعه به میزان یکسانی فشار وارد نمی کند، مانند محدودیت در زمینه استفاده از سموم آفت کش در المان و هلند که منجر به مسدود کردن بزرگراه ها توسط کشاورزان شد، ...

واضح است که اگر ما می خواهیم آینده قابل زیستی را برای انسان روی کره زمین متصور شویم، باید هرچه زودتر خواهان مصرف سوخت های فسیلی شد.

اما یک دختر نوجوان سوئدی با اقدامات بی سابقه خود تعریف جدیدی از فعالیت و مبارزه مدنی ارائه داده و وجدان عمومی در مورد مبارزه با تغییرات جوی زمین را آگاه کرده است.

اکنون بسیاری از جوانان «گرتا تونبرگ» را الگوی خود قرار داده اند و معتقدند که نسل های قبلی سیاره زمین را در راه پیشرفت اقتصادی و رفاه شخصی قربانی کرده اند.

گرتا تونبرگ در جلسات مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سپتامبر ۲۰۱۹ در مورد بی عملی در زمینه مقابله با گرمایش زمین خطاب به رهبران جهان گفت: «به چه جراتی چنین می کنید؟»

در دهه ۲۰۱۰ که با یک سانحه بزرگ در یک نیروگاه هسته ای جاپان به دلیل وقوع زلزله و سونامی آغاز شد، افکار عمومی جهان روی تغییرات جوی زمین و پیامدهای آن متمرکز شده است. با این حال، بشر هنوز در کاهش تولید گازهای گلخانه ای به موفقیت دست نیافته و دمای زمین در حال افزایش است.

جامعه بین المللی در سال ۲۰۱۵ توانست در مورد معاهده اقلیمی پاریس به توافق برسد، ولی آن تعهدات کافی نبود و دولت امریکا قصد دارد از این پیمان خارج شود.

حفاظت از محیط زیست در بسیاری از کشورها به یکی از مهم ترین مسائل بدل شده است.

اما روشن است نخست هر اقدامی برای مواجهه با تغییرات اقلیمی که نیازهای اکثریت ساکنان کره زمین را لحاظ نکند به طرز فاجعه باری شکست خواهد خورد. و دوم آن که، این نیازهای اساسی شامل نه فقط غذا، مراقبت درمانی و مسکن، بلکه منزلت و اشکال گوناگون همبستگی نیز می شود.



یک نقاشی دیواری از گرتا تونبرگ، فعال محیط زیست، در شهر سانفرانسیسکو امریکا

«جان بلامی فاستر» استاد جامعه‌شناسی در دانشگاه اورینگان و سردبیر مجله ماننتلی ریویو نوشته‌های زیادی درباره سرمایه‌داری، مارکسیسم و بحران اکولوژیکی دارد.

ویدر یکی از مصاحبه‌هایش گفته است: نمی‌توانیم با بحران اقلیمی و بسیار کمتر با اضطراب بحران اکولوژیکی کل سیاره، به شیوه‌ای موثر مواجه شویم، تا زمانی که از منطق اقتصاد سرمایه‌داری جهان شده پیروی می‌کنیم. اما در حال حاضر در چنین نظامی زندگی می‌کنیم و زمان بسیار ناچیزی هم برای پاسخ به تغییرات اقلیمی داریم. پس مسأله مهم، هم اکنون، راه بردن جامعه به سمتی است که به مردم و طبیعت بیش از سود اهمیت دهد و این دقیقاً برخلاف مسیر سرمایه‌دارانه است که در آن سود بر مردم و طبیعت ارجحیت دارد. ما باید در برابر منطق سیستم بایستیم، حتی زمانی که در آن زندگی می‌کنیم. این همان چیزی است که آن را «حرکت به سوی سوسیالیسم» می‌خوانیم؛ آن چنان که برای اولین بار «ویلیام موریس» آن را صورت‌بندی کرد.

سرمایه‌داری صرفاً یک نظام نیست، بلکه نظامی از روابط اجتماعی و فرایندهای اجتماعی‌ساخت و سازانه است و ما باید بسیاری از این روابط و فرایندها را که به شکلی ریشه‌ای از آن برآمده و مشخصاً به اضطراب اکولوژیکی کنونی مربوط هستند. در یک بازه زمانی طولانی، ما بدون شک به یک انقلاب اجتماعی و اکولوژیکی تمام‌عیار و فراروی از روابط سرمایه‌دارانه تولید کنونی نیاز داریم. اما در وضع فعلی، در شرایط اضطراری قرار داریم و اولویت، خلاص شدن از شر سوخت‌های فسیلی است که در بردارنده ویرانی آن چیزی است که «سرمایه فسیلی» خوانده می‌شود. هدف اجتناب از آن چیزی است که دانشمندان سامانه زمین آن را «زمین گرمخانه» می‌خوانند؛ لحظه‌ای که در آن، تغییرات اقلیمی فاجعه‌بار ممکن است برای دهه‌ها تثبیت و برگشت‌ناپذیر شوند.



آلودگی نفس گیر تهران

اطلاعات شرکت کنترل کیفیت هوای تهران نشان می‌دهد میزان آلودگی صوتی در یازده نقطه تهران در مرحله خطرناک قرار دارد.

آلودگی هوا در تهران هم در هفته‌های اخیر تشدید شده و بارها باعث تعطیلی مدارس شده است. این آلودگی به حدی بوده که پیروز حناچی شهردار تهران آن را در «مرحله خطرناک» خوانده و محسن هاشمی رئیس شورای شهر تهران هم گفته وضعیت هوای پایتخت «افتضاح» است.

خبرگزاری مهر می‌نویسد بر اساس اطلاعات ایستگاه‌های ثابت سنجش صوت در تهران در ۱۱ نقطه، آلودگی صوتی در مرحله خطرناک قرار دارد.

۱۱ نقطه هم دارای شاخص آزار دهنده و شش نقطه نامناسب برای کودکان و بیماران است.

بیش از این هم مقام های شهری در تهران، آلودگی صوتی در این شهر را «بحرانی» خوانده بودند. سازمان حفاظت محیط زیست ایران می گوید «آلودگی صوتی» عبارت است از پخش و انتشار هر گونه صوت، صدا و ارتعاش مربوط، بیش از حد مجاز و مقرر در فضای باز (غیر سرپوشیده). منابع آلودگی صوتی در تهران به گفته سازمان حفاظت محیط زیست؛ وجود دو فرودگاه عمده در محدوده شهر تهران، شبکه راه آهن در جنوب تهران، وجود کارگاه های صنعتی مانند نجاری، تراشکاری، صاف کاری و آهن گری، سیستم حمل و نقل شهری.

هوا شهرهای جنوب ایران ده ها برابر بدتر از تهران است. سخنگوی سازمان اورژانس ایران گفت: طی ۷ روز گذشته و به دلیل بروز آلودگی هوا و افزایش ذرات معلق هوا در شهرهای اصفهان، البرز، تهران، مرکزی، قزوین، قم، آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، خوزستان، یزد و همدان تعداد ۱۷ هزار و ۳۰۳ نفر به اورژانس پیش بیمارستانی سراسر ایران مراجعه کردند که از این تعداد ۱۰ هزار و ۴۷۱ نفر بیماران قلبی و ۶ هزار و ۵۳۰ نفر بیماران تنفسی بوده اند.



وی با بیان این که تهران رکورددار مراجعات به اورژانس در روزهای آلوده است، ادامه داد: ۷۹۱۰ نفر در تهران به اورژانس پیش بیمارستانی مراکز درمانی و بیمارستان ها مراجعه کردند که ۴۹۰۴ نفر بیمار قلبی و ۳۰۰۶ نفر بیمار تنفسی بوده اند. تعداد مراجعه کنندگان به اورژانس پیش بیمارستانی به دلیل افزایش ذرات معلق هوا در استان اصفهان ۲۲۵۵، آذربایجان غربی ۱۷۵۳، و آذربایجان شرقی ۱۶۳۷ نفر است.

با گسترش آتش سوزی در جنوب شرق استرالیا؛ هزاران نفر به ساحل پناه بردند

گسترش دامنه آتش سوزی در مراتع و بوته زارهای استرالیا که بخش هایی از این کشور را در برگرفته سبب شد تا مقامات محلی از حدود صد هزار نفر از ساکنان حومه پایتخت بخواهند که هرچه زودتر منازل خود را تخلیه کنند و به مناطق امن تری نقل مکان کنند.



از سوی دیگر، هزاران تن از ساکنان مالاکوتا، یک شهر کوچک ساحلی که در منطقه توریستی جنوب شرق استرالیا واقع شده روز سه شنبه برای در امان ماندن از شعله های مهیب آتش سوزی ناچار شدند به سواحل این منطقه پناه ببرند. بر اساس گزارش منابع محلی، حدود ۴ هزار تن از ساکنان و نیز افرادی که برای گذراندن تعطیلات به مالاکوتا آمده بودند پس از قرار گرفتن در محاصره آتش چاره ای جز پناه بردن به سواحل دریا پیدا نکردند. ورود یک موج جدید از هوای گرم روز دوشنبه سبب شدت گرفتن دامنه آتش سوزی در برخی از مناطق این کشور شد به نحوی شعله های آتش حتی تا درب خانه های ساکنان نیز گسترش یافت. برخی از ساکنان حتی در سواحل نیز احساس امنیت نکرده و ترجیح دادند با قایق های خود به دل آب بزنند تا از خطر مواجه شدن با شعله های آتش در امان باشند. گسترش کم سابقه آتش، هم چنین سبب شد تا ده ها خانه روز دوشنبه در ایالات نیو سات ولز و ویکتوریا واقع در جنوب شرق استرالیا نابود و چندین نفر نیز در این مناطق ناپدید شوند. برخی رسانه های محلی، گزارش کرده اند که تعدادی از ساکنان شهرهای مختلف ایالات نیو سات ولز از جمله شهر برماگوی نیز از بیم سوختن در شعله های آتش به آب پناه برده اند. دمای بالای چهل درجه که با وزش بادهای شدید همراه شده به همراه صاعقه ضمن فراهم کردن زمینه گسترش آتش سوزی بیش از دویست مورد آتش سوزی جدید را در ایالت های جنوب شرقی از جمله ویکتوریا دامن زده است. آتش سوزی در نواحی طبیعی مناطق جنوب و جنوب شرقی استرالیا از ماه سپتامبر گذشته تاکنون دست کم سه میلیون هکتار از مراتع به همراه بیش از هزار منزل مسکونی را از بین برده و ۱۰ کشته بر جای گذاشته است.

امید آفرینی محققان دنیای پزشکی در سال ۲۰۱۹

محققان دنیای پزشکی، سال ۲۰۱۹، امیدهای زیادی خلق کردند. آخرین تحقیقات در مورد آلودگی هوا: سال ۲۰۱۹ آلودگی هوا منجر به مرگ بیش از یک میلیون نفر در هند و ده ها هزار نفر در امریکا و بریتانیا و ایران شد. *خیلی از کشورهای جهان مثل ایران، گرفتار آلودگی هوا هستند اما خیلی از ما نمی دانیم که آلودگی هوا دقیقا چه بر سر بدن می آورد؟ چند تحقیق علمی در این باره در سال ۲۰۱۹ منتشر شد که نتایج نگران کننده ای داشت: *ثابت شد که آلودگی هوا می تواند به تک تک سلول ها و تک تک اندام های بدن آسیب بزند. آلودگی هوا می تواند منجر به تومور مغزی بشود. آلودگی هوا مانع از رشد طبیعی ریه نوزادان و کودکان می شود. آلودگی هوا پریود و قاعدگی زنان را نامنظم می کند. حالا در خیلی از شهرهای آلوده دنیا، شهروندان از دولت ها می خواهند سریعتر عمل شوند و اقدام هائی معنادار برای پاک سازی هوای شهرها انجام دهند. کاهش پنجاه درصدی سکنه های قلبی و مغزی با مصرف روزانه یک قرص. قرصی که محققان ایرانی در بزرگ ترین تحقیق بالینی دنیا در زمینه بیماری های قلب و عروق ثابت کردند می تواند جلوی بسیاری از مرگ های زودرس را بگیرد.

تحقیقات انجام شده در ایران، به سرپرستی دکتر رضا ملک زاده در کنار محققان دیگر در امریکا و بریتانیا نشان داده که یک قرص ترکیبی می تواند موارد حمله قلبی را تا یک سوم کاهش دهد.

قرص «پلی پیل - Poly pill» حاوی آسپرین برای رقیق کردن خون، استاتین برای کاهش کلسترول و دو ماده دیگر برای کاهش فشار خون است.



دکتر فرین کمانگر، از محققان این پروژه به بی.بی.سی فارسی، گفت: «حدود هجده سال قبل این ایده مطرح شد که چند تا از این قرص ها را با هم ترکیب کنیم تا هر شخص بتواند با خوردن یک قرص، احتمال ابتلا به بیماری های قلبی و عروقی را پائین بیاورد.»

استاد اپیدمیولوژی دانشگاه دانشگاه ایالتی مورگان امریکا گفت:

«برای اولین بار بود که چنین قرصی را در دنیا چندین سال به چندین هزار نفر دادند و خوشبختانه نتیجه نشان داد که این قرص احتمال ابتلا را حداقل ۳۴ درصد کم می کند و اگر روزانه و مرتب مصرف شود تا پنجاه درصد خطر ابتلا به بیماری های قلبی - عروقی کم می شود.

این تحقیق سال ۲۰۱۹ در مجله معتبر لنست چاپ شد.

محققان ایرانی با همکاری دو موسسه معتبر سرطان جهانی از ده سال قبل شروع به تحقیق در مورد عوامل بروز سرطان مری در این ناحیه کردند.

این تحقیق که روی پنجاه هزار نفر انجام شده و در مجله معتبر لنست چاپ شده، شش عامل اصلی را که سبب سرطان مری می شوند شناسایی کرده است.

بیشترین موارد بروز سرطان مری در جهان، در استان گلستان ایران است. چرا؟

دکتر مهدی شیخ، محقق پژوهشگاه گوارش و کبد دانشگاه علوم پزشکی تهران به بی.بی.سی فارسی، گفت:

«بعد از سال ها تحقیق به شش عامل سرطان مری رسیدیم. اولین عامل تریاک است. در جامعه آماری ما در استان گلستان، متأسفانه ۱۷ درصد تریاک می کشیدند. عامل بعدی مصرف کم میوه و سبزیجات است. از عوامل دیگر می توان به آب غیرلوله کشی و استفاده از سوخت های فسیلی و بیوزیستی در فضای بسته داخل خانه اشاره کرد.

بهداشت ضعیف دهان و دندان و نوشیدن چای داغ هم از عوامل ایجاد سرطان مری هستند.»

دکتر مهدی شیخ، پژوهشگر سرطان سازمان بهداشت جهانی اضافه کرد: «هیچ کدام از شش عامل بالا بتهائی نمی توانند منجر به سرطان مری شوند بلکه ترکیبی از این عوامل منجر به سرطان می شود. تحقیق ما در استان گلستان

نشان داد کسانی که در معرض چند تا از عوامل بالا هستند، هفت برابر بیشتر تر امکان ابتلا به سرطان مری دارند.»

«اما از آن جا که همه این شش عامل قابل پیش گیری هستند، شاید بتوان گفت با آموزش و اطلاع رسانی و بالا بردن

کیفیت زندگی افراد، می توان آن ها را از خطر ابتلا به سرطان مری نجات داد.»

در بریتانیا و در ایران تقریباً از هر صد نوزاد، یکی با نارسائی قلبی به دنیا می آید. این یعنی جراحی قلب باز برای نوزاد اما در سال ۲۰۱۹، پروفسور رضا رضوی، متخصص قلب کودکان در بیمارستان سنت توماس لندن که دختر خودش هم جزو یکی از این نوزادان بود، توانست به این کابوس پایان بدهد.

پروفسور رضوی به بی.بی.سی فارسی گفت: «وقتی مادر در هفته بیستم بارداری است، ما می توانیم با ام آر آی به قلب جنین نگاه کنیم. بعد با استفاده از مدل سه بعدی قلب جنین، دقیقاً می فهمیم که چه اشکال هائی در ساختار قلب یا رگ های اطراف قلب جنین هست. سپس تصمیم می گیریم که جنین بعد از به دنیا آمدن دقیقاً نیاز به چه جراحی دارد. این طوری هم خیال پدر و مادر راحت تر است هم کودک درد کم تری می کشد و زودتر برای درمان فرستاده می شود.»

قبلاً در دوران بارداری، ام آر آی انجام می شد اما چون جنین در شکم مادر مدام حرکت می کند، تصویر خیلی محوی از قلبش دیده می شد و مشخص نبود که قلب ایراد دارد یا نه.

حالا تیم پروفسور رضوی توانستند با استفاده از نرم افزار خاصی عکس های دو بعدی ام آر آی را به یک مدل سه بعدی دقیق قلب تبدیل کنند.

داشتن چنین مدلی این امکان را به جراح می دهد که قبل از به دنیا آمدن نوزاد بتوانند روی آن مطالعه کنند، برش لایه ای بزنند و دقیقاً برنامه جراحی را طراحی کنند تا به محض به دنیا آمدن بچه نارسائی را رفع کنند.



واکسن سرخک ۵۵ سال قبل کشف شده و همه ما انتظار داریم که در سال ۲۰۱۹ این بیماری ریشه کن شده باشد ولی امسال ۴۱۳ هزار نفر در دنیا به سرخک مبتلا شدند؛ نه فقط در کشورهای فقیر، در اروپا هم از ۵۳ کشور، ۴۷ کشور اپیدمی سرخک داشتند.

چرا؟ چون عده ای شروع کردند به تبلیغ باورهای غلط و غیرعلمی که مثلاً واکسن منجر به اتیسم می شود یا مواد داخل واکسن سرطان زا است.

در امریکا، آمار پدر و مادرهائی که نمی گذارند به بچه شان واکسن زده شود از ۱۵ سال قبل، سه برابر شده است. دو تحول پزشکی زیر در سال ۲۰۱۹ اتفاق افتادند، با این که هنوز برای همه در دسترس نیستند اما خیلی امیدوار کننده اند.

مردی فلج توانست با لباسی که با پیام های مغزش کنترل می شد چهار دست و پایش را حرکت دهد. این پوشش مانند اسکلتی است که بیرون بدن قرار می گیرد.

تیبوی ۳۰ ساله اولین کسی است که توانست با این پوشش راه برود. حرکت اندام های تیبو بخصوص راه رفتنش هنوز خیلی کار دارد و این لباس - روبات را فقط در محیط آزمایشگاه می توان به کار گرفت اما پژوهش گران امیدوارند راهی تازه برای درمانی متفاوت برای به حرکت در آوردن اندام های فلج، پیدا کرده باشند.

دانشمندان موفق به اختراع وسیله ای قابل کاشت در مغز شده اند که می تواند افکار را بخواند و آن ها را تبدیل به کلمات کند.

اول یک الکتروود در مغز کاشته می شود تا سیگنال های الکتریکی را که وظیفه آن ها حرکت دادن لب ها، زبان، حنجره و فک است دریافت کند.



سپس از پردازنده ای قدرتمند برای شبیه سازی چگونگی شکل گیری کلمات در دهان و حنجره استفاده می شود. نتیجه گفتاری مصنوعی است که از یک «دستگاه صوتی مجازی» پخش می شود.

مشکلاتی مثل بیماری نورون حرکتی، ضایعه مغزی، سرطان گلو، بعضی سکنه های مغزی، «ام اس» یا پارکینسون می تواند باعث از دست رفتن قوه تکلم شوند و محققان می گویند که این دستگاه می تواند به بعضی از این بیماران کمک کند.

۲۰۲۰، «سال بتهوون»، ۲۵۰مین زادروز نابغه موسیقی المان و جهان

اهالی موسیقی در سراسر جهان ۲۵۰مین زادروز لودویگ فان بتهوون را به شیوه های گوناگون جشن می گیرند. از برنامه های جالب «سال بتهوون» می توان به اجراهای سمفونی ۹ بتهوون توسط مارین آلسوپ امریکائی و آثار مهدیس کاشانی اشاره کرد.

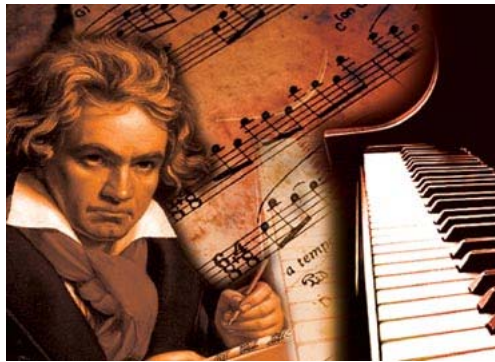
از شهر بن المان، زادگاه لودویگ فان بتهوون، تا نیویورک؛ از سائو پائولوی برزیل تا مسکو؛ از بغداد تا استکهلم و دهلی نو و شانگ های و رایکیاویک و کیپ تاون: آهنگ سازان و دیگر اهالی موسیقی برجسته بین المللی در حال برنامه ریزی برگزاری جشن تولدی بی مانند برای یکی از تاثیرگذارترین آهنگ سازان جهان هستند.

کسی از روز تولد لودویگ فان بتهوون اطلاع ندارد اما روز ۱۷ دسامبر ۱۷۷۰ به عنوان روز غسل تعمید او ثبت شده و گفته می شود که احتمالاً یک روز پیش از آن به دنیا آمده است.

زادروز این نابغه دنیای موسیقی نه در یک روز، بلکه در سراسر سال ۲۰۲۰ میلادی با اجرای کنسرت های گوناگون، نمایش ها و برگزاری نمایشگاه های مختلف جشن گرفته می شود.

بن شهر زادگاه او در دو نوبت، از ۱۳ تا ۲۲ مارس و از چهارم تا ۲۷ سپتامبر شاهد برگزاری کنسرت ها و نمایشگاه های گوناگونی است و در این راستا از جمله میزبان ارکستر ملی لیون فرانسه، ارکستر سمفونی میلان ایتالیا، ارکستر سمفونی جوان روسیه و شمار زیادی از خوانندگان و نوازندگان برجسته اروپائی خواهد بود.

در شهر بن، انجمنی به نام «جامعه برگزاری جشن بتهوون» ایجاد شده که در طول سال ۲۰۲۰ بیش از ۳۰۰ پروژه موسیقایی را از نظر مالی حمایت می‌کند و خود نیز چند پروژه هنری را در این راستا برنامه ریزی کرده است. اثری که بیشترین اجرا را خواهد داشت از جمله این پروژه‌ها می‌توان به همکاری «جامعه سلطنتی فیلامونی بریتانیا» و جشنواره پرفورمانس شانگ‌های برای اجرای سمفونی شماره ۹ بتهوون در شهر بن اشاره کرد. با نگاهی به برنامه‌های گوناگون «سال بتهوون» می‌توان دریافت که از میان آثار موسیقایی آهنگ‌ساز برجسته المانی، سمفونی ۹ بیش‌تر از همه اجرا خواهد داشت. ارکسترهای مطرح پاریس، شیکاگو، توکیو، سائو پائولو و هنگ‌کنگ، سالزبورگ و وین هم این شاهکار موسیقایی را اجرا خواهند کرد.



از جمله برنامه‌های جذاب «سال بتهوون» اجرای سمفونی ۹ به همراه آثار دیگر آهنگ‌سازان برجسته در استکلهم است که با عنوان «بتهوون و زنان» اجرا می‌شوند. این عنوان بیانگر حضور بیش از پیش نوازندگان و خوانندگان زن در اجراهاست. یکی دیگر از برنامه‌های جذاب با عنوان «همه با هم» معرفی شده است. مارین آلسوپ، رهبر ارکستر امریکایی، سمفونی ۹ را در پنج قاره اجرا می‌کند: در ایالات متحده، برزیل، بریتانیا، اتریش، استرالیا و آفریقای جنوبی. خانم آلسوپ مدیر هنری ارکستر سمفونی بالتیمور و ارکستر سمفونی دولتی سائو پائولو است. جذاب‌ترین بخش اجراهای آلسوپ، اجرای کر بخش پایانی سمفونی است که به زبان همان محلی که کنسرت اجرا شده، خوانده می‌شود. در سیدنی، نوازندگان بومی استرالیا هنگام اجرای سمفونی ۹ قطعه‌ای از آهنگ‌های سنتی خود را هم اجرا می‌کنند. مهدیس کاشانی، آهنگ‌ساز ایرانی هم چند قطعه اجرا می‌کند که با الهام از سلسله نغمه‌های بتهوون با عنوان «برای عاشقی در دوردست» ساخته است. لودویگ فان بتهوون که در سن ۴۸ سالگی کاملاً ناشنوا شده بود، حدود ۲۴۰ اثر آفرید که ۹ سمفونی، یک اپرا، کنسرتوهای پیانو و کنسرت‌های گوناگون برای سازهای زهی را دربرمی‌گیرد. بتهوون در دوران کودکی نواختن پیانو و ویولن را آموخت، در ۷ سالگی اولین کنسرت خود را اجرا و در ۱۲ سالگی نخستین اثر خود را خلق کرد. این آهنگ‌ساز بزرگ در روز ۲۶ مارس ۱۸۲۷ در سن ۵۶ سالگی در وین از دنیا رفت.

برندگان مراسم اسکار ۲۰۱۹

فیلم «کتاب سبز» در نود و یکمین مراسم جوایز آکادمی علوم و هنرهای تصاویر متحرک امریکا (اسکار)، جایزه بهترین فیلم سال ۲۰۱۹ را دریافت کرد. مراسم سال ۲۰۱۹، بدون مجری برگزار شد و این مسأله در سی سال اخیر بی سابقه بوده است.



اولیوا کولمن برای نقش آفرینی در فیلم «سوکلی» (The Favourite) اسکار بهترین بازیگر نقش اول زن را دریافت کرد. فیلم روما ساخته آلفونسو کوآرون موفق به دریافت سه جایزه اسکار در بخش های بهترین فیلم انگلیسی زبان، بهترین کارگردانی و بهترین فیلم برداری شد. رامی مالک برای نقش آفرینی در فیلم راپسودی بوهمی جایزه اسکار بهترین بازیگر نقش اول مرد را از آن خود کرد. آلفونسو کوآرون، کارگردان فیلم «روما»، جایزه بهترین کارگردان در مراسم اسکار را دریافت کرد. جایزه بهترین بازیگر نقش مکمل مرد برای ایفای نقش دان شرلی، پیانیست جامائیکائی در فیلم کتاب سبز به ماهرشالا علی تعلق گرفت. رجبنا کینگ برای ایفای نقش در فیلم «اگر خیابان بیل می‌توانست حرف بزند» موفق به دریافت بهترین بازیگر نقش مکمل زن شد. اسکار بهترین مستند بلند به فیلم «انفرادی آزاد» تعلق گرفت.

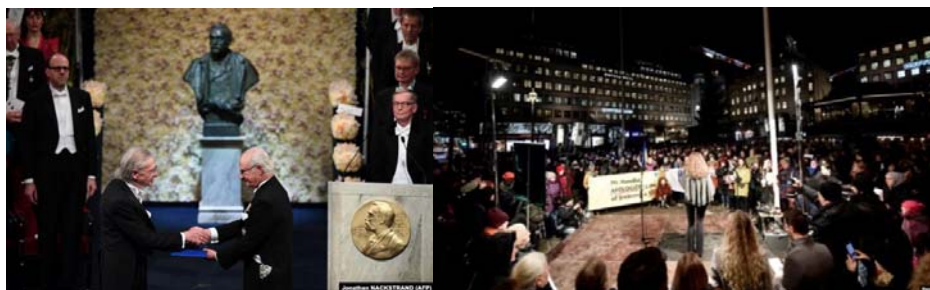
نوبل ادبیات: دریافت جایزه از لای دست معترضان

سرانجام، پتر هانتکه جایزه نوبلش را از دست پادشاه سویدن گرفت و صدای معترضان بیرون سالن اعطای مراسم نیز تأثیری بر تصمیم این آکادمی نگذاشت. دهم دسامبر، الگا توکارچوک، برنده نوبل ادبیات ۲۰۱۸، و پتر هانتکه، برنده نوبل ادبی ۲۰۱۹، جوایز خود را به طور رسمی از پادشاه سویدن دریافت کردند، اما این مراسم مثل همیشه در آرامش برگزار نشد و هم زمان شماری از منتقدان هانتکه در بیرون از سالن اعطای جایزه با برپائی تظاهرات به این تصمیم آکادمی اعتراض کردند. معترضانی که هم زمان با برگزاری مراسم در بیرون از ساختمان تجمع کرده بودند، پلاکاردهائی در دست داشتند در اعتراض به انتخاب آکادمی نوبل و نیز واکنش پتر هانتکه به قتل عام در صربستان در سال ۱۹۹۵ که طی آن چندین هزار مسلمان بوسنیائی کشته شدند.

به گزارش رویترز، عدنان محمودویچ، از برگزار کنندگان تجمع علیه پتر هانتکه در استکهلم، گفته است مشکل هانتکه این است که نسل کشی مردم بوسنی در دهه ۱۹۹۰ میلادی را انکار می کند.

اعتراضاتی که در حاشیه مراسم اعطای نوبل ادبیات اتفاق افتاد، در ادامه واکنش هائی است که از هنگام اعلام برنده شدن هانتکه در مهر ماه شکل گرفت.

به گفته منتقدان پتر هانتکه، او متهم است به این که در جریان جنگ بالکان در دهه ۱۹۹۰ جانب حکومت اسلوبودان میلوشویچ، رئیس جمهور سابق صرب ها را گرفت و در چند سخنرانی و اظهار نظر عمومی گفت که مردم سارایوو خود عامل قتل عام و کشتار خود بوده اند و در سربرنیتسا اصلا قتل عامی رخ نداده است.



پتر هانتکه، این اتهامات را به طور تلویحی رد می کند، اما حاضر به ارائه توضیح درباره برخی اقداماتش در این باره هم نیست. از جمله این که در کتاب مجموعه جستار خود در سال ۱۹۹۶، واقعیت های نسل کشی در سربرنیتسا را به چالش کشید و هنگام تدفین میلوشویچ در سال ۲۰۰۵ سخنرانی کرد و در سال ۲۰۰۶ نیز وقتی منتقدان خطاب به او از اجساد قربانیان به عنوان شواهدی از این نسل کشی یاد کردند، پاسخی رکیک به آن ها داد.

اعتراضات به نوبل هانتکه به مرور چنان بالا گرفت که طوماری با بیش از ۳۵ هزار امضاء تهیه شد با این خواسته از آکادمی نوبل جایزه را از این نویسنده اتریشی متهم به «دفاع از نسل کشی در صربستان» پس بگیرد.

با این اوصاف و با وجود همه اعتراضات، آکادمی سویدن و برخی اعضای کمیته ادبیات نوبل از اعطای جایزه به پتر هانتکه به شدت دفاع کردند و گفتند او سزاوار این جایزه بوده است.

از جمله ماتس مالم، دبیر دائمی آکادمی سویدن، و اریک رونه سون، یکی از اعضای آکادمی، اذعان کرده اند که برخی سخنان هانتکه قطعاً تحریک آمیز و نامناسب و مبهم بوده، اما تاکید کرده اند که این واکنش ها بر پایه موج احساسی رسانه هاست و «هیچ نوشته یا مدرکی پیدا نکرده اند مبنی بر این که او به جامعه متمدن و اصل ارزش برابر همه انسان ها حمله کرده باشد.»

علاوه بر معترضان عادی و برخی انجمن های حقوق بشری، برخی نهادهای ادبی و نویسندگان مشهور نیز از منتقدان این جایزه بودند.

به گزارش رویترز، در مراسم رسمی اعطای نوبل، سفیران کشورهای آلبانی، بوسنی، کرواسی، کوزوو و ... به نشانه اعتراض شرکت نکردند.

در این مورد، بهجت پاکولی، وزیر خارجه کوزوو گفت: «این یک روز شرم آور است و نشان گر این که اروپا فراموش کرده است که چه بر سر ما در کوزوو، بوسنی و کرواسی آمد.»

پتر هانتکه، چند روز پس از اعلام برنده شدنش، به یک خبرنگار گفته بود: «من از تبار تولستوی و هومر و سروانتس ام. راحتم بگذار و از این چیزها از من نپرس.»

الگا توکارچوک نویسنده نسبتاً جوانی است، اما یک سال دیر به جایزه نوبل خود رسید. او پانزدهمین زن، پنجمین لهستانی و دومین زن لهستانی در میان بیش از صد برنده جایزه نوبل ادبیات است.

ماتس مالم، دبیر آکادمی نوبل، دلیل اعطای جایزه نوبل ادبیات سال ۲۰۱۸ به توکارچوک را «تخیل روائی» او دانسته «که همراه با شوری همه جانبه، نماد عبور از مرزها، به مثابه شیوه ای از زندگی است.»

الگا توکارچوک ۵۷ ساله که تقریباً یک نسل جوان تر از پیتر هانتکه ۷۶ ساله، برنده جایزه نوبل ادبیات سال ۲۰۱۹ است، پیش از آن که جایزه نوبل را به دست آورد، در میان نویسندگان هم نسلش در لهستان، از شهرت جهانی برخوردار بود و آثارش فراتر از مرزهای کشورش ستایش شده بود.

وپس از اعلام نامش به عنوان برنده جایزه نوبل ادبیات، به آژانس خبری تی‌تی سویدن گفت: «شگفت زده و خوشحالم، برای من دریافت جایزه در زمانی که آکادمی نوبل وارد دوران جدید خود می‌شود، خیلی مهم است.»

الگا توکارچوک خودش را هم چون آدمی «بدون زندگی نامه» توصیف می‌کند: «من دارای زندگی نامه مشخص و شفافی نیستم که بتوانم آن را به شیوه ای جذاب بازگو کنم. من از شخصیت هائی تشکیل شده ام که از ذهن بیرون کشیده ام و آن ها را خلق کرده ام. من همه آن ها هستم. در واقع زندگی نامه من لایه لایه است.»

الگا توکارچوک، در ۲۹ ژانویه سال ۱۹۶۲ در شهر سولخوف در غرب لهستان، از پدر و مادری معلم به دنیا آمد. او در دانشگاه ورشو روان شناسی خواند و به آثار کارل یونگ علاقه مند شد.

مدتی به عنوان روان درمانگر در شهر و اوبژیخ در جنوب غربی لهستان مشغول کار شد و هم زمان کار نوشتن را نیز آغاز کرد.

توکارچوک پیش از آن که نوشتن داستان را آغاز کند، مجموعه ای از شعرهایش را در سال ۱۹۸۹ در لندن به چاپ رساند.

در سال ۱۹۹۷، پس از آن که اولین کتاب هایش با استقبال مواجه شد، به روستائی در کوهستان نزدیک مرز چک رفت و وقت خود را کاملاً وقف نوشتن و ادبیات کرد. شاید این نزدیک مرز بودن نیز برای او یک «نشانه» باشد.

آثار توکارچوک که نزدیک به ۲۰ جلد کتاب است و در لهستان پرفروش شده، تا پیش از اهدای نوبل به او، به ۲۵ زبان ترجمه شده بود و انتظار می‌رود با جایزه نوبلی که گرفته، موجی از ترجمه آثارش به زبان های دیگر از جمله فارسی به راه افتد.

این آثار، هم شامل حکایت های فلسفی می‌شود مثل «بچه های سبز» (۲۰۱۶)، هم رمان پولیسی - تمثیلی مثل «روی استخوان های مردگان» (۲۰۱۰) و هم رمان تاریخی حجیم مثل «کتاب های یاکوب».

«کتاب های یاکوب» در سال ۲۰۱۴ برای دومین بار برای نویسنده اش جایزه نایک (Nike) معتبرترین جایزه ادبی لهستان را به ارمغان آورد. توکارچوک پیش تر در سال ۲۰۰۸ برای کتاب «پروازها» برنده چنین جایزه ای شده بود.

هم چنین انتشار ترجمه سویدنی «کتاب های یاکوب»، هم برای نویسنده و هم برای مترجمش، جایزه تئاتر شهر استکهلم را به همراه آورد. توکارچوک در آن زمان گفته بود: «انگار که جایزه نوبل را به دست آورده ام.»

این کتاب در فرانسه نیز جایزه فمینیای خارجی را به دست آورد. او، به عنوان اولین نویسنده لهستانی، جایزه معتبر بوکر را نیز در سال ۲۰۱۸ برای رمان «پروازها» از آن خود کرده است.

این نویسنده، هم چنین بر اساس رمان «روی استخوان های مردگان» به طور مشترک فیلم نامه فیلم «ردپا» را نوشت که در ژانری مهیج، درام و معمائی به کارگردانی آگنیشکا هولاند ساخته و در سال ۲۰۱۷ به نمایش درآمد.

این فیلم همان سال در جشنواره برلین جایزه آلفرد بوئر را به دست آورد و به عنوان نماینده سینمای لهستان به بخش خارجی جایزه اسکار معرفی شد. او که دارای یک فرزند پسر است، در آپارتمانی در ورشو و هم چنین خانه نیلاقی خود زندگی می کند و بیش تر اوقات نیز در سفر است.



الگا توکارچوک که در ادبیات بسیار متاثر از ویلیام بلیک، شاعر انگلیسی، بوده، در آثارش خواننده را در جهانی چندوجهی که واقعیت و فرا واقعیت در هم آمیخته شده، به جست و جوی حقیقت می کشاند.

این در حالی است که، از نظر ظاهری، داستان های توکارچوک به گفته خودش «خیلی محلی» است؛ به این معنی که ماجراها در شهرهای کوچک و روستاهای لهستان روی می دهد.

الگا توکارچوک از نظر سیاسی چپ گرا، از نظر اجتماعی فعال محیط زیست، و از نظر زندگی شخصی یک گیاه خوار است.

در حالی که اکنون حزب «قانون و عدالت» (PiS)، یک حزب راست گرای محافظه کار ملی و دموکراتیک مسیحی، بیش ترین کرسی را نسبت به دیگر احزاب در پارلمان لهستان در اختیار دارد، او منقد جدی سیاست های کنونی دولت لهستان است.

کتاب های الگا توکارچوک در کشورش پرفروش است، اما گاهی نظیر «کتاب های یاکوب» حملات ملی گرایان را به دنبال داشته است.

پس از آن که او در سال ۲۰۱۵ در تلویزیون دولتی لهستان اسطوره یک لهستان مداراگر و باز را به چالش کشید، دشمنانش او را به دلیل «بی آبرو کردن لهستان و لهستانی» به مرگ تهدید کردند، به طوری که او مجبور شد برای حفظ جانش محافظ داشته باشد.

هم چنین پیوتر گلینسکی، سیاست مدار راست گرا و وزیر فرهنگ دولت کنونی لهستان، پس از اعلام اهدای جایزه نوبل به توکارچوک گفت که تاکنون نتوانسته کتابی از این نویسنده را تا انتها بخواند و قول داد که روزی چنین کند.

وزیر فرهنگ لهستان به خبرنگاران گفت: «من تلاش کرده ام، اما هرگز موفق نشدم (خواندن) یکی از آن ها را تمام کنم.»

الگا توکارچوک، چند سال پیش در حاشیه نمایشگاه کتابی در شهر پراگ، گفت و گوئی با رادیو اروپای آزاد - رادیو آزادی داشت.

وی در این گفت و گو که در ژوئن سال ۲۰۱۰، اواخر خرداد ۸۹، انجام شده، از چالش های فعالیت ادبی در لهستان، و نقش نویسندگان در جوامع دموکراتیک و جوامع استبدادی گفته است.

سؤال: در گذشته نویسندگان در جامعه افراد قدرتمندی تلقی می شدند که می توانستند بر مردم تاثیر بگذارند. آیا این وضعیت تغییر کرده است؟ نقش نویسندگان در جوامع فعلی چیست؟

چواب: نقش نویسندگان همواره سیاسی بوده است، سیاسی به معنای عام ترین مفهوم این کلمه. منظورم از سیاسی برخورد آگاهانه با واقعیت های اطراف ماست. به اعتقاد من به همین دلیل در اکثر موارد نویسنده زوایائی برای برخورد با واقعیت پیدا می کند که مسائل غیر قابل تصور و مشاهده ناشدنی را برای ما عریان می کند. به عبارتی دیگر، نویسندگان، شاعران و هنرمندان به مسائلی که ما قابلیت تشخیص آن ها را از دست داده ایم، نور می تابانند، مسائل و مواردی که ما به آن ها خو گرفته ایم و به نظر عادی می رسند. این موارد، به خصوص در جوامع استبدادی، معمولا غلط و خشونت بار هستند.

یک نویسنده به این شیوه - و این ممکن است کمی رمانتیک جلوه کند - در زندگی بسیار شتاب زده که واقعیت را مبتنی بر عادات می پذیریم، نقش زنگ هشدار دهنده ای دارد. ادبیات با کیفیت، ادبیاتی که هدفش رسیدن به دستاوردی باشد همواره سیاسی است.

این به آن معناست که نویسندگان قدرت تغییر واقعیت را دارند؟

بله، قطعاً. هنر قدرت تغییر واقعیت را دارد. ما را با دیدگاه هائی که غیر قابل تصور و مشاهده ناشدنی است آشنا می کند. وقتی که درک می کنیم جهان چه قدر می تواند متفاوت باشد از نظر سیاسی فعال تر می شویم. ایده های متفاوت و راه حل های دیگری پیدا می کنیم.

این حالت ممکن است در جوامع استبدادی بین نویسندگان اختلاف ایجاد کند. برخی از رژیم حمایت می کنند و برخی دیگر در هم سوئی با مخالفان خواستار تغییر خواهند شد.

این مسأله در نظام های استبدادی کاملاً مشخص و عریان است ولی در نظام های دموکراتیک نیز مصداق دارد.

این جا (در غرب) به نقش یک نویسنده که بتواند آگاهی ما را بیدار کند و گسترش دهد نیاز بیش تری وجود دارد چون دموکراسی می تواند حساسیت های اجتماعی ما را تنبل کند. وقتی وضع ما بهتر باشد و احساس امنیت بکنیم تمایل طبیعی به ایجاد تغییر را از دست می دهیم.

...

موفقیت بهروز بوچانی، نویسنده کرد ایرانی

بهروز بوچانی، نویسنده کرد ایرانی، دو جایزه بهترین اثر غیر داستانی به ارزش ۲۵ هزار دالر و جایزه ادبیات به ارزش ۱۰۰ هزار دالر را در مراسم اعطای جوایز ادبی موسوم به «ویکتوریا» در استرالیا دریافت کرد.



بوچانی یکی از ۶۰۰ پناهجویی بود که در اردوگاه پناهجویان جزیره مانوس به سر می برد و کتاب «هیچ دوستی غیر از کوه ها: نوشتن از زندان مانوس» را نیز در همان دوران بر روی گوشی تلفنش نوشت. هیات داوران جایزه ادبی استرالیا از این کتاب به عنوان «صدائی از یک شاهد، اقدامی برای نجات» یاد کرده اند که روایتی دست اول و شاعرانه از مقاومت در حبس و تبعید ارائه می دهد.

کانون نویسندگان ایران

بیانیه کانون نویسندگان ایران در خصوص بازداشت منشی دبیران کانون نویسندگان ایران



روز یکشنبه یکم دی ماه، آرش گنجی مترجم و منشی کانون نویسندگان ایران در منزل خود بازداشت و به مکانی نامعلوم منتقل شد. اکنون پس از دو روز مشخص شده است که او در بازداشت گاه اوین و تحت بازجویی وزارت اطلاعات است.

در پی اعتراض های وسیع و عمیق مردم به جان آمده از فقر و تبعیض و ستم، صاحبان قدرت به جای توجه به خواست های آن ها بر شدت سرکوب ها افزوده و دامنه بازداشت ها را گسترده تر کرده اند، بازداشت آرش گنجی نمونه ای دیگر است. افزون بر این، او یکی از اعضای کانون نویسندگان ایران است؛ تشکلی که همواره از سوی نهادهای امنیتی با ارباب، بازداشت، صدور حکم های سنگین و حبس و قتل اعضای فعالش، زیر ضرب و فشار قرار داشته است. به موازات آن البته، بطلان این روش برای دست شستن کانون از هدف های تعیین شده در منشورش، ثابت شده است.

آرش گنجی بیمار قلبی است و بازداشت و فشار ناشی از بازجویی هائی که در پایمال کردن حقوق انسانی و قانونی متهمان شهره عالم است، جان او را در معرض خطر قرار می دهد. مسئولیت هر گونه آسیب بر عهده نهاد بازداشت کننده و حاکمیتی است که نشان داده است در برابر حق آزادی بیان مردم جز ضرب و جرح، زندان و کشتن پاسخی ندارد.

کانون نویسندگان ایران بازداشت آرش گنجی را محکوم می کند و خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط او و همه زندانیان سیاسی و عقیدتی است.

کانون نویسندگان ایران ۳ دی ۱۳۹۸

گزارش کانون نویسندگان ایران از یک هفته سرکوب (۲۷ آذر - ۳ دی ۱۳۹۸)

چهارشنبه ۲۷ آذر:

- جلسه دادگاه رسیدگی به اتهامات ۶ تن از کارگران هفت تپه در دادگاه کیفری شهرستان شوش برگزار شد. در این جلسه به یوسف بهمنی، ابراهیم عباسی منجری، محمد خنیفر، مسلم چشم خاور، ایمان اختری و محمود خدائی اتهام «اخلال در نظم عمومی» تفهیم شد.

- ابوالفضل نژادفتح، دانشجوی رشته انسان شناسی دانشگاه تهران با تودیع قرار وثیقه ۲۰۰ میلیون تومانی، به صورت موقت و تا پایان مراحل دادرسی آزاد شد. وی پیش تر در جریان اعتراضات آبان ماه، بازداشت شده بود.

- تعدادی از مادران و بازماندگان معترضان کشته شده و فعالین مدنی در ۴۰ سال گذشته با انتشار فراخوانی روز ۵ دی را به عنوان «روز ادای احترام به کشته شدگان اعتراضات آبان ۹۸» اعلام کردند و سرکوب اعتراضات مردمی اخیر را «جنایت علیه بشریت» نامیدند.

- فرمانده انتظامی استان کرمانشاه، از بازداشت ۲۵۰ شهروند معترض تحت عنوان «لیدر و عامل اغتشاشات» خبر داد. وی در حالی که بازداشت شدگان را «سردسته های اغتشاش» خوانده گفته است که سن این افراد بین ۲۰ تا ۳۵ سال بوده است.

- پارلمان اروپا با صدور قطعنامه ای شدید اللحن نسبت به مرگ «تعداد زیادی افراد بی گناه»، با خانواده های کشته شدگان و مجروحان در جریان اعتراضات آبان ابراز همبستگی کرده و ضمن محکومیت برخورد خشونت آمیز نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی ایران با معترضان، خواستار انجام تحقیقات در خصوص جان باختگان شده است.

- فرزاد سفره و فواد مظفری دو فعال فرهنگی اهل کرمانشاه و از گردانندگان انجمن ادبی وارین، توسط نیروهای امنیتی اطلاعات سپاه در منزل خود بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شدند. گفتنی ست فرزند سفره و فواد مظفری در سال ۹۶ به اتهام سازمان دهی تجمعات اعتراضی در حمایت از کولبران بازداشت و پس از ۱۱ روز از زندان دیزل آباد کرمانشاه آزاد شده بودند.

- مجمع عمومی سازمان ملل با تصویب قطعنامه ای، تدوام نقض گسترده حقوق بشر توسط حکومت جمهوری اسلامی را محکوم کرد. این قطعنامه به استناد گزارش های جاوید رحمان گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور حقوق بشر در ایران تهیه شده است.

پنج شنبه ۲۸ آذر:

- خالد حسینی، فعال کارگری اهل سنندج، با تودیع قرار وثیقه و تا پایان مراحل دادرسی از زندان مرکزی سنندج آزاد شد. وی روز دوشنبه ۴ آذرماه توسط نیروهای امنیتی سنندج بازداشت شده بود.

- یعقوبعلی رجبیان رئیس پایگاه ششم پولیس امنیت عمومی تهران و محمد مهدیان نسب فرمانده انتظامی لرستان، از بازداشت ۴ شهروند معترض، تحت عنوان «لیدر و عامل اغتشاشات» خبر دادند. بر اساس این گزارش ۳ شهروند در شهرستان ازنا استان لرستان و ۱ شهروند در تهران، تحت عنوان «لیدر و عامل اغتشاشات» بازداشت شده اند.

- در ساعات پایانی این روز مریم پایاب، فعال مدنی ساکن بهبهان توسط نیروهای امنیتی در این شهر بازداشت شد. خانم پایاب پیش تر در جریان اعتراضات سراسری آبان ماه در بهبهان در اثر اصابت گلوله به کمرش زخمی شده بود.

- دادگاه تجدید نظر استان خراسان جنوبی ۹ تن از شهروندان بهائی ساکن بیرجند را مجموعاً به ۲۸ سال و شش ماه زندان محکوم کرد. بر اساس رای صادره بهمن صالحی، خلیل ملاکی، بیژن احمدی و ساغر محمدی هر کدام به ۴ سال حبس تعزیری، شیدا عابدی به ۳ سال حبس تعزیری، سهراب ملاکی به ۳ سال و نیم حبس تعزیری و فیروز احمدی، سیمین محمدی و مریم مختاری هر کدام به ۲ سال حبس تعزیری محکوم شدند.

- صبح امروز دادستان کشور از صدور کیفرخواست تعدادی از بازداشت شدگان، تحت عنوان «عوامل اصلی حوادث آبان» خبر داد. منتظری گفت:

«کیفرخواست بسیاری از دستگیر شدگان حوادث آبان ماه در تهران و شهرستان‌ها نیز صادر شده و از هفته آینده دادگاهی آنان نیز آغاز خواهد شد.»

جمعه ۲۹ آذر:

- شانزده کارشناس حقوق بشر سازمان ملل، از جمله جاوید رحمان، گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور حقوق بشر ایران، با صدور بیانیه‌ای نسبت به سرنوشت بازداشت شدگان اعتراضات آبان‌ماه ابراز نگرانی کردند و از دستگاه قضائی ایران خواستند که موجبات یک دادرسی منصفانه بر اساس موازین حقوق بین‌الملل را فراهم کرده و اصل برائت در خصوص آن‌ها را رعایت کنند.

شنبه ۳۰ آذر:

- مسؤلین دانشگاه از ادامه تحصیل فاطمه (ماری) محمدی، نوکیش مسیحی و زندانی سیاسی سابق در دانشگاه آزاد واحد تهران شمال جلوگیری کردند. خانم محمدی پیش‌تر در آغاز سال تحصیلی در خصوص انتخاب واحد و صدور کارت دانشجویی نیز دچار مشکل شده بود. گفتنی است محرومیت از تحصیل این فعال مدنی بدون ذکر هیچ دلیل مشخصی صورت گرفته است.

- بختیار رحیمی فعال کارگری ساکن مریوان با تودیع قرار وثیقه تا پایان مراحل دادرسی از زندان این شهر آزاد شد. آقای رحیمی روز چهارشنبه ۶ آذر در محل کار خود به دست نیروهای امنیتی بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شده بود.

- از ساعت ۹ صبح روز جاری، پنج تن از زنان زندانی سیاسی اوین به نام‌های منیره عربشاهی، نرگس محمدی، یاسمن آریانی، صبا کردافشاری و آتنا دائمی در نامه‌ای از تحصن چند روزه خود در زندان به مناسبت چهلمین روز درگذشت جان باختگان اعتراضات اخیر و در همراهی با خانواده‌های داغدار اعتراضات سراسری آبان خبر دادند. در ساعات پایانی این روز سه زندانی دیگر در این زندان به نام‌های مژگان کشاورز، سمانه نوروز مرادی و سهیلا حجاب به جمع تحصن‌کنندگان پیوسته‌اند. زندانیان تحصن‌کننده گفته‌اند که در اعتراض به سیاست‌های سرکوبگرانه حکومت علیه مردم ایران و اختناق حاکم بر جامعه تا روز ۵ دی، روز چهلم کشته شدگان اعتراضات آبان به صورت شبانه‌روزی در دفتر بند زنان سیاسی زندان اوین به تحصن خواهند نشست. هم‌چنین گفته می‌شود ساعات پایانی شب گذشته رئیس زندان اوین به زندانیان تحصن‌کننده گفته است در صورت ادامه تحصن برای آن‌ها پرونده جدید گشوده خواهد شد و به زندان‌های دیگر تبعید خواهند شد.

- مأموران امنیتی، شورش قادری شهروند اهل شهرستان مریوان را بازداشت کردند. او ساعاتی بعد، در حالی که از نواحی مختلف بدن به شدت آسیب دیده بود در یکی از میدان‌های شهر رها شد. گفتنی است شورش قادری ابتدا به بیمارستانی در مریوان و سپس به سنجاق منتقل شده و پزشکان وضعیتش را وخیم گزارش کرده‌اند.

یکشنبه ۱ دی:

- صبح امروز آرش گنجی مترجم و منشی منتخب کانون نویسندگان ایران، توسط مأموران امنیتی در تهران بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شد. مأموران در حین بازداشت اقدام به تفتیش منزل وی کردند و برخی از وسایل شخصی او را نیز با خود بردند.

- درخواست آزادی مشروط و اعزام به مرخصی نازنین زاغری، زندانی سیاسی دو تابعیتی محبوس در زندان اوین و نرگس محمدی، سخنگو و نایب رئیس کانون مدافعان حقوق بشر محبوس در این زندان، از سوی دادستان تهران رد شد. این در حالی است که به گفته‌ی وکیل مدافع این زندانیان، وزارت اطلاعات پیش‌تر به عنوان ضابط پرونده با اعطای مرخصی به خانم محمدی موافقت کرده بود.

- عباس جلیلیان، نویسنده و پژوهشگر، سهراب مرادی، فعال مدنی اهل کرمانشاه و داریوش مرادی و احمد بساطی با تودیع قرار کفالت آزاد شدند. این شهروندان پیش‌تر در روزهای ۲۳ و ۲۴ آذرماه امسال توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به بازداشتگاه اطلاعات سپاه کرمانشاه منتقل شده بودند.

- عبدالرضا قنبری، معلم و زندانی سیاسی با پایان دوره‌ی محکومیت خود از زندان رجائی شهر کرج آزاد شد. آقای قنبری چند روز پس از وقایع موسوم به عاشورای سال ۸۸ بازداشت و توسط دادگاه انقلاب تهران به اعدام محکوم شد. حکم اعدام آقای قنبری مدتی بعد در دیوان عالی کشور نقض و به ۱۵ سال حبس تقلیل یافت. مدت محکومیت آقای قنبری نهایتاً شهریورماه امسال به ۱۰ سال حبس تقلیل یافت و با عدم اعتراض و تسلیم به رای به ۷ سال و شش ماه حبس تعزیری کاهش پیدا کرده بود.

- در این روز شعبه‌ی ۳۶ دادگاه تجدیدنظر استان تهران به ریاست قاضی احمد زرگر، محکومیت مونا معافی، فعال مدنی و فعال حقوق کودکان را در دادگاه بدوی عیناً تائید کرد. این فعال مدنی پیش‌تر در مرحله بدوی توسط دادگاه انقلاب تهران به تحمل ۲ سال حبس تعزیری و دو سال محرومیت از فعالیت‌های اجتماعی محکوم شده بود.

- یک نوجوان ۱۵ ساله به نام میلاد فیضی پور در شهرستان مریوان در حالی که پلاکاردی حاوی اعتراض به وضعیت بد معیشتی مردم و بی‌توجهی مسئولین به وضعیت کولبران در دست گرفته بود همراه با ضرب و جرح به دست مأموران امنیتی بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شد.
دوشنبه ۲ دی:

- جلسه دادگاه تجدیدنظر بهنام شیخی، اکبر آزاد، علیرضا فرشی و حمید منافی فعالین مدنی اهل آذربایجان روز جاری در شعبه ۵۴ دادگاه تجدیدنظر استان تهران برگزار شد. این شهروندان در مرحله بدوی مجموعاً به تحمل ۴۵ سال حبس تعزیری و ۸ سال تبعید محکوم شده بودند. این شهروندان به همراه سه تن دیگر به دلیل شرکت در مراسم بزرگداشت روز جهانی زبان مادری در اسفندماه ۱۳۹۲ در نسیم شهر تهران بازداشت و پس از مدتی با تودیع قرار وثیقه به صورت موقت و تا پایان زمان دادرسی آزاد شده بودند.

- روز جاری دادگاه تجدید نظر استان سمنان رای نهائی خود در خصوص پرونده بهنام اسکندرانی، یلدا فیروزیان و اردشیر فنائیان، سه شهروند بهائی ساکن سمنان را صادر کرد. بر اساس رای صادره یلدا فیروزیان به ۲ سال و نیم حبس تعزیری، بهنام اسکندرانی به ۳ سال و نیم حبس تعزیری و اردشیر فنائیان به شش سال حبس محکوم شدند.

- مجید امیدی، شهروند اهل کرمانشاه به اتهام همکاری با یکی از احزاب کردی، توسط دادگاه انقلاب این شهر به سه ماه حبس تعزیری محکوم شد. وی در تاریخ ۲۱ فروردین سال جاری، توسط نیروهای امنیتی در ورودی کرمانشاه بازداشت و در تاریخ ۷ اردیبهشت، با تودیع قرار وثیقه ۵۰ میلیون تومانی تا پایان مراحل دادرسی از بازداشتگاه اداره اطلاعات آزاد شده بود.

- در این روز فرزانه زیلابی، وکیل ۶ تن از کارگران هفت تپه از ابلاغ حکم برائت موکلینش خبر داد. این شهروندان در مهرماه سال جاری در پی تجمعات و درخواست مطالبات خود بازداشت شده و هفته گذشته توسط شعبه ۱۰۲ دادگاه کیفری ۲ شهرستان شوش به اتهام «اخلال در نظم عمومی» مورد محاکمه قرار گرفته بودند.

- روز گذشته و امروز، سه شهروند ساکن شهرستان اشنویه به نام های «محمدامین قاضی»، «کامل احمدی خانلر» و «کوروش عزیزی» جهت تحمل دوران محکومیت خود بازداشت و به زندان این شهر منتقل شدند. این سه شهروند پیش تر در دادگاه بدوی از بابت اتهام «عضویت در یکی از احزاب کرد مخالف نظام» هر یک به ۴ سال حبس محکوم شده بودند. احکام صادره علیه این شهروندان در دادگاه تجدید نظر به ۳ سال حبس برای هر یک تقلیل یافته بود.

- زهره صیادی، فعال اجتماعی و حقوق کودکان از زندان اوین آزاد شد. خانم صیادی روز سه شنبه ۱۹ آذرماه توسط مأموران امنیتی در شهرک اندیشه تهران بازداشت و به زندان اوین منتقل شده بود.

- در گفتگو با خبرگزاری ها؛ سپاه ولیعصر خوزستان، رئیس پولیس تهران و فرمانده انتظامی غرب استان تهران از بازداشت تعدادی دیگر از شهروندان معترض تحت عناوینی از جمله «لیدر و عامل اغتشاشات» خبر دادند.

سه شنبه ۳ آذر:

- نیروهای امنیتی کرج اقدام به بازداشت والدین پویا بختیاری، از جان باختگان اعتراضات اخیر و نیز تعدادی از بستگان وی از جمله پسرعموی ۱۱ ساله‌ی این خانواده کردند. مأموران هم چنین تعدادی از مراجعه کنندگان به منزل این خانواده را برای ساعاتی بازداشت کردند و ضمن ضبط تلفن های همراه به تفتیش منزل دو تن از دستگیرشدگان پرداختند.

- علی سبحانی فرمانده انتظامی شهرستان گلپایگان در استان اصفهان از بازداشت یک شهروند به اتهام «تحریک شهروندان به تجمعات، در فضای مجازی» خبر داد. بر اساس این گزارش، سبحانی مدعی شد، این شهروند با فعالیت در شبکه های اجتماعی تلگرام و اینستاگرام اقدام به برهم زدن امنیت روانی، تشویش اذهان عمومی و دعوت مردم به تجمعات غیرقانونی کرده است.

- محمد پرهام؛ عضو شورای شهر بروجرد توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شده است. گفته می شود بازداشت وی به دلیل «توهین به رهبری» از طریق انتشار مطالبی در فضای مجازی صورت گرفته است.

- اصغر زاهدی سرپرست پولیس امنیت عمومی استان کرمان، از بازداشت ۲ شهروند معترض تحت عنوان «عامل اغتشاشات» خبر داد. گفتنی ست تاکنون از هویت این افراد اطلاعی در دست نیست.

- جلال رستمی نوروزلو شهروند اهل مهاباد که پیش تر به اتهام عضویت در گروه های سلفی بازداشت شده بود، با تودیع قرار وثیقه از زندان ارومیه آزاد شد. آقای رستمی آذرماه سال گذشته توسط نیروهای امنیتی بازداشت و مدتی بعد به زندان ارومیه منتقل شده بود.

- فرزانه زیلابی، وکیل کارگران شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه، از برگزاری جلسه دادگاه رسیدگی به اتهامات اسماعیل بخشی فعال کارگری و از متهمین پرونده اعتراضات هفت تپه، در شعبه ۱۰۲ دادگاه کیفری دزفول، خبر داد و گفت که این پرونده مربوط به شکایت وزیر اطلاعات است.

- مصطفی نیلی، وکیل مدافع خانم مرتضائی با انتشار مطلبی در صفحه شخصی خود در توئیتر از صدور کیفرخواست و ارسال پرونده موکل خود به دادگاه انقلاب خبر داد و گفت: «امروز برای تودیع وثیقه سه مرتضائی به همراه وثیقه گذار به دادرسی مقدس مراجعه کردیم. ولی در آن جا اعلام شد که کیفرخواست وی صادر شده و پرونده به دادگاه انقلاب ارسال شده است. به همین دلیل تودیع وثیقه انجام نشد و ایشان هم چنان در بازداشت خواهد ماند.»

- در این روز کانون نویسندگان ایران با انتشار بیانیه ای به بازداشت آرش گنجی مترجم و منشی کانون نویسندگان ایران اعتراض کرد و خواهان آزادی بی قید و شرط او شد. متن کامل این بیانیه در صفحات فیس بوک و اینستاگرام کانون نویسندگان ایران و نیز در کانال تلگرامی کانون قابل مشاهده و مطالعه است.

کانون نویسندگان ایران: «آبان» ادامه دارد...

در پی فراخوان برخی خانواده‌های جان باختگان اعتراض‌های آبان ماه و فعالان اجتماعی و سیاسی، دیروز با وجود فضای امنیتی شدید و تهدید خانواده‌ها از سوی نهادهای امنیتی، گروه‌هایی از مردم موفق شدند در چند شهر بر مزار جان باختگان گرد آیند و مراسم یادبود عزیزان‌شان را برگزار کنند. حضور مأموران امنیتی و انتظامی نه فقط در محل‌های برگزاری مراسم که در سطح شهرها نیز چشم‌گیر بود. گورستان «بهشت سکینه» کرج، محل دفن پویا بختیاری، در قرق مأموران بود و مردم از ضرب و جرح آن‌ها در امان نماندند. چندین نفر هم بازداشت شدند. در برخی شهرهای دیگر نیز همین‌طور. این برخوردی است در ادامه سرکوب اعتراض‌های آبان. کما این که در همه این چهل روز، دستگیری افراد به ظن حضور در جمع‌های اعتراضی هم چنان ادامه داشته است.

روز گذشته پنجم دی بعضی از شهرهای کشور بار دیگر به رنگ و ریخت پادگان و حکومت نظامی درآمد. در میدان‌ها و چهارراه‌های بزرگ و پرتردد مأموران مسلح، پیاده و سواره، با لباس فرم نظامی و انتظامی و شخصی در کنار ماشین‌های آب‌پاش و پولیس و قفس‌دار ایستاده بودند. برای بسیاری از مردم این صحنه‌ها اصلاً تازگی ندارد ۴۱ سال پیش برای ماه‌ها حکومت پهلوی همین‌طور صحنه‌آرایی کرده بود. پس از آن نیز در دهه‌های بعد و همین دو سال پیش بارها این صحنه تکرار شد تا رسید به آبان ۹۸. صحنه‌های پیشین گرچه درد و درد آن در دل و جان مردم باقی ماند، حول و حوش تاریخ خود به پایان رسیدند و «واقعه‌ای تاریخی» شدند. اکنون در دی ماه به سر می‌بریم اما «آبان» به پایان نرسیده است؛ برای هیچ‌یک از طرفین، حاکمیت و مردم معترض، به پایان نرسیده است. حاکمیت پس از گذشت چهل روز از اعتراضات مردم، با وجود قهر و خشونت تمام‌عیاری که در سرکوب معترضان به کار برد، هم چنان در حال شناسائی و دستگیری معترضان است. هر روز شماری از مردم را به عنوان «اغتشاشگر» تعقیب و بازداشت می‌کند؛ هر روز باید دستگاه سرکوب را در خیابان در معرض تماشا قرار دهد؛ بخش نرم و فرهنگی آن در رادیو و تلویزیون و انواع روزنامه و مجلات وابسته و رانته‌های هنوز مشغول ساختن و جانداختن سناریوهای دروغین در باره اعتراضات آبان و خط و نشان کشیدن‌های نهان و آشکار است؛ میان نهادهای گوناگون حکومتی اختلاف‌های برآمده و برملا شده از آبان هم چنان ادامه دارد و هر دم بزرگ‌تر می‌شود؛ تنش، آشفته‌سری و بن‌بست‌شان نیز هم. آبان نزد مردم معترض نیز به پایان نرسیده است. در فراخوان‌های علنی‌شان برای برگزاری مراسم یادبود جان باختگان آبان؛ در بیان روشن و بی‌هراس خانواده‌ها مبنی بر «ادامه راه»، در به صحنه آمدن و حمایت قشرها و گروه‌هایی که تاکنون اعتراضی به وضع موجود نداشتند؛ در پس زدن برنامه‌ها و جوایز دولتی و شبه دولتی از سوی نویسندگان و هنرمندان؛ در هم دلی فزاینده میان مردم می‌توان مشاهده کرد که «آبان» ادامه دارد. آبان ادامه یافت یکی هم به این دلیل که امر سیاسی را اخلاقی کرد. دیگر برای کسی راحت نیست پا بر فرش قرمزی بگذارد که حکومتیان و شبه حکومتیان در برابرش گسترده اند مگر آن که احساسی به نام «شرم» نداشته باشد.

دو راه متفاوت ادامه‌ی آبان گاه‌جایی با هم تلاقی می‌کنند. جایی مثل «بهشت سکینه» کرج در روز پنجم دی یا مکان‌های مشابه در شهرهای دیگر. آن‌جا مردمی حضور یافتند که برگزاری یادمان جان باختگان را حق خود می‌دانستند. مردمی که وجودشان نشان داد سرکوب بسیار خشن اعتراضات آبان با بیش از صدها کشته (در آمارهای بیش از هزار) و هزاران بازداشتی نه تخم ترس در دل‌شان کاشته و نه در اراده‌شان خللی ایجاد کرده است. معنایش این است که مهم‌ترین کارکرد دستگاه سرکوب؛ یعنی ایجاد هراس و اطاعت، می‌رود که به تمامی خنثی شود. مگر تا کجا، تا کی می‌شود آزادی بیان جامعه‌ای را به زور سلاح و دستبند و زندان و کشتار سلب کرد؟! به ویژه جامعه‌ای که

«نان» نیز از اکثریت مردمش دریغ شده است. برگزاری مراسم یادبود کشته شدگان معترض شکل و قسمی از آزادی بیان است و آزادی بیان حقی است که هر انسان با زاده شدنش به خود متعلق می‌کند. مقابله با آن جنگیدن با هویت انسانی است.

چهل روز از اعتراض های آبان می‌گذرد اما دستگاه سرکوب هنوز مشغول شناسائی و بازداشت معترضان است و هر روز شماری را دستگیر می‌کند و به زندان هائی می‌فرستد که ظرفیت شان پیش از این نیز پر بود؛ اما با «شبح آبان» چه می‌تواند بکند؟ شبح را نمی‌توان ترساند، یا گرفت و دستبند زد و بازداشت کرد. همه جا هست و هیچ جا نیست. هم از این روست که فراخوان یادبود در بهشت سکینه موجب می‌شود میدان ها و خیابان‌های شهر (شهرها) با ده ها کیلومتر فاصله از محل فراخوان، به قرق مأموران امنیتی و انتظامی درآید. تا شبح آبان هست، آبان ادامه دارد...

سه نویسنده عضو کانون نویسندگان ایران به ۱۵ سال و شش ماه زندان محکوم شدند شعبه ۳۶ دادگاه تجدیدنظر استان تهران، سه نویسنده ایرانی را به ۱۵ سال و شش ماه محکوم کرد. رضا خندان مهابادی، بکتاش آبتین و کیوان باژن پیش از این در دادگاه بدوی توسط قاضی محمد مقیسه به ۱۸ سال زندان محکوم شده بودند.

کانون نویسندگان ایران روز یکشنبه ۸ دی‌ماه - ۲۹ دسامبر، در حساب های کاربری خود در شبکه های اجتماعی از ابلاغ حکم دادگاه تجدیدنظر سه نفر از اعضای خود خبر داد. کانون نویسندگان نوشت شعبه ۳۶ دادگاه تجدید نظر به ریاست قاضی زرگر حکم بدوی رضا خندان (مهابادی) و بکتاش آبتین را عینا تأیید و حکم کیوان باژن را کاهش داد. هر یک از سه نویسنده در دادگاه بدوی که روزهای هفتم و هشتم اردیبهشت سال ۱۳۹۸، به ریاست قاضی مقیسه تشکیل شد، به اتهام های کاذب «تبلیغ علیه نظام» و «اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت کشور» به شش سال زندان محکوم شدند.

بنابر گزارش کانون نویسندگان، مصادیق اتهام های این سه نفر؛ عضویت در کانون نویسندگان ایران، انتشار خبرنامه داخلی کانون، آماده کردن کتاب پژوهشی در باره تاریخ پنجاه ساله کانون برای انتشار داخلی، بیانیه های کانون، حضور بر مزار جان باختگان قتل های سیاسی زنجیره ای از جمله جعفر پوینده و محمد مختاری و شرکت در مراسم سالانه بزرگ داشت احمد شاملو است.

شعبه ۳۶ دادگاه تجدیدنظر استان تهران، بدون دعوت از متهمان و وکیلان شان حکم‌های صادره برای رضا خندان (مهابادی) و بکتاش آبتین (هر دو از اعضای هیئت دبیران کانون) را عینا تأیید کرده و حکم کیوان باژن را به سبب نداشتن سابقه کیفری به سه و نیم سال حبس تعزیری کاهش داده است.



از راست: کیوان باژن، بکتاش آبتین، رضا خندان (مهابادی)

محکومیت این سه نویسنده در دادگاه بدوی با واکنش های زیادی مواجه شد. خود کانون نویسندگان ایران در بیانیه ای نوشت حکم دستگاه قضائی فقط مربوط به این سه نویسنده نیست بلکه حکم محکومیت همه کسانی است که می خواهند از حق آزادی بیان برخوردار باشند.

به اعتقاد کانون نویسندگان، هدف این گونه محاکمه ها و حکم ها در چند دهه اخیر «پراکندن رعب و وحشت و سرکوب آزادی بیان» است.

هم چنین جمع بزرگی از نویسندگان، شاعران، منتقدان و روزنامه نگاران ایرانی در خرداد ماه ۹۸ در نامه ای خطاب به مسئولان دستگاه های اجرائی و قضائی «اعتراض صریح» خود را به «رویه های نامنصفانه دستگاه قضائی و برخوردهای امنیتی با اهل قلم و نویسندگان» ابراز کرده و خواهان لغو احکام «ناروا و آزادی کش» علیه سه عضو کانون نویسندگان ایران شدند.

سینما

فیلم «اسلحه خواهران»

فیلم «اسلحه خواهران» توسط «کارولین فرس» کارگردان و روزنامه نگاری فرانسوی ساخته شده است. فیلم داستان دخاری ایزدی با نام «زارا» است که توسط داعش به بردگی گرفته می شود. زارا خود را از دست داعش نجات می دهد و وارد گردان نیروهای بین المللی زنان علیه داعش می شود.

کارولین فرس در باره فیلم می گوید: پیش از همه چیز این فیلم تخیلی نیست و از گروه یا سرزمینی روایت نمی کند، بلکه درباره مبارزه زنان کُرد در برابر داعش است که خط اول مقاومت هستند. فیلم نمایش دهنده وحشی گری داعش و مبارزه زنان کرد است.

این کارگردان ادامه می دهد: بعد از شکست داعش برابم روشن شد که تفکر داعش توسط زنان از بین رفته است. آن ها از زنان کرد می ترسیدند چرا که معتقد بودند اگر از سوی زنی کشته شوند به بهشت نمی روند، به همین خاطر من هم فکر کردم که یک فیلم سینمایی می تواند این مسأله را به خوبی نشان دهد.

فیلم سینمایی دربارہ کوردها



چرا خواهران اسلحه ترکیه را نگران کرده است؟

با آغاز اکران این فیلم در اروپا، مسئولان ترکیه مخالف خود را با ساخت فیلم نشان دادند و آن را تبلیغ برای تروریسم وصف کردند.

اما کارگران فیلم می‌گویند: من نگرانی‌های ترکیه و اردوخان را درک می‌کنم چون که فیلم باعث می‌شود رئیس‌جمهور ترکیه احساس شرمندگی کند. آن‌ها ضد کردها هستند و نمی‌خواهند دنیا از وجود واقعیت‌ها مطلع شوند. کارولین فرس ادامه می‌دهد: جهان مدیون کردها است و فیلم درباره ترس داعش از زنان مبارز کرد است و این به نفع ترکیه نیست.

امین آلپر برنده جایزه بهترین کارگردانی جشنواره ساریوو شد

فیلم ترکیه‌ای سه خواهر (A Tale of Three Sisters) به کارگردانی امین آلپر، جایزه بهترین کارگردانی بیست و پنجمین جشنواره فیلم ساریوو شد.



امین آلپر، سازنده فیلم «سه خواهر» محصول ترکیه جایزه بهترین کارگردانی بیست و پنجمین جشنواره فیلم ساریوو بوسنی هرزگوین که به عنوان «قلب ساریوو» شناخته می‌شود، را از آن خود کرد. این فیلم ساز ۴۴ ساله، در دو فیلمش «Beyond the Hill» یا «آن سوی تپه‌ها» و «Abluka» یا «جنون»، به سبکی ماهرانه موفق شد که از دنیای درونی بازیگران و قهرمانان اصلی‌اش یک تصویر عمیق از پاره‌ای از خشونت‌های روزمره جامعه ترکیه را به تصویر بکشد و تازه‌ترین جریان‌ها در سطح بالای سیاسی کنونی ترکیه را به نمایش بگذارد.

امین آلپر، دکتر از رشته تاریخ دارد و به عنوان کارگردان سیاسی معروف است. تاکنون این کارگردان، مجموعاً ۳۰ جایزه ملی و بین‌المللی را کسب کرده است.

داستان سه خواهر در یک روستای پرت و دورافتاده، جهان مردسالار را به صحنه می‌آورد بی‌آن که دچار شعار گونگی شود، تصویری از معضلات یک جامعه را از دیدی زنانه به تماشاگر می‌دهد.

مرد ایرلندی (The Irishman)

مرد ایرلندی (The Irishman) یک فیلم آمریکایی در ژانر حماسی جنایی به تهیه‌کنندگی و کارگردانی مارتین اسکورسیزی است که در سال ۲۰۱۹ منتشر شد. فیلم‌نامه این فیلم، توسط استیون زایللیان بر اساس رمان شنیده‌ام خانه‌ها را رنگ می‌کشد اثر چارلز برنت نوشته شده است. فیلم داستان زندگی فرانک شیرن را در چندین برهه به تصویر می‌کشد. غلوهای هالیوود هم‌چون رابرت دنیرو، آل پاچینو، جو پشی، بابی کاناوله، آنا پاکوین، هاروی کایتل و ری رومانو ستارگان این فیلم هستند.

در دهه ۱۹۵۰ میلادی، راننده کامیونی به نام فرانک شیرن (رابرت دنیرو) با راسل بوفالینو (جو پشی)، از روسای مافیا ارتباط می‌گیرد. شیران هم زمان با بالا رفتن رتبه خود و تبدیل شدن به یک قاتل قراردادی برتر، شروع به کار برای جیمی هوف (آل پاچینو) می‌کند. هوف از رهبران اتحادیه کارگران در امریکا بود که با مافیا و جرائم سازمان یافته ارتباط داشت. این فیلم داستان زندگی شیرن را دنبال می‌کند که گذشته خود را در دنیای جرم و جنایت به یاد می‌آورد و هم چنین نقشی که در ناپدید شدن جیمی هوف در سال ۱۹۷۵ داشته است.

هینت ملی بازبینی فیلم، مرد ایرلندی را بهترین فیلم سال ۲۰۱۹ انتخاب کرد. مرد ایرلندی در هفتاد و هفتمین مراسم گلدن گلوب در پنج رشته؛ از جمله بهترین فیلم درام، بهترین کارگردانی و بهترین بازیگر نقش مکمل مرد فیلم درام برای پاچینو و پشی نامزد جایزه شده است.



طبق آماری که نت فلیکس منتشر کرد، مرد ایرلندی در پنج روز نخست، ۱۷/۱ میلیون نفر تماشاچی داشته‌است که آن را بعد از فیلم جعبه پرنده (۲۰۱۸) با ۲۶ میلیون تماشاچی به پربیننده ترین فیلمی تبدیل می‌کند که تاکنون نت‌فلیکس تهیه کرده‌است. در تاریخ ۱۰ دسامبر ۲۰۱۹، ورایتی به نقل از نت فلیکس اعلام کرد، تاکنون ۲۶/۴ میلیون نفر مرد ایرلندی را که به صورت آنلاین در دسترس مخاطبان قرار گرفته تماشا کرده اند.

این فیلم تازه مارتین اسکورسیزی، از نسل گول های دهه هفتاد سینمای امریکا، بر خلاف جریان رایج هالیوود، ستایشی است از سینمای اروپا (به ویژه اینگمار برگمان سوئدی).

فیلم ایرانی «متری شیش و نیم»؛ به کارگردان سعید روستانی با فیلم نامه نویسی سعید روستانی است و تهیه کننده آن یز سید جمال ساداتیان.

بازیگران: پیمان معادی، نوید محمدزاده، فرهاد اصلانی، پریناز ایزدیار و ...



به نظر می‌رسد سعید روستائی فیلم‌سازی دغدغه مند است و دغدغه او مشکل اعتیاد است. او در دومین ساخته خود بعد از فیلم به یادماندنی «ابد و یک روز» باز هم سراغ معضل اعتیاد رفت و این بار به جای به تصویر کشیدن زندگی یک خرده فروش، زندگی یک عمده فروش را به تصویر کشید. روستائی در این فیلم، با یک آغاز نفس گیر مخاطب را روی صندلی میخکوب می‌کند و در ادامه با داستانی جذاب فیلم را پیش می‌برد. هرچند سانسور شدن فیلم و حذف شدن چند صحنه آن به فیلم لطمه زده است اما باز هم فیلم «متری شیش و نیم»؛ فیلمی قدرتمند در زمینه فیلم نامه، کارگردانی، بازی بازیگران، فیلم برداری و زمینه های دیگر است. یکی از ویژگی های بارز فیلم های روستائی شخصیت پردازی های اوست که باعث شده است تا شخصیت ها باورپذیر شوند. روستائی در این فیلم، به گفته خیلی از منتقدین، یکی از بهترین شخصیت پردازی ها را برای شخصیت پولیس فیلم «صمد با بازی پیمان معادی» انجام داده است. فیلم دوم روستائی بدون شک یکی از بهترین فیلم های ساخته شده در زمینه اعتیاد است.



فیلم دیگر ایرانی، «خانه پدری» این فیلم اجتماعی، روایت اتفاقی وحشتناک در خانواده ای است که راز سر به مهرش در طول ۶ نسل مخفی می ماند و تاثیراتی در روند زندگی افراد خانواده می گذارد.

این فیلم جوایز بهترین فیلم، بهترین فیلم نامه و بهترین کارگردانی را در هشتمین جشن انجمن منتقدان و نویسندگان سینمای ایران نیز دریافت کرد و نامزد دریافت جایزه بهترین بازیگر مرد، بهترین فیلم برداری، بهترین تدوین، بهترین طراحی صحنه و لباس، بهترین چهره پردازی و بهترین مهندسی صدا در این جشن شده است.

ملوک دختر جوانی است که به دلایل ناموسی، پدرش (مهران رجبی) خواهان مرگ او است و برای این کار به پسر کوچکش به نام محتشم گفته تا قبری در زیرزمین حفر کند تا ملوک را کشته و در آن جا دفن کنند اما...

کیانوش عیاری کارگردان این فیلم، متولد سال ۱۳۳۰ در شهر اهواز است. عیاری کار خودش را با ساخت فیلم های تجربی ۸ میلی متری آغاز کرد و در سال های بعد وارد جریان اصلی سینما شد و آثاری هم چون «تنوره دیو» و «آن سوی آتش» را روانه سینما کرد که با موفقیت در جشنواره نمایش داده شدند. عیاری یکی از گزیده کارترین کارگردانان ایرانی است که در چند سال اخیر حضوری در سینما نداشته است و آخرین ساخته اش «خانه پدری» محسوب می شود.

«خانه پدری» شروع طوفانی و غافلگیر کننده دارد. ۱۰ دقیقه ابتدائی فیلم که با تعقیب و گریز پدر و دختر و در نهایت قتل وحشتناک دختر به دست پدر همراه است، به راحتی می تواند هر تماشاگری را شوکه کند. اما در ادامه داستان این اتفاق آن طور که انتظار می رفت به وقوع نمی پیوندد.

«خانه پدری» که نامی کنایه آمیز در وصف فیلم است، درباره فرهنگ مردسالاری و تضییع حقوق زنان در جامعه مان است که در قالب نام «خانه پدری» به مخاطب ارائه شده است. یعنی جایی که قاعدتا می بایست فرد بیش ترین احساس

امنیت را داشته باشد. تصویری که عیاری از وضعیت زنان در بازه های مختلف زمانی ترسیم کرده، چنان تلخ و گزنده است و این توانائی را دارد که تماشايش هر تماشاگري را سرشار از اندوه کند.

عیاری مانند ساخته های پیشین اش که واقع گرائی از ویژگی های برجسته آن ها بوده، در «خانه پدری» نیز تصویری برگرفته از حوادث روزنامه ها و اتفاقات جامعه مردسالار ایران را به تصویر کشیده است.

«خانه پدری» به ما نشان می دهد که حتی پس از قتل دختر، اعضای مرد خانواده تمایلی به پذیرش اشتباه خود ندارند و هم چنان طی زمان های مختلف به جای پذیرش اشتباه خود، سعی در سرپوش گذاشتن بر آن با قفل کردن زیرزمین و اقدامات دیگر دارند.

با این وجود «خانه پدری»، سوژه حساسیت برانگیزی را انتخاب کرده و عیاری هم تا جایی که می توانسته آن را به صورت مستند روایت کرده است. مدیر موسسه ناجی هنر تهیه کننده اولیه فیلم گفته بود که این فیلم و به طور خاص «ده دقیقه اول» آن با «ارزش های انقلاب» هم سوئی ندارد و «با احساسات مردم بازی می کند»، در نتیجه به هیچ وجه مناسب پخش تلویزیونی یا اکران سینمایی نیست. ده دقیقه ای که بیش از چهار سال نمایش این فیلم را به تاخیر انداخت. در این سکانس دختری جوان به دلیل «ریختن آبروی خانواده» توسط پدر و برادرش نوجوانش با خونسردی تمام به قتل می رسد و در زیرزمین خانه دفن می شود و در ادامه فیلم تاثیر این قتل - که هم چون رازی پنهان شده - در زندگی نسل های بعدی افراد خانواده به تصویر کشیده می شود.

تعدد مراکز قدرت و موازی در حوزه فرهنگ و هنر؛ واکنش وزارت ارشاد به خواسته های آنان و تاثیر این اتفاقات بر فضای فرهنگی و سینمایی کشور، بسیار ارتجاعی و غیرانسانی است.

بیش از نمایش این فیلم در سینماهای ایران، فیلم «خانه پدری» در جشنواره فیلم ایرانی استرالیا و در تمام شهرهای بزرگ استرالیا و... به نمایش درآمده بود.

حکایت سینمای ایران و فیلم های توفیقی حکایت تازه ای نیست و شمار فیلم های توقیف شده در این سال ها به چند صد فیلم می رسد. یا حوزه هنری به پشتوانه در اختیار داشتن سینماهای مهم از اکران فیلم هائی که نمی پسندد سر باز می زند.

حمایت فوتبالیست ها از خیزش مردم چیلی

از آغاز اعتراضات در روز ۱۸ اکتبر، بسیاری از فوتبالیست های لژیونر چیلی نیز حمایت خود از معترضان را نشان داده اند. از همان فردای اولین اعتراضات گسترده برضد دولت پینیه را، کلاودیو براوو، دروازه بان منچستر سیتی و کاپیتان سابق تیم ملی، در قالب یک تونیت سی سال سیاست نئولیبرال در چیلی را محکوم کرد: «آن ها آب ما، برق ما، گاز ما، سیستم آموزشی ما، سلامت ما، بازنشستگی ما، جاده های ما، جنگل های ما، نمک بیابان آتاکاما، یخچال های طبیعی، و وسایل حمل و نقل عمومی را فروخته اند. دیگر چه چیز بیش تری باقی مانده؟ چیلی به مردمش تعلق دارد، نه به چند نفر.»

دو روز پس از آغاز شورش مردم و صف آرائی ارتش در خیابان های سانتیاگو، رئیس جمهور پینیه را در توجیه اعلام وضعیت اضطراری در روز ۱۸ اکتبر (که ده روز بعد به پایان رسید) گفت: «ما در وضعیت جنگی قرار داریم.» روز بعد، گری مدل در واکنش به این سخنان گفت: «جنگ دو جبهه دارد و ما فقط یک مردم واحدیم (یک خلق متحدیم) که خواستار عدالت بیش تری هستیم.» هافبک بارسلونا، آرتورو ویدال، نیز «سیاست مداران» را به «شنیدن حرف مردم»

فراخواند. فرناندا پینیا، بازیکن فوتبال زنان، صریحا خواستار استعفای رئیس جمهور شد: «هنوز نفهمیدی که ما می خواهیم بروی؟ ... تو موفق شدی همه ما را با یکدیگر متحد کنی و حالا دیگر ولات نمی کنیم.»

بازیکنان لیگ برتر چیلی نیز علیه مقامات دولتی، اعلام موضع کرده اند. از همان اولین روزهای وضعیت اضطراری، ژان بوسیور، ستاره باشگاه یونیورسیداد چیلی، در گفتگو با رادیو ADN گفت: «در ذهن من ارتش یادآور تاریک ترین روزهای تاریخ چیلی است. دیدن آن در خیابان من را مانند خیلی های دیگر دچار ترس و وحشت می کند.» پس از آن که پینیه را روز ۲۸ اکتبر تغییراتی در کابینه ایجاد کرد، نیکلاس ماتورانا، بازیکن باشگاه یونیورسیداد کنسپسیون، به کنایه گفت: «دلک ها را عوض کرده اند، اما هنوز همان سیرکی است که بود؛ فقرا فقیر باقی خواهند ماند.»

ایگناسیو ناچو ساودرا، بازیکن یونیورسیداد کاتولیکا، و ایوان مورالس، مهاجم تیم کولو کولو، همزمان در تظاهرات شرکت کرده اند.

ده دقیقه پس از آغار مسابقه، بازیکنان ناگهان دست از بازی کشیدند و همگی پشت بئر بزرگی با شعار «برای عدالت بیش تر در چیلی» رفتند و به احترام کشته شدگان تظاهرات اخیر، یک دقیقه سکوت کردند. هواداران کولو کولو نیز در نیمه دوم ورزشگاه را به تسخیر خود درآورده و بازی را مختل کردند. بازیکنان تیم هائی که بنا بود همان روز مسابقه بدهد فوراً پس از این ماجرا امتناع خود از شرکت در بازی ها را اعلام کردند.

با این شکست سنگین، و با وجود ناخشنودی عمیق حکومت، انجمن ملی فوتبال وادار شد روز ۲۹ نوامبر لغو کل بازی های لیگ ۲۰۲۰-۲۰۱۹ را اعلام کند. روز ۶ دسامبر و در پنجاهمین روز اعتراضات ضد دولت پینیهرا، کلوب هواداران فوتبال باز هم فراخوان اعتراض داده است: «هیچ چیز تغییر نکرده است، هنوز صدای ما شنیده نشده است. همگی به خیابان بیائید!»

این اقدام جسورانه فوتبالیست های چیلی علیه حکومت این کشور، یک تجربه ارزشمندی است که جا دارد مورد توجه بازیکنان تیم های فوتبال ایران نیز قرار گیرد!

علیرضا فیروزجا، قهرمان شطرنج ایرانی، بازی زیر پرچم فرانسه را ترجیح داد

علیرضا فیروزجا، شطرنج باز ۱۶ ساله ایرانی، بعد از این که رتبه دوم جهانی را در مسابقات شطرنج سریع به دست آورد، اعلام کرد که از این پس برای کشور فرانسه بازی خواهد کرد. اخیراً دو شطرنج باز تیم ملی ایران نیز بر خلاف میل مسئولان حکومت اسلامی، آمادگی خود را برای مسابقه با حریفان اسرائیلی اعلام کرده بودند.



روز یکشنبه ۸ دی - ۲۹ دسامبر، خبرگزاری ایسنا با انتشار خبر کسب مدال نقره توسط علیرضا فیروزجا در مسابقات سریع شطرنج قهرمانی جهان، از قول او نوشت: «قدردان زحماتی که در ایران برایم کشیده شده هستم.» او هم چنین اعلام کرد که از این پس برای فرانسه بازی خواهد کرد.

رقابت های شطرنج سریع قهرمانی جهان شب شنبه ۲۸ دسامبر در شهر مسکو با قهرمانی شطرنج باز نروژی به پایان رسید. فیروزجا در مقام دوم قرار گرفت.

فیروزجا هفته گذشته درخواست تغییر تابعیت را به فدراسیون ایران ارسال کرده بود. بلافاصله پس از این درخواست، سایت فدراسیون جهانی شطرنج نشان پرچم ایران را از مقابل نام علیرضا فیروزجا حذف کرد اما پرچم جدیدی به جای آن نگذاشت. قرار بود که وی موقتا زیر پرچم فدراسیون جهانی شطرنج (FIDE) در مسابقات مختلف شرکت کند.

فیروزجا درباره کشور آینده اش گفته است: «با توجه به این که هم اکنون در فرانسه هستم و در این کشور زندگی می کنم، برای فرانسه بازی خواهم کرد.»

حدود دو هفته قبل، پرهام مقصودلو و محمد امین طباطبائی، دو عضو تیم ملی شطرنج ایران، قبول نکردند که از بازی با حریفان اسرائیلی انصراف دهند. به دنبال این رفتار «خودسرانه»، فدراسیون شطرنج ایران اعلام کرد که هیچ شرکت کننده ای به مسابقات جهانی مسکو نمی فرستد. بدین ترتیب، علیرضا فیروزجا نیز تصمیم گرفت که موقتا زیر پرچم فدراسیون جهانی شطرنج در این بازی ها حضور یابد.

خبرگزاری تسنیم، نزدیک به سپاه پاسداران نوشت: «خبر درخواست تغییر تابعیت از سوی علیرضا فیروزجا شطرنج باز نوجوان ایرانی، مهم ترین خبر غیر فوتبالی در ورزش ایران طی چند روز اخیر بوده است.» فیروزجا که متولد ۱۳۸۲ است، اینک در صدر رده بندی شطرنج بازان رده ۱۶ سال جهان و در رتبه دوم شطرنج جوانان جهان قرار دارد.

ژان پیر ژرژ، شهردار شهر فرانسوی «شارتر» که خود شطرنج باز ماهری است، با افتخار می گوید: «فیروزجا را من به باشگاه شطرنج شارتر آوردم.» علیرضا فیروزجا که در ۱۴ سالگی به عنوان «بزرگ استادی» شطرنج دست یافت، از چند ماه قبل در شهر شارتر فرانسه مستقر شده است.

ژان پیر ژرژ می گوید: «فیروزجا یک شطرنج باز استثنائی است. من تمامی بازی هایش را از طریق اینترنت دنبال کرده ام. او به ندرت مطابق با توصیه های کامپیوتر بازی می کند. هیچ گاه بازی مساوی را نمی پذیرد و حاضر به خطر کردن است.»

ژان پیر ژرژ در مورد آینده این جوان شانزده ساله می گوید: «هیچ کس نمی تواند پیش بینی کند. شاید تا دو سال دیگر همه را بزند و به شخصیتی تبدیل شود که مثلا با پله در دنیای فوتبال قابل مقایسه باشد.»

خبر موفقیت های دانش آموزان ایرانی در رقابت های علمی خبر تازه ای نیست و هر سال شاهد چنین اخباری در حوزه های مختلف علوم هستیم. در این میان برگزاری المپیادها در کشور و نتایج مستقیم و غیر مستقیم آن نیز بحث های زیادی را در سطح جامعه و مدیران کشور به وجود آورده است که رد آن ها را می توان حتی در خبرهای سیاسی نیز شاهد بود.

در واقع با به قدرت رسیدن حکومت اسلامی، هم زمان با سرکوب شدید دستاوردهای انقلاب ۱۳۵۷ مردم ایران، و ایجاد فضای سرکوب و رعب و وحشت و به خصوص با شروع انقلاب فرهنگی و تعطیلی دانشگاه ها، موج بزرگی از مهاجرت نخبگان و دانشجویان ایرانی به راه افتاد. روح الله خمینی پایه گذار حکومت اسلامی در آن سال ها، گفته بود: می گویند مغزها فرار کردند! بگذار فرار کنند. جهنم که فرار کردند این مغزها! مغزهای علمی نبودند این مغزها،

مغزهای خیانت کار بودند، و الا کسی از مملکت خودش فرار می کند به امریکا؟! از مملکت خودش فرار می کند به انگلستان و زیر سایه انگلستان می خواهد زندگی بکند؟ (صحیفه نور، جلد ۱۰ صفحه ۸۴)

عشق و زندگی مأمور اطلاعاتی شوروی در تهران

گوهر، زن ارمنی در تهران از ترور استالین، روزولت و چرچیل جلوگیری کرد. وی تمام زندگی خود را وقف شوروی کرد.



اسپوتنیک به نقل از رسانه «لنتا رو» روسیه: در آخر ماه نوامبر در سن ۹۳ سالگی، خانم گوهر وارطانیان، مأمور اطلاعاتی شوروی درگذشت. او به همراه همسرش گئورگ وارطانیان، چند دهه در مناطق مختلف جهان کار کرد و مهم ترین اطلاعات را برای «کاب.ب» (سرویس ویژه شوروی) کسب و تهیه نمود. همسران وارطانیان، در یک زمان فقط با نام مستعار آنیتا و هانری شناخته می شدند، عملیات های بسیاری را انجام دادند و برخی از آن ها هنوز هم تحت عنوان «بسیار محمانه» پنهان هستند.

اما یکی از آن ها در حال حاضر تاریخ شده است، و نام آنها را جاودانه می کند. در سال ۱۹۴۳، در تهران، آنیتا و هانری برای عقیم گذاشتن ترور رهبران متفقین - کشورهای ائتلاف ضد هیتلر - استالین، روزولت و چرچیل توسط سرویس ویژه المان فاشیست کمک کردند.

گوهر وارطانیان (قبل از ازدواج پهلوانیان) در ۲۵ ژانویه سال ۱۹۲۶ در شهر لنینگان ارمنستان (در حال حاضر در گومری) به دنیا آمد. در سال ۱۹۳۲، خانواده وی به ایران نقل مکان کرد و در تهران مستقر شد و پدر گوهر به کارش رفت. زندگی دختر هنگامی تغییر کرد که او به عنوان یک نوجوان با شوهر آینده خود گئورگ وارطانیان ملاقات کرد. وی همچنین از خانواده ای مهاجران ارمنی بود: در دهه ۳۰ آن ها ابتدا از راستوف کنار دن به تبریز نقل مکان کردند و سپس به تهران منتقل شدند.

پدر گئورگ، آندره وارطانیان، که مدیر کارخانه روغنسازی در ارمنستان بود، یک کارخانه قنادی در ایران را باز کرد. با این حال، کار اصلی زندگی وی جمع آوری اطلاعات به نفع اتحاد شوروی بود. چند دفعه او به ظن جاسوسی بازداشت شد، اما هر بار به دلیل عدم وجود مدرک کافی آزاد می شد. زمانی رسید که گئورگ از پدرش دانست که او یک مأمور اطلاعاتی است. پدر گاهی پسر خود را به کار جذب می کرد و به او تکالیف ساده ای می سپرد.

در سال ۱۹۴۰، گئورگ ۱۶ ساله با ایوان آقایانتس سرمأمور اطلاعاتی سرویس ویژه شوروی در خاورمیانه ملاقات کرد. وی از توانایی های این جوان قدردانی کرد و به او دستور داد که یک گروه شناسایی را تشکیل دهد. این گروه نام

غیر رسمی «سواره نظام سبک» را به دست آورد که اغلب مأموران جوان با دوچرخه در تهران رفت و آمد می کردند. یک وسیله نقلیه جدی تر - موتور سیکلت Zundapp - تنها در سال ۱۹۴۲ به آن ها تسلیم شد. در همان سال، گئورگ وارطانیان، که در آن زمان با نام مستعار «امیر» عمل می کرد، وظیفه ای بسیار پرمسئولیتی را دریافت کرد.

همان طور که اطلاعات شوروی فهمید، سرویس های ویژه انگلیس مدرسه ای را در تهران ایجاد کردند که در آن جا آن ها جاسوسان و خراب کاران را برای انتقال بعدی به خاک اتحاد شوروی آموزش می دادند. به گئورگ دستور داده شد که او به آن مدرسه تحت پوشش یک محصل نفوذ کند. این تکلیف با درخشش انجام شد - نو جوان مصاحبه مقدماتی را با موفقیت پشت سر گذاشت و به تحصیل پرداخت. با این مانور، هر دانش آموز مدرسه تحت نظارت سرویس های ویژه شوروی قرار داشت: آن ها ظاهر جاسوسان دشمن را می شناختند، به همین دلیل به محض عبور یکی از آن ها از مرز اتحاد شوروی، آن ها را دستگیر و به طرف خود جلب می کردند. انگلیسی ها خیلی زود متوجه شدند که نقشه های آن ها افشا شده است و مدرسه را تعطیل کردند. وارطانیان به خاطر معلومات و آموزشی که سرویس ویژه انگلیس به وی داد، با گذشت زمان از آن تشکر کرد.

گئورگ اغلب به دیدن دوستش اوگانس پهلوانیان می رفت و از انارهای رسیده در حیاط او میل می نمود. در آن جا او با خواهر اوگانس - گوهر ۱۳ ساله آشنا شد. بعداً، گئورگ در حالی که فرمانده «سواره نظام سبک» بود، از دختر دعوت کرد تا به این گروه بپیوندد. گوهر با خوشحالی موافقت کرد. این دختر در ماه های اول لیاقت خود را نشان داد: او موفق شد دو خلبان فراری شوروی را ردیابی کند که با هواپیماهای خود از باکو به سمت تهران پرواز کردند، تا بعداً به نازی ها بپیوندد. با تلاش گوهر، یک خانه تیمی فراریان کشف شد.



چند سال بعد، بین گئورگ ۱۸ ساله و گوهر ۱۶ ساله هم دلی به وجود آمد: این دختر از این واقعیت تحت تاثیر قرار گرفت که همه رفقاییش با او با احترام بسیار زیاد رفتار می کردند، به علاوه او از توجه زنان نیز محروم نبود. با این حال، گئورگ گوهر را انتخاب کرد - تنها دختر گروه شناسائی خود. آن ها داستان عشقی را شروع کردند. مأموران مخفی جوان عضو «سواره نظام سبک» کار دشوار خود را ادامه دادند: آن ها خراب کاران و جاسوسان دشمن را در تهران لو دادند و در بین ۲۰۰۰۰ مهاجر المانی که در پایتخت ایران زندگی کردند، هواداران هیتلر به اندازه کافی وجود داشتند. در نتیجه کار اعضای این گروه، تنها در سال های ۱۹۴۱-۱۹۴۰، ۴۰۰ مأمور المانی خنثی شدند. مشهورترین وظیفه ای که به عهده گوهر و گئورگ گذاشته شده بود، تامین امنیت گردهم آئی رهبران کشورهای متفق بود. جوزف استالین فرمانده عالی اتحاد شوروی، فرانکلین دلانو روزولت رئیس جمهور آمریکا، و وینستون چرچیل نخست وزیر انگلیس توافق کردند که در آخر نوامبر ۱۹۴۳ در تهران ملاقات کنند و درباره زمان افتتاح جبهه دوم در جنگ جهانی دوم صحبت کنند.

عملیات مخفی «پرش بلند» برای نوامبر ۱۹۴۳ برنامه ریزی شده بود. آدولف هیتلر با آگاهی از همایش سران متفقین در تهران تصمیم گرفت با یک ضربه از شر مخالفان اصلی خود خلاص شود: چرچیل را در محل بکشد، روزولت را بگیرد و در ملاء عام اعدام کند و استالین را اسیر کند و او را به المان منتقل نماید. یگان ویژه رزمی از وافن.اس.اس تحت فرمان اتو اسکورسینی برای انجام مرحله اصلی عملیات «پرش بلند» برگزیده شد. نازی ها قصد داشتند رهبران متفقین را درست در تاریخ ۳۰ نوامبر - در روز تولد وینستون چرچیل - در سفارت انگلیس اسیر کنند. آن ها می خواستند از طریق سامانه آب رسانی قنات به ساختمان سفارت انگلیس در تهران نفوذ کنند.

به محض این که اطلاعات مربوطه به دست اتحاد شوروی و انگلیس رسید همه خراب کاران موجود در یک ویلا در تهران بازداشت شدند. پس از آن، المانی ها از انجام این عملیات صرف نظر کردند.

۶۴ سال بعد، نوه وینستون چرچیل با گئورگ و ارطانیان ملاقات کرد. در سال ۲۰۰۷، وی به طور ویژه به مسکو آمد تا شخصا از این پیش کسوت کاگ ب به خاطر نجات جان پدر بزرگش تشکر کند.

گوهر و گئورگ و ارطانیان پس از جنگ در ۳۰ ژوئن ۱۹۴۶ ازدواج کردند. این زن و شوهر با آرامش و دوستانه زندگی کردند و با احترام زیادی با یکدیگر رفتار کردند. گوهر گفت: «انتخاب من فقط به من بستگی داشت. هیچ کس نامزدی شوهرم را به من تحمیل نکرد. من با عشق بسیار ازدواج کردم.» این زوج فرزندی نداشت: آن ها، که زندگی خود را کاملا وقف سرویس اطلاعات کردند، به سادگی نتوانستند از پس آن برآیند.

گوهر و گئورگ تا ۱۹۵۱ در ایران بودند و سپس به شوروی آمده و در ایروان در سال ۱۹۵۶ با موفقیت از موسسه زبان های خارجی فارغ التحصیل شدند. اکنون علاوه بر فارسی، که همسران به آن مسلط بودند، به انگلیسی، اسپانیایی و سایر زبان های اروپائی مسلط بودند. در عین حال، تنها در دو ماه، گوهر و ارطانیان مهارت های اپراتور رادیو را به خوبی یاد گرفت.

پس از سفر به اتحاد شوروی، گوهر و گئورگ و ارطانیان دوباره به خارج از کشور رفتند و حدود ۳۰ سال به عنوان مأمور مخفی اطلاعات در آن جا کار کردند. گوهر و ارطانیان به سؤالاتی درباره این که از کدام کشورها بازدید کرده است، در صحبت ها با سیاستمداران برجسته روسی نیز به طرز واضحی پاسخ نداد. این مأمور اطلاعاتی افسانه ای گفت: «در بسیاری.» گوهر در گفت و گو با خبرنگاران، همیشه سخنان خود را با دقت زیر نظر داشته و اغلب با این سؤال به شوهرش مراجعه می کرد: «گئورگ، آیا می توانیم در این مورد صحبت کنیم؟»

گوهر این را ضمن یادآوری زندگی در خارج گفته، افزود: «شما در حال زندگی معمولی هستید، مثل همه زندگی می کنید. اما شما همیشه در معرض هشدار هستید - اگر چند بار یک نفر را دیدید، فکر می کنید: «چرا او دوباره به این جا آمده است؟» اما در واقع شما یک زندگی عادی را می گذرانید، در غیر این صورت اگر همیشه در فکر این باشید، نمی توانید کار کنید.»

با این حال، برای تلاش برای زندگی عادی، زن و شوهر و ارطانیان غالبا به مجالس اشرافیان رفته، اما سعی می کردند تا حد امکان در جمع افراد ناآشنا قرار نگیرند: آن ها می ترسیدند با کسانی که آن ها را با نام های دیگر می شناختند، وارد صحبت شوند. آن ها هرگز کاری نکردند تا مأموریت شان ناکام بماند. گوهر و گئورگ گفتند که چنین موفقیتی به سادگی توضیح داده شده است: ما هرگز با خیانت رو به رو نشدیم.



آن‌ها سرانجام در سال ۱۹۸۶ به اتحاد شوروی بازگشتند. گوهر بازنشسته شد و گنورگ تا سال ۱۹۹۲ در خدمت بود. او زمان زیادی را به آموختن نسل جدیدی از مأموران کا.گ.ب اختصاص داد و تجربه منحصر به فرد خود را در میان گذاشت و در وقت فراغت گوهر و گنورگ سفر کردند: آن‌ها از گوشه‌های مختلف روسیه و فضای پس از شوروی بازدید کردند.

در سال ۲۰۱۲، گنورگ و ارطانیان درگذشت: به گفته همسرش، او هرگز به بیماری جدی مبتلا نبود، اما سرهنگ ۸۷ ساله نتوانست با سرطان مقابله کند. گوهر تقریباً هشت سال بیش‌تر از همسرش زندگی کرد.



در فاصله روزهای ششم تا نهم آذر ۱۳۲۲ و در بجنوبه جنگ دوم جهانی، تهران میزبان ناخوانده رهبران سه کشور در آن زمان یعنی «فرانکلین روزولت» رئیس‌جمهور آمریکا، «وینستون چرچیل» نخست‌وزیر انگلیس و «ژوزف استالین» رئیس‌جمهور شوروی بود.

سه کشوری که در سال‌های جنگ دوم جهانی سه کنفرانس مهم در تهران، یالتا و پوتسدام تشکیل دادند و علاوه بر طرح نقشه‌های جنگی و استراتژی نظامی خود درباره شرایط بین‌المللی و اوضاع جهان بعد از پایان جنگ و هم‌چنین تقسیم ممالک جهان به مناطق نفوذ، به توافق‌هایی رسیدند.

قسمتی از این توافق‌ها و قول و قرارها پس از پایان جنگ عملی شدند و برخی دیگر باعث بروز اختلاف و سوءتعبیرهایی شدند که اساس اختلافات سیاسی طرفین و آغاز جنگ سرد و تقسیم جهان به دو بلوک شرق و غرب بود. کنفرانس تهران که در چهارمین سال جنگ دوم جهانی تشکیل شد تمام وقت خود را صرف طرح نقشه‌های جنگی و مراحل بعدی نبرد تا شکست کامل آلمان کرد و حل مسائل مربوط به بعد از به دست آمدن پیروزی را به کنفرانس دیگری موکول کرد.



نتیجه گیری

بنابر تعریف گرامشی از بحران، جوامع خاورمیانه ای در حال از سرگذراندن یک بحران عمیق هستند؛ سیستم های حاکم پیشین دیگر پایدار نیستند، با این وجود، ضعف نیروهای اجتماعی مخالف، آن ها را قادر می سازد تا هم چنان و البته به سختی به حیات خود ادامه دهند. در کشورهای نظیر عراق و لبنان و ایران، سیستم های سرمایه داری فرقه گرا و مذهبی از پس تامین مزایای عمومی که موجودیت شان را توجیه می کرد بر نمی آیند. و دیگر در کشورهای مثل عراق و لبنان و ایران، امنیت نسبی و نبود جنگ داخلی، دلیلی کافی برای بقای حکومت محسوب نمی شود.

برخی کارشناسان می گویند این موج اعتراضات جهانی خیلی متنوع تر از این هستند که بتوان آن ها را در یک مقوله واحدی دسته بندی کرد یا مضمون واحدی را به آن ها نسبت داد. اما با این حال در برخی مناطق، اعتراضات به یکدیگر شباهت دارند.

برخی کارشناسان بر این باورند که این اعتراضات توسط نسل جدیدی پیش برده می شود که کم تر به تقسیم بندی های فرقه ای و ایدئولوژیکی قدیمی اهمیت می دهد.

دست کم در شش هفت تا از این کشورها از اکوادور گرفته تا زیمبابوه، از فرانسه تا ایران، جرقه اولیه اعتراضات افزایش قیمت سوخت بوده است.

صندوق بین المللی پول معمولاً اعطای وام را منوط به کاهش سوبسیدهای سوخت می کند، و مالیات بندی بر سوخت راه ساده ای برای پرداخت بدهی های عمومی است؛ به عبارت دیگر، کمک به حکومت ها و ثروتمندان و ذی نفعان سیستم موجود سرمایه داری!

یا مانند تظاهرات جلیقه زردهای فرانسه طی یک سال گذشته در اعتراض به افزایش بهای سوخت و کاهش مالیات ثروتمندان.

تقریباً تمامی کشورهای شورش های مردمی را تجربه کرده اند با یک الگوی اقتصادی واحد اداره شده اند، که در بطن آن، اقلیتی ممتاز «ثروت» های کلانی اندوخته اند در حالی که اکثریت شهروندان این جوامع، فقیر تر و درمانده تر شده اند. به آسانی و حتی به راحتی آب خوردن، سرمایه های بسیاری از سران و مقامات رده بالای فاسد حکومت ها و سرمایه داران، به حساب های بانکی اروپائی و امریکائی ریخته می شوند.

اکنون اکثریت شهروندان جهان، زیر بار بدهی و دستمزدهای پائین و ساعات کاری طولانی له می شوند، و از ثروت اندوزی انگشت شماری سرمایه دار و بی اعتنائی حکومت های سرمایه داری و فاسد، به شدت خشمگین هستند.

آن ها، از اقلیت ثروتمندی که قدرت اصلی کشور را اداره می کنند آن قدر به ستوه آمده اند به طوری که حاضرند تمامی نمادهای دولتی و ملی - مذهبی را به آتش بکشند و به خاکستر تبدیل کنند.

اعتراضات در ایران، لبنان و چیلی با تظاهرات توده ای در بولیوی، اسپانیا، عراق و روسیه همراه شد و پیش از این ها، مردم در جمهوری چک، الجزایر، سودان و قزاقستان به خیابان آمده بودند تا شاهد روند ثابتی از اعتراض و ناآرامی در طول چند ماه گذشته باشیم.

قیمت بنزین در روزهای پایانی آبان براساس تصمیم شورای هماهنگی سران قوا سه برابر افزایش یافت. این تصمیم با اعتراضات گسترده مردمی در سراسر ایران روبه رو شد و حاکمیت معترضان را با خشونت سرکوب کرد، به گونه ای که حدود ده هزار تن بازداشت و یک هزار و ۵۰۰ تن کشته و هزاران تن دیگر زخمی شدند.

اساسا اعتراض های مردم به سرکوب، سانسور، بیکاری، گرانی و فقر است. برای مثال، اخیرا عضو انجمن صنایع کنسرو در ایران، از فقر شدید اقتصادی در کشور خبرداد و گفت: تَن ماهی در سبد غذائی اقشار متوسط، ضعیف و دانشجویان قرار داشت اما حالا دیگر قادر به خرید کنسرو تَن به قیمت ۱۴ تا ۱۸ هزار تومان هم نیستند.

صالح ادیبزاده، افزود: وضعیت زندگی مردم بسیار دشوار شده است خانواده ها قادر به تامین غذای روزانه فرزندان شان نیستند. طبقات متوسط و ضعیف دیگر حتی توان خرید تَن ماهی را هم ندارند. در چنین کشوری، اعتراض ها و خیزش های مردمی، هرگز پایانی نخواهد داشت مگر این که حاکمیت تغییر کند و مردم بر سرنوشت خویش و جامعه شان حاکم باشند.

در حال حاضر یادگار سیاسی آیت الله خمینی و خامنه ای پس از ۴۰ سال که هم در داخل ایران و هم در کشورهای دیگر ایران سال ها در آن ها سرمایه گذاری های هنگفت اقتصادی، نظامی و ایدئولوژیک کرده، به جایی رسیده است که تصویر خمینی و خامنه ای و قاسم سلیمانی فرمانده سپاس قدس را به آتش می کشند و جو ضد حکومت اسلامی ایران در کشورهای منطقه قوت گرفته است.

با این حال، به گواه کارشناسان، در بسیاری از این کشورهای دست خوش ناآرامی شاهد الگوی ثابتی هستیم: فریادی بلندتر از معمول علیه نخبگان در کشورهای که در آن ها دموکراسی مایه سرخوردگی است، فساد بی شرمانه ای حاکم است، و طبقه سیاسی کوچکی در رفاه و تجمل زندگی می کند در حالی که نسل جوان تر برای امرار معاش جان می کند.

عمدتا جوانان هستند که کارد به استخوان شان رسیده است. این نسل جدید حاکمیت ها را فاسد می دانند و نمی خواهند در چنین حاکمیت هایی زندگی کنند. آن ها خواستار تغییرات عمیق و پایه ای در همه عرصه های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و دیپلماسی هستند. آن ها می خواهند سرنوشت خود و جامعه شان را مستقیما به دست خویش رقم بزنند و دولت و کل حاکمیت ها را به عنوان انگلی می بینند که مانع پیشرفت آن ها و جامعه شان است.

در افق و چشم انداز سال جدید، این امید بیش از پیش وجود دارد که مبارزه همه انسان ها در سراسر جهان، بر علیه سانسور، سرکوب، بیکاری، فقر و فساد دولتی به ثمر برسد تا کودکان کار و خیابان، زنان ستم دیده و همه انسان های زجرکشیده و دردمند و استثمار شده بتوانند از همه امکانات و دستاوردهای موجود بشری، یک سان و مساوی بهره مند گردند!

سه شنبه دهم دی [جدی] ۱۳۹۸ - سی و یکم دسمبر ۲۰۱۹